

ارتباط با خدا

زیارت عاشورا

آل یاسین

حدیث کساء

دعاهای توسل

کمیل ، ندبه

فرج ، عهد

انتشارات مسجد مقدس جمکران

بسم الله الرحمن الرحیم

ارتباط با خدا (منتخب ادعیه)

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ارتباط با خدا (منتخب ادعیه)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : ارتباط با خدا مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۴. مشخصات ظاهری : ۱۶۸ص.؛ ۱۷X۱۲س م. وضعیت فهرست نویسی : توصیفی یادداشت : چاپ دهم یادداشت : عنوان روی جلد: زیارت عاشورا، آل یاسین، حدیث کساء، دعاهای توسل، کمیل... عنوان روی جلد : ارتباط با خدا: زیارت عاشورا، آل یاسین، حدیث کساء، دعاهای توسل، کمیل... شناسه افزوده : مسجد جمکران، قم شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۸۹۵۲۱

پیشگفتار

بسم اللّه الرحمن الرحیم «وَإِذَا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَلْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ»

«وهنگامی که بندگان من درباره من از تو سؤال کردند، من به آنان نزدیکم و اجابت می کنم دعای کسی را که مرا بخواند، پس بندگان ما از من طلب اجابت کنند و به من ایمان آورند باشد که به مقام رشد نایل گردند».

«ما مفتخریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن صاعد می خوانند از ائمه معصومین ماست.» این کلام بخشی از وصیتنامه سیاسی اللهی حضرت امام خمینی رحمه الله بنیانگذار جمهوری اسلامی و احیاگر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله در عصر حاضر است. هم او که آثار روحانی دعا را در وجود خویش کاملاً متبلور ساخته بود و به رهروانش سفارش می نمود که با تمسک به این دو وسیله (قرآن نازل) کلام خدا و (قرآن صاعد) گفتار اهل بیت علیهم السلام به خصوص دعای شعبانیه و زیارت جامعه، راه صحیح زندگی را دریافته و از خود موجودی بسازند با روح بلند الهی و اراده قوی، مصمم و شکست ناپذیر «وَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ».

اینک که به یاری خداوند منان در سال پیامبر اعظم صلی الله علیه

وآله توفیق آماده سازی این منتخب را در راستای اشاعه و ترویج فرهنگ و معارف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اهل بیت طاهرینش علیه السلام داشته ایم ضمن تقدیم این کتاب به شما رهروان صادق اهل بیت علیهم السلام از خداوندی که «مجیب دعوه المضطرین» است عاجزانه درخواست می کنیم در ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود(عجل اللّه تعالی فرجه) تعجیل فرماید و ما را از بهترین اعوان و انصار آن حضرت قرار دهد. آمین یا رب العالمین.

اللهم صل علی محمّد وآل محمّد وعجل فرجهم ستاد فجر آفرینان عاشورایی استان سمنان

دعای فرج

اِلهی عَظُمَ البَلاَءُ، وَ بَرِحَ الخَفآءُ، وَ انْکَشَفَ الغِطآءُ، بار الها ! گرفتاری بزرگ گشت ، و پنهانی ها آشکار شد ، و پرده از رازها برداشته شد ، وَ انْقَطَعَ الرَّجآءُ، وَضاقَتِ الاَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمآءُ، و امید گسسته شد ، و پهنای زمین تنگ شد ، و از ریزش رحمت آسمان دریغ ورزیده شد ، وَ اَنْتَ المُسْتَعانُ وَ اِلَیْکَ المُشْتَکی ، وَ عَلَیْکَ و تویی یاور ما و به سوی توست گلایه ها و شکایت ها ، و بر توست المُعَوَّلُ فِی الشِّدَّهِ وَ الرَّخآءِ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی اعتماد و تکیه ما چه در سختی و چه در آسانی . بار الها! درود فرست بر مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، اُولِی الاَمْرِ الَّذِینَ فَرَضْتَ محمد و خاندان محمد ، آن زمامدارانی که واجب کرده ای عَلَیْنا طاعَتَهُمْ ، وَ عَرَّفْتَنا بِـذلِکَ مَنْزِلَتَهُمْ ، فَفَرِّجْ عَنّا بر ما فرمان برداریشان را ، و بـدین سبب جایگاه شان را به ما شناساندی ، پس گشایش ده بر ما بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً قَرِیباً ، کَلَمْحِ البَصَرِ اَوْ هُوَ به حقّ ایشان گشایشی فوری

و نزدیک ، همچون برهم زدن چشم یا اَقْرَبُ ، یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ ! یا عَلِیُّ یا مُحَمَّدُ ! زودتر (از آن) ، ای محمد ای علی! ای علی ای محمد! اِکْفِیانِی فَاِنَّکُما کافِیانِ ، وَانْصُرانِی فَاِنَّکُما ناصِرانِ. مرا نگه دارید که شمایید نگه دارندگان من ، و مرا یاری کنید که شمایید یاوران من یا مَوْلانا یا صاحِبَ الزَّمانِ ، الغَوْثَ الغَوْثَ الغَوْثَ. ای سرور ما! ای صاحب اختیار جهان! به فریادم برس! به فریادم برس! به فریادم برس . اَدْرِکْنِی اَدْرِکْنِی اَدْرِکْنِی . السّاعَةَ السّاعَةَ السّاعَةَ . دریاب مرا دریاب مرا دریاب مرا ! همین ساعت، همین ساعت، هم اکنون . العَجَلَ العَجَلَ العَجَلَ . یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ ! فوری فوری زود ! ای خدا ای مهربان ترین مهربانان ! بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرِینَ.

به حق محمد و خاندان پاکیزه اش (برآورده کن دعای مرا).

دعای عهد

اَللّهُمَّ رَبَّ النُّورِ العَظِیم ، وَ رَبَّ الکُرْسِیِّ الرَّفِیعِ ، بار الها! ای پروردگار روشنی بزرگ ، و پروردگار سریر بلند وَ رَبَّ البَحْرِ المَسْجُورِ ، وَ مُنْزِلَ التَّوْراةِ وَ الاِنْجِیلِ و پروردگار دریای جوشان ، و فرو فرستنده کتاب تورات و انجیل وَ الزَّبُورِ ، وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الحَرُورِ ، وَ مُنْزِلَ القُرْآنِ و زبور ، و پروردگار سایه و آفتاب داغ ، و فرو فرستنده قرآن العَظِیم ، وَ رَبَّ المَلآئِکَهِ المُقَرَّبِینَ وَ الاَنْبِیآءِ بزرگ ، و پروردگار فرشتگان نزدیک درگاه خدا و پیامبران وَ المُرْسَلِینَ . اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِوَجْهِکَ الکَرِیم ، و فرستادگان . خدایا! از تو می خواهم به حقّ ذات بزرگوارت ، وَ بِنُورِ وَجْهِکَ المُنِیرِ وَ مُلْکِکَ القَدِیمِ ، یا حَیُّ و به حقّ نور

جمال تابانت و فرمانروایی دیرینه ات ، ای زنده ، ای پاینده ! یا قَیُّومُ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمواتُ از تو می خواهم به حقّ آن نامت که روشن شد بدان آسمان ها وَ الاَرَضُونَ ، وَ بِاسْمِکَ الَّذِی یَصْلَحُ بِهِ الاَوَّلُونَ و زمین ها ، و به حقّ آن نامت که صالح و شایسته گشتند بدان پیشینیان وَالآخِرُونَ، یا حَیّاً قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ وَیا حَیّاً بَعْدَ کُلِّ حَیٍّ و پسینیان ، ای زنده پیش از هر موجود زنده ای ، و ای زنده پس از هر موجود زنده ای ، وَ یا حَیّاً حِینَ لا حَیَّ ، یا مُحْیِیَ المَوْتی وَ مُمِیتَ و ای زنده در آن هنگام که زنده ای وجود نداشت ، ای زنده کننده مردگان و ای میراننده الاَحْیاءِ ، یا حَیُّ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ . اَللّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانَا زندگان ، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست . خدایا ! برسان به مولای ما الاِمامَ الهادِیَ المَهْدِیَّ القآئِمَ بِاَمْرِکَ صَلَواتُ اللّهِ آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو - که درودهای خدا عَلَیْهِ وَ عَلی آبآئِهِ الطّاهِرِینَ ، عَنْ جَمِیعِ المُؤْمِنِینَ بر او و پدران پاکش باد - ، از طرف همه مردان وَ المُؤْمِناتِ فِی مَشارِقِ الاَرْضِ وَمَغارِبِها، سَهْلِها و زنان با ایمان در مشرق های زمین و مغرب های آن ، هموار آن وَ جَبَلِها، وَ بَرِّها وَ بَحْرِها، وَ عَنِّی وَ عَنْ والِدَیَّ مِنَ و کوهش ، خشکی آن و دریایش ، و از طرف من و پدر و مادرم الصَّلَواتِ زِنَةَ عَرْشِ اللّهِ وَمِدادَ کَلِماتِهِ، وَما اَحْصاهُ درودهایی هموزن عرش خدا و شماره سخنان او ، و آنچه را

شمارش کرده عِلْمُهُ ، وَ اَحاطَ بِهِ کِتابُهُ . اَللّٰهُمَّ اِنّی اُجَدِّدُ لَهُ فِی دانشـش ، و کتاب و دفترش بدان احاطه دارد . خدایا من تجدید و تازه می کنم در صَبیحَةِ یَوْمِی هٰذا ، وَ ما عِشْتُ مِنْ اَیّامِی ، عَهْداً بامـداد این روز ، و هر چه زنـدگی کنم از روزهای دیگر ، عهد وَ عَقْداً وَ بَیْعَةً لَهُ فِی عُنُقِی لا اَحُولُ عَنْها ، و پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سرپیچی نکنم ، وَلا اَزُولُ اَبَداً. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ اَنْصارِهِ وَاَعْوانِهِ و دست نکشم هرگز . خـدایا قرار ده مرا از یاران و کمک کارانش وَ الذّآبّینَ عَنْهُ ، وَ المُسارِعِینَ اِلَیْهِ فِی قَضآءِ و دفاع کننـدگان از او ، و شـتابندگان بـه سـوی او در برآوردن حَوآئِجِهِ ، وَ المُمْتَثِلِینَ لِاَوامِرِهِ وَ المُحامِینَ عَنْهُ ، خواسته هایش ، و انجام دهندگان به دستورات و اوامرش و حمایت کنندگان از آن حضـرت ، وَ السّابِقِینَ اِلی اِرادَتِهِ ، وَ المُسْتَشْهَدِینَ بَیْنَ یَدَیْهِ . و پیشی گیرندگان به سوی خواسته اش ، و شهادت یافتگان پیش رویش . اَللّٰهُمَّ اِنْ حالَ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ المَوْتُ الَّذِی جَعَلْتَهُ خـدایا اگر فاصله افتـد میـان من و او آن مرگی که قرار داده ای آن را عَلی عِبادِکَ حَتْماً مَقْضِیّاً ، فَاَخْرِجْنِی مِنْ قَبْرِی بر بندگانت حتمی و مقرّر ، پس بیرون آور مرا از گورم مُؤْتَزِراً کَفَنِی ، شاهِراً سَیْفِی ، مُجَرِّداً قَناتِی ، مُلَبِّیاً در حالی که کفن به خود پیچیده ، با شمیشر آخته ، و نیزه برهنه ، پاسخ گویان دَعْوَةَ الدّاعِی فِی الحاضِرِ وَ البادِی . اَللّٰهُمَّ اَرِنِی

به فراخوانی آن دعوت کننده بزرگوار در شهر و بیابان . خدایا نشان بده به من الطَّلْعَةَ الرَّشِیدَةَ وَ الغُرَّةَ الحَمِیدَةَ ، وَ اکْحُلْ ناظِری آن جمال ارجمند و آن دارای پیشانی نورانی پسندیده را ، و بکش دیده ام را بِنَظْرَةٍ مِنِّی اِلَیْهِ ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ ، به سرمه وصال دیدارش به یک نگاه ، و شتاب کن در ظهورش ، و آسان گردان خروجش را ، وَ اَوْسِعْ مَنْهَجَهُ ، وَ اسْلُکْ بِی مَحَجَّتَهُ ، وَ اَنْفِذْ اَمْرَهُ ، و بگستران راهش را ، و مرا به راه او درآور ، و دستورش را نافذ گردان ، وَ اشْدُدْ اَزْرَهُ ، وَ اعْمُرِ اللّهُمَّ بِهِ بِلادَکَ ، وَ اَحْیِ بِهِ و پشتش را محکم کن ، و آباد گردان خدایا به دست او شهرهایت را ، و زنده گردان بوسیله اش عِبادَکَ ، فَاِنَّکَ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الحَقُّ ، ظَهَرَ الفَسادُ فِی بندگانت را ، زیرا که تو فرمودی و گفته ات عین حقیقت است ، (که): «آشکار شد تبه کاری در البَرِّ وَالبَحْرِ بِما کَسَبَتْ اَیْدِی النّاسِ . فَاَظْهِرِ اللّهُمَّ خشکی و دریا به خاطر کرده های مردم» . پس آشکار کن خدایا لَنا وَلِیَّکَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِیِّکَ المُسَمّی بِاسْمِ رَسُولِکَ ، برای ما نماینده ات را و فرزند دختر پیامبرت که همنام فرستاده توست ، حَتّی لا یَظْفَرَ بِشَیْءٍ مِنَ الباطِلِ اِلّا مَزَّقَهُ ، وَ یُحِقَّ تا دست نیابد به هیچ باطلی جز آنکه از هم بدراند ، و پابرجا کند الحَقَّ وَ یُحَقِّقَهُ . وَ اجْعَلْهُ اللّهُمَّ مَفْزَعاً لِمَظْلُومِ حق را و ثابت کند آن را ، و قرار بده

آن بزرگوار را خدایا پناه گاه ستمدیدگان عِبادِکَ ، وَ ناصِراً لِمَنْ لا یَجِدُ لَهُ ناصِراً غَیْرَکَ ، بندگانت ، و یاور کسی که جز تو یاوری برایش یافت نشود ، وَ مُجَدِّداً لِما عُطِّلَ مِنْ اَحْکام کِتابِکَ ، وَ مُشَیِّداً و تازه کننده آن احکامی که از کتاب تو تعطیل مانده ، و محکم کننده لِما وَرَدَ مِنْ اَعْلامِ دِینِکَ وَ سُنَنِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللَّهُ آنچه رسیده از نشانه های دین و آیینت و دستورات پیامبرت – که درود خداوند عَلَیْهِ وَ آلِهِ . وَ اجْعَلْهُ اللّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ بر او و آلش باد – ، و قرارش ده خدایا از آنان که نگاهش داری از صولت و حمله المُعْتَدِینَ . اَللّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِیَّکَ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ زورگویان . خدایا شاد گردان (دل) پیامبرت محمد – که درود خداوند عَلَیْهِ وَآلِهِ بِرُؤْیَتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلی دَعْوَتِهِ ، وَ ارْحَم بر او و آلش باد – را به دیدارش ، و نیز هرکه در دعوتش از آن حضرت پیروی کرد ، و رحم کن اسْتِکانَتَنا بَعْدَهُ . اَللّهُمَّ اکْشِفْ هذِهِ الغُمَّةَ عَنْ هذِهِ بر بیچارگی ما پس از آن حضرت . خدایا برطرف کن این اندوه را از این الاُمَّهِ بِحُضُورِهِ ، وَ عَجِّلْ لَنا ظُهُورَهُ ، اِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ امّت به حضور امام زمان ، و شتاب کن برای ما در ظهور آن جناب ، که آنان پندارند ظهورش را بَعِیداً وَ نَراهُ قَرِیباً ، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ.

بسیار دور ولی ما آن را نزدیک می دانیم ، به مهرت ای مهربان ترین مهربانان. پس سه مرتبه دست راست را بر ران راست خود زده و

می گویی:

اَلعَجَلَ العَجَلَ یا مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ.

بشتاب ، بشتاب ! ای سرور من ! ای صاحب الزمان !

دعای حضرت مهدی

اَللّهُمَّ ارْزُقْنا تَوْفِیقَ الطّاعَهِ ، وَ بُعْدَ المَعْصِیَهِ ، بار الها! روزی ما کن کامیابی بر فرمان برداری را ، و دوری از گناه را ، وَ صِدْقَ النِّیَّهِ ، وَ عِرْفانَ الحُرْمَهِ ، وَ اَکْرِمْنا بِالهُدی و راستی در نیّت را ، و شناختن آنچه حرمتش لازم است ، و گرامی دار ما را به وسیله راهنمایی وَ الاِسْتِقامَهِ ، وَ سَدِّدْ اَلْسِنَتَنا بِالصَّوابِ وَ الحِکْمَهِ ، و پایداری ، و استوار کن زبان های ما را به درست گویی و فرزانگی ، وَ امْلَأْ قُلُوبَنا بِالعِلْمِ وَ المَعْرِفَهِ ، وَ طَهِّرْ بُطُونَنا و لبریز گردان دل های ما را از دانش و شناخت خود ، و پاک کن اندرون ما را مِنَ الحَرامِ وَ الشُّبْهَهِ ، وَ اکْفُفْ اَیْدِیَنا عَنِ الظُّلْمِ از غذاهای حرام و شبهه ناک ، و بازدار دست های ما را از ستم وَالسَّرِقَهِ ، وَاغْضُضْ اَبْصارَنا عَنِ الفُجُورِ وَالخِیانَهِ، و دزدی ، و بپوشان چشمان ما را از هرزگی و خیانت ، وَ اسْدُدْ اَسْماعَنا عَنِ اللَّغْوِ وَ الغِیبَهِ ، وَ تَفَضَّلْ عَلی و ببند گوش های ما را از شنیدن سخنان بیهوده و عیب جویی دیگران ، و نیکویی کن بر عُلَمآئِنا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِیحَهِ ، وَ عَلَی المُتَعَلِّمِینَ دانشمندان ما به پارسایی و خیرخواهی کردن ، و بر دانش آموزان بِالجُهْدِ وَ الرَّغْبَهِ ، وَ عَلَی المُسْتَمِعِینَ بِالاِتِّباعِ به کوشش و اشتیاق ، و بر شنوندگان به پیروی کردن وَ المَوْعِظَهِ ، وَ عَلی مَرْضَی المُسْلِمِینَ بِالشِّفآءِ و پند گرفتن ، و بر بیماران مسلمان به بهبودی یافتن وَ

الرّاحَهِ، وَ عَلی مَوْتـاهُمْ بِـالرَّأْفَهِ وَ الرَّحْمَهِ، وَعَلی و آسـودگی ، و بر مردگـان آنهـا به دلسـوزی و مهربـانی کردن ، و بر مَشـایِخِنا بِالوَقـارِ وَ السَّکِینَهِ ، وَ عَلَی الشَّبـابِ پیران مـا به وقـار و آرامش ، و بر جوانـان بِالاِنـابَهِ وَ التَّوْبَهِ ، وَ عَلَی النِّسآءِ بِالحَیآءِ وَ العِفَّهِ ، به پشیمانی و توبه ، و بر زنـان به شـرم و پـاک دامنی ، وَ عَلَی الاَغْنِیآءِ بِالتَّواضُعِ وَ السَّعَهِ، وَ عَلَی الفُقَرآءِ و بر توانگران به فروتنی و بخشـش کردن ، و بر مسـتمندان بِالصَّبْرِ وَ القَناعَهِ ، وَ عَلَی الغُزاهِ بِالنَّصْرِ وَ الغَلَبَهِ ، به شکیبایی و قناعت ، و بر جنگجویان به یاری و پیروزی ، وَعَلَی الاُسَـرآءِ بِالخَلاصِ وَالرّاحَهِ ، وَعَلَی الاُمَرآءِ و بر اسـیران به رهایی یافتن و آسودگی ، و بر زمامداران بِالعَدْلِ وَ الشَّفَقَهِ ، وَ عَلَی الرَّعِیَّهِ بِالاِنْصـافِ به دادگری و دلسـوزی ، و بر ملّت به انصـاف در کارهـا وَ حُسْنِ السِّیرَهِ ، وَ بـارِکْ لِلْحُجّـاجِ وَ الزُّوّارِ فِی و خوش رفتـاری ، و برکت ده برای حاجیـان و زیارت کننـدگان در الزّادِ وَ النَّفَقَهِ ، وَ اقْضِ ما اَوْجَبْتَ عَلَیْهِمْ مِنَ الحَجِّ توشه و خرجی راه ، و به انجـام رسـان آنچه را بر ایشـان واجب کردی از اعمـال حـج وَ العُمْرَهِ ، بِفَضْـلِکَ وَ رَحْمَتِـکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ. و عمره ، به وسیله احسان و مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان !

استغاثه به صاحب الزمان

سَلامُ اللَّهِ الکامِـلُ التّآمُّ ، الشّامِلُ العآمُّ ، وَصَـلَواتُهُ درود کامل و تمام و همه جانبه و فراگیر الهی ، و رحمت الـدّآئِمَهُ ، وَ بَرَکاتُهُ القآئِمَهُ التّآمَّهُ ، عَلی حُجَّهِ اللَّهِ جاودانه اش ، و

بركات پابرجا و تامّ و تمامش بر حجّت خدا وَ وَلِيِّهِ فِى اَرْضِهِ وَ بِلادِهِ ، وَ خَلِيفَتِهِ عَلى خَلْقِهِ و ولىّ گرامش در كره زمين و تمام كشورهايش ، و جانشين او بر خلايق وَ عِبادِهِ وَ سُلالَهِ النُّبُوَّهِ ، وَ بَقِيَّهِ العِتْرَهِ وَ الصَّفْوَهِ ، و بندگانش و نژاد پاك نبوت ، و باقى مانده خاندان رسالت و برگزيده ويژه حق ، صاحِبِ الزَّمانِ ، وَ مُظْهِرِ الاِيمانِ ، وَ مُلَقِّنِ اَحْكامِ حضرت صاحب الزمان ، و نمايان گر ايمان ، و تعليم دهنده احكام القُرْآنِ ، وَ مُطَهِّرِ الاَرْضِ ، وَ ناشِرِ العَدْلِ فِى الطُّولِ قرآن ، و پاك كننده زمين از جور ، و گسترش دهنده عدالت در درازا وَ العَرْضِ، وَ الحُجَّهِ القآئِمِ المَهْدِىِّ، الاِمام المُنْتَظَرِ و پهناى زمين ، و حجّت قائم حضرت مهدى ، پيشواى به انتظار نشسته المَرْضِىِّ ، وَ ابْنِ الاَئِمَّهِ الطّاهِرِينَ ، الوَصِىِّ ابْنِ و پسنديده ، و فرزند امامان پاكيزه ، و جانشين و فرزند الاَوْصِيآءِ المَرْضِيِّينَ ، الهادِى المَعْصُوم ابْنِ الاَئِمَّهِ جانشينان پسنديده حق ، و رهنماى معصوم و فرزند پيشوايان الهُداهِ المَعْصُومِينَ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُعِزَّ المُؤْمِنِينَ هدايت گر و معصوم . درود بر تو اى عزّت بخش مردم مؤمنى المُسْتَضْعَفِينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُذِلَّ الكافِرِينَ كه (در اثر ظلم ستم كاران) ضعيف و ناتوان شدند ، درود بر تو اى ذليل كننده كافران المُتَكَبِّرِينَ الظّالِمِينَ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلاىَ گردن كش و ستم پيشه ، درود بر تو اى سرور من يا صاحِبَ الزَّمانِ ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّهِ ، اى صاحب الزمان ! درود بر تو اى فرزند رسول خدا ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ

اَمیرالمُؤْمِنِینَ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ درود بر تو ای فرزند امیر مؤمنان ، درود بر تو یَابْنَ فاطِمَهَ الزَّهْرآءِ سَیِّدَهِ نِسآءِ العالَمِینَ ، ای فرزند فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الاَئِمَّهِ الحُجَجِ المَعْصُومِینَ ، درود بر تو ای فرزند پیشوایان و حجّت های معصوم وَ الاِمامِ عَلَی الخَلْقِ اَجْمَعِینَ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا و امام و پیشوا بر همه خلق ، سلام بر تو ای مَوْلایَ سَلامَ مُخْلِصٍ لَکَ فِی الوِلایَهِ . اَشْهَدُ اَنَّکَ سرور من! سلامی خالصانه به تو در ولایت و پیروی ات . گواهی می دهم که تویی الاِمامُ المَهْدِیُّ قَوْلاً وَ فِعْلاً ، وَ اَنْتَ الَّذِی تَمْلَاُ آن پیشوای هدایت پیشه ، چه در گفتار و چه در کردار ، و تویی آن بزرگواری که پر کنی الاَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً بَعْدَ ما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً ، زمین را از عدل و داد، پس از آنکه از ستم و بیدادگری پر شده باشد ، فَعَجَّلَ اللّٰهُ فَرَجَکَ، وَ سَهَّلَ مَخْرَجَکَ، وَقَرَّبَ زَمانَکَ، پس خدا در فرجت تعجیل ، و قیامت را آسان ، و زمان حکومتت را نزدیک فرماید ، وَ کَثَّرَ اَنْصارَکَ وَ اَعْوانَکَ ، وَ اَنْجَزَ لَکَ ما وَعَدَکَ ، و یاران و یاوران تو را بسیار گرداند ، و وفا کند به آن وعده فتح و پیروزی که به تو داده ، فَهُوَ اَصْدَقُ القآئِلِینَ: وَ نُرِیدُ اَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ زیرا او راست گوترین گویندگان است ، که فرموده: «و می خواهیم منّت نهیم بر آنان که اسْتُضْعِفُوا فِی الاَرْضِ ، وَ نَجْعَلَهُمْ اَئِمَّهً ، وَ نَجْعَلَهُمُ مستضعف شده اند ، و آنان را پیشوایان خلق قرار دهیم ، و

بگردانیم آنـان را الوارِثینَ، یـا مَوْلایَ یـا صـاحِبَ الزَّمانِ، یَابْنَ رَسُولِ وارثان روی زمین» ، ای سـرور من ای صاحب الزمان! ای فرزند رسول اللّٰهِ ، حاجَتِی کَذا وَ کَذا. به جای کذا وکذا حاجات خود را بگو: خدا! ، حاجت من چنین و چنان است. فَاشْفَعْ لِی فِی نَجاحِها، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ بِحاجَتِی، پس شـفاعت کن برایم در برآمـدن حاجـات ، زیرا که من بـا حاجت خویش به تو متوجّه شـده ام ، لِعِلْمِی اَنَّ لَکَ عِنْدَ اللّٰهِ شَـفاعَةً مَقْبُولَةً ، وَ مَقاماً زیرا می دانم که شـفاعت تو به درگاه خدا پذیرفته می شود ، و دارای مقـام مَحْمُوداً ، فَبِحَقِّ مَنِ اخْتَصَّکُمْ بِاَمْرِهِ ، وَ ارْتَضاکُمْ ارزشـمندی هستی ، سوگنـد می دهم به حقّ آن که شـما را به امر خلافت اختصاص داد ، و برگزیـد لِسِرِّهِ ، وَ بِالشَّأْنِ الَّذِی لَکُمْ عِنْدَ اللّٰهِ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَهُ ، بر اسـرار خود ، و به حقّ مقام و منزلتی که شمـا در نزد خـدا، میان خود و او داریـد ، سَلِ اللّٰهَ تَعالی فِی نُجْحِ طَلِبَتِی ، وَ اِجابَهِ دَعْوَتِی سوگنـد می دهم که از خـدای تعالی بخواهی که حاجاتم را برآورد ، و دعایم را اجابت فرماید ، وَکَشْفِ کُرْبَتِی. حاجات خود را بگو، ان شاء اللّٰه برآورده شود.

و غم و انـدوهم را برطرف نماید. مرحوم محدّث قمی بعد از نقل این اسـتغاثه می فرماید: بهتر آن است که در رکعت اول نماز این استغاثه، بعد از سوره حمد، سوره فتح و در رکعت دوم سوره نصر خوانده شود.

زیارت آل یس

سَلامٌ عَلی آلِ یس ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا داعِیَ اللّٰهِ درود بر خاندان یاسین ، درود بر تو ای دعوت کننده

به خدا وَ رَبّانِیَّ آیاتِهِ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ اللّهِ وَ دَیّانَ و آشنا به نشانه هایش ، درود بر تو ای واسطه خدا و سرپرست دِینِهِ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلِیفَةَ اللّهِ وَ ناصِرَ حَقِّهِ ، دین او ، درود بر تو ای خلیفه خدا و یاور حق او ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللّهِ وَ دَلِیلَ اِرادَتِهِ ، اَلسَّلامُ درود بر تو ای حجّت خدا و راهنمای اراده اش ، درود عَلَیْکَ یا تالِیَ کِتابِ اللّهِ وَ تَرْجُمانَهُ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده آیات او ، درود بر تو فِی آناءِ لَیْلِکَ وَ اَطْرافِ نَهارِکَ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ در تمام لحظه ها و دقایق شب و سرتاسر روز ، درود بر تو یا بَقِیَّةَ اللّهِ فِی اَرْضِهِ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مِیثاقَ اللّهِ ای ذخیره خدا در روی زمین ، درود بر تو ای پیمان محکم خدا الَّذِی اَخَذَهُ وَ وَکَّدَهُ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَعْدَ اللّهِ که از مردم گرفت و سخت محکمش کرد ، درود بر تو ای وعده خدا الَّذِی ضَمِنَهُ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا العَلَمُ المَنْصُوبُ که تضمینش کرده ، درود بر تو ای پرچم برافراشته وَ العِلْمُ المَصْبُوبُ ، وَ الغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الواسِعَةُ ، و دانش ریزان ، و فریادرس خلق و رحمت گسترده حق ، وَعْداً غَیْرَ مَکْذُوبٍ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقُومُ ، آن وعده ای که دروغ پنداشته نشود ، درود بر تو هنگامی که به پا می ایستی ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقْعُدُ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ درود بر تو هنگامی که می نشینی ، درود بر تو هنگامی که

(فرامین حق را) تَقْرَءُ وَ تُبَیِّنُ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تُصَلّی وَ تَقْنُتُ ، می خوانی و تفسیر می کنی ، درود بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت می گیری ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تَرْکَعُ وَ تَسْجُدُ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ درود بر تو هنگامی که رکوع و سجده به جای می آوری ، درود بر تو حِینَ تُهَلِّلُ وَ تُکَبِّرُ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تَحْمَدُ هنگامی که لا ـ اله الا ـ اللّه و اللّه اکبر می گویی ، درود بر تو هنگامی که خدا را ستایش می کنی وَ تَسْتَغْفِرُ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تُصْبِحُ وَ تُمْسِی ، و از او آمرزش می خواهی ، درود بر تو هنگامی که صبح می کنی و به شب می رسانی ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ فِی اللَّیْلِ اِذا یَغْشی وَ النَّهارِ اِذا درود بر تو در شب هنگامی که تاریکی اش فرا گیرد ، و در روز هنگامی که تَجَلّی ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الاِمامُ المَأْمُونُ ، پرده برگیرد ، درود بر تو ای امام امین و محفوظ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا المُقَدَّمُ المَأْمُولُ ، اَلسَّلامُ درود بر تو ای پیشی گرفته (بر همه خلق و) مورد آرزو (ی آنان) ، درود عَلَیْکَ بِجَوامِعِ السَّلامِ . اُشْهِدُکَ یا مَوْلایَ بر تو با همه درودها . گواه گیرم تو را ای سرور من اَنِّی اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا ـ شَرِیکَ لَهُ ، که من گواهی می دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد ، وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لا حَبِیبَ اِلّا هُوَ وَاَهْلُهُ ، و نیز (گواهی می دهم که) محمد بنده و رسول اوست و محبوبی نیست جز او و خاندانش ، وَ

اُشْهِدُکَ یا مَوْلایَ اَنَّ عَلِیّاً اَمیرَالمُؤْمِنِینَ حُجَّتُهُ ، و گواه می گیرم تو را ای مولای من که علی امیر مؤمنان حجت خدا است ، وَ الحَسَنَ حُجَّتُهُ ، وَ الحُسَیْنَ حُجَّتُهُ ، وَ عَلِیَّ بْنَ و حسن حجت اوست ، و حسین حجت اوست ، و علی فرزند الحُسَیْنِ حُجَّتُهُ ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍ حُجَّتُهُ ، حسین حجت اوست ، و محمد فرزند علی حجت اوست ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، و جعفر فرزند محمد حجت اوست ، و موسی فرزند جعفر حجت اوست ، وَ عَلِیَّ بْنَ مُوسی حُجَّتُهُ ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍ حُجَّتُهُ ، و علی فرزند موسی حجت اوست ، و محمد فرزند علی حجت اوست ، وَ عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ ، وَ الحَسَنَ بْنَ عَلِیٍ حُجَّتُهُ . و علی فرزند محمد حجت اوست ، و حسن فرزند علی حجت اوست . وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ حُجَّةُ اللَّهِ . اَنْتُمُ الاَوَّلُ وَ الآخِرُ ، و گواهی می دهم که تو حجت خدایی . شمایید اوّل و آخر ، وَ اَنَّ رَجْعَتَکُمْ حَقٌّ لا رَیْبَ فِیها ، یَوْمَ لا یَنْفَعُ نَفْساً و مسلّماً بازگشت شما حتمی است و شکّی در آن نیست ، روزی که سود ندهد کسی را اِیمانُها ، لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اَوْ کَسَبَتْ فِی ایمانش ، که پیش از آن ایمان نیاورده یا در (مدّت) ایمان خویش اِیمانِها خَیْراً ، وَ اَنَّ المَوْتَ حَقٌّ ، وَ اَنَّ ناکِراً وَنَکِیراً کار خیری انجام نداده ، و اینکه مرگ حق است ، و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حَقٌّ ، وَ

اَشْهَدُ اَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ ، وَ البَعْثَ حَقٌّ ، حق است . و گواهی دهم که زنده شدن پس از مرگ حق است ، و برانگیخته شدن حق است ، وَ اَنَّ الصِّراطَ حَقٌّ، وَ المِرْصادَ حَقٌّ، وَ المِیزانَ حَقٌّ ، و اینکه پل صراط حق است ، و کمین گاه حق است ، و ترازوی حسابرسی حق است ، وَ الحَشْرَ حَقٌّ، وَ الحِسابَ حَقٌّ، وَ الجَنَّهَ حَقٌّ، وَالنّارَ و محشور شدن حق است ، و حساب کشیدن حق است ، و بهشت حق است ، و دوزخ حَقٌّ ، وَ الوَعْدَ وَ الوَعِیدَ بِهِما حَقٌّ . یا مَوْلایَ ! شَقِیَ حق است ، و نوید و تهدید درباره آن دو حق است . ای سرور من ! بدبخت است مَنْ خالَفَکُمْ وَ سَعِدَ مَنْ اَطاعَکُمْ ، فَاشْهَدْ عَلی ما کسی که با شما مخالفت کند و سعادتمند است کسی که از شما پیروی کند ، پس گواهی ده بر اَشْهَدْتُکَ عَلَیْهِ ، وَ أَنَا وَلِیٌّ لَکَ ، بَرِیءٌ مِنْ عَدُوِّکَ ، آنچه تو را بر آن گواه گرفتم ، و من دوست تو هستم ، و از دشمنت بیزارم ، فَالحَقُّ ما رَضِیتُمُوهُ ، وَ الباطِلُ ما اَسْخَطْتُمُوهُ ، حق آن است که شما پسند کرده اید ، و باطل همان است که شما بدان خشم گرفته اید ، وَ المَعْرُوفُ ما اَمَرْتُمْ بِهِ ، وَ المُنْکَرُ ما نَهَیْتُمْ عَنْهُ ، و کار نیک آن است که شما بدان دستور داده اید ، و کار زشت آن است که از آن نهی کرده اید ، فَنَفْسِی مُؤْمِنَهٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ ، وَ بِرَسُولِهِ من ایمان دارم

به خـدای یگانه ای که شـریک نـدارد ، و به فرسـتاده او وَ بِاَمِیرِالمُؤْمِنِینَ وَ بِکَمْ یا مَوْلایَ اَوَّلِکَمْ وَآخِرِکُمْ، و به امیر مؤمنان و به شما – ای مولای من – از اول تا آخرتان وَنُصْرَتِی مُعَدَّةٌ لَکُمْ وَ مَوَدَّتِی خالِصَةٌ لَکُمْ ، آمِینَ و یاری ام برای شـما آماده است ، و دوستی ام برای شما خالص و پاک است ، برآورده کن آمِینَ. و بعد از آن، این دعا خوانده شود:

خواسته ام را ، آمین.

اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ نَبِیِّ خدایا از تو می خواهم که درود فرستی بر محمد ، پیامبر رَحْمَتِکَ وَ کَلِمَهِ نُورِکَ، وَ اَنْ تَمْلَاَ قَلْبِی نُورَ الیَقِینِ، رحمتت و کلمه نـورت ، و آنکه پر کنی دل مرا بـا نـور یقین ، وَ صَدْرِی نُـورَ الاِیمـانِ ، وَ فِکْرِی نُورَ النِّیّاتِ ، و سـینه ام را با نور ایمان ، و اندیشه ام را با نور تصـمیم ها ، وَ عَزْمِی نُورَ العِلْمِ ، وَ قُوَّتِی نُورَ العَمَلِ ، وَ لِسانِی و اراده ام را با نور علم ، و نیرویم را با نور عمل ، و زبانم را نُورَ الصِّدْقِ ، وَ دِینِی نُورَ البَصآئِرِ مِنْ عِنْدِکَ ، با نور راست گویی ، و دین و مذهبم را با نور بینایی هایی از نزد خودت ، وَ بَصَرِی نُورَ الضِّیآءِ ، وَ سَمْعِی نُورَ الحِکْمَهِ ، و چشمم را با نور روشنایی ، و گوشم را بـا نـور فرزانگی و حکمـت ، وَ مَوَدَّتِی نُـورَ المُوالاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ و دوسـتی ام را بـا نـور موالات بر محمـد و خاندانش – که درود خداوند بر آنان باد – حَتّی اَلْقاکَ وَقَدْ وَفَیْتُ بِعَهْدِکَ وَ مِیثاقِکَ

، فَتُغَشِّيَنِی تا تو را دیدار کنم ، و من به عهد و پیمان تو وفا کردم ، پس بپوشان بر من رَحْمَتُکَ یا وَلِیُّ یا حَمِیدُ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ رحمت خود را ای سرپرست و ای ستوده . خدایا درود فرست بر محمد حُجَّتِکَ فِی اَرْضِکَ وَ خَلِیفَتِکَ فِی بِلادِکَ ، وَالدّاعِی حجّت تو در روی زمینت و جانشین تو در شهرهایت ، و دعوت کننده اِلی سَبِیلِکَ ، وَ القآئِم بِقِسْطِکَ وَ الثّآئِرِ بِاَمْرِکَ ، به سوی راهت ، و قیام کننده به عدل و دادت ، و انقلاب کننده به دستورت ، وَلِیِّ المُؤْمِنِینَ وَ بَوارِ الکافِرِینَ ، وَ مُجَلّی الظُّلْمَهِ دوست مؤمنان و نابود کننده کافران ، و برطرف کننده تاریکی وَ مُنِیرِ الحَقِّ ، وَ النّاطِقِ بِالحِکْمَهِ وَ الصِّدْقِ ، و روشن کننده حق ، و گوینده به حکمت و راستی ، وَ کَلِمَتِکَ التّآمَّهِ فِی اَرْضِکَ ، المُرْتَقِبِ الخآئِفِ ، و آن کلمه (دستور و فرمان) کاملت در روی زمین ، که در حال انتظار و هراس به سر برد ، وَ الوَلِیِّ النّاصِحِ ، سَفِینَهِ النَّجاهِ وَ عَلَمِ الهُدی ، و آن سرپرست خیرخواه ، و کشتی نجات و پرچم هدایت ، وَ نُورِ اَبْصارِ الوَری ، وَ خَیْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدی ، و روشنی دیدگان مردم ، و بهترین کسی که جامه و ردا به بر کرد ، وَ مُجَلّی العَمی ، اَلَّذِی یَمْلَأُ الاَرْضَ عَدْلاً وَ قِسْطاً و زداینده گمراهی ، آن کس که پر کند زمین را از عدل و داد ، کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ

قَدِيرٌ . چنان که پر شده باشد از ستم و بیدادگری ، که به راستی تو بر هر چیز توانایی . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ اَوْلِيآئِكَ ، الَّذِينَ خدایا درود فرست بر بنده مقرّب درگاهت و فرزند بندگان مقرّبت ، آنان که فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ ، وَ اَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ ، وَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمُ واجب کردی فرمان برداریشان را ، و واجب گرداندی حقّشان را ، و دور کردی از ایشان الرِّجْسَ ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً . اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ پلیدی را ، و به خوبی پاکیزه شان کردی . خدایا یاری اش کن و یاری کن بِهِ لِدِينِكَ ، وَ انْصُرْ بِهِ اَوْلِيآءَكَ وَ اَوْلِيآءَهُ وَ شِيعَتَهُ به دست او دینت را ، و یاری کن به وسیله او دوستان خودت و دوستان او و شیعیان وَ اَنْصارَهُ ، وَ اجْعَلْنا مِنْهُمْ . اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ و یاورانش را ، و ما را نیز از آنان قرار ده . خدایا پناهش ده از شرّ هر باغٍ وَ طاغٍ ، وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَ احْفَظْهُ مِنْ متجاوز و سرکشی ، و از شرّ همه آفریده هایت ، و نگاهش بدار از بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ ، وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمالِهِ ، پیش رویش و از پشت سرش ، و از سمت راستش و از طرف چپش ، وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ اَنْ يُوصَلَ اِلَيْهِ بِسُوءٍ ، و پاسداری اش کن و نگاهش دار از اینکه گزند و آسیبی بدو برسد ، و (شوکت و عزّت) وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ ، وَ اَظْهِرْ بِهِ رسول و خاندان رسولت را در (وجود)

او حفظ فرما ، و آشکار (یا پیروز) گردان به دست او العَدْلَ ، وَ اَیِّدْهُ بِالنَّصْرِ ، وَ انْصُرْ ناصِرِیهِ ، وَ اخْذُلْ عدل و داد را ، و با یاری ات کمکش کن ، و یاورانش را نیز یاری کن ، و خوار گردان هرکه دست خاذِلِیهِ ، وَ اقْصِمْ قاصِمِیهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ الکُفْرِ ، از یاری اش بردارد ، و درهم شکن شکننده اش را و بشکن بدست او قدرت و شوکت کافران را وَ اقْتُلْ بِهِ الکُفّارَ وَ المُنافِقِینَ ، وَ جَمِیعَ المُلْحِدِینَ ، و آنان را بدست آن حضرت به خاک هلاکت افکن و هم چنین منافقان و همه بی دینان حَیْثُ کانُوا مِنْ مَشارِقِ الاَرْضِ وَ مَغارِبِها ، بَرِّها ستیزه جو را در هر جا هستند از خاورهای زمین و باخترهای آن چه در خشکی وَ بَحْرِها ، وَ امْلَأْ بِهِ الاَرْضَ عَدْلاً ، وَ اَظْهِرْ بِهِ دِینَ و چه در دریا، و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد و آشکار (یا پیروز) کن بوسیله اش دین نَبِیِّکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ . وَ اجْعَلْنِی اللّهُمَّ مِنْ پیامبرت را - که درود خداوند بر او و آلش باد - ، و قرار ده خدایا مرا نیز از اَنْصارِهِ وَ اَعْوانِهِ ، وَ اَتْباعِهِ وَ شِیعَتِهِ . وَ اَرِنِی فِی یاران و کمک کاران و پیروان و شیعیانش و به من بنما در مورد آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ ما یَأْمُلُونَ ، وَ فِی آل محمد علیهم السلام آنچه را آرزو داشتند و در مورد عَدُوِّهِمْ ما یَحْذَرُونَ ، اِلهَ الحَقِّ آمِینَ یا ذَا الجَلالِ دشمنشان آنچه از آن می ترسند ، مستجاب

گردان ای معبود حق و ای صاحب جلالت وَ الاِکْرامِ ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ.

و بزرگواری ای مهربان ترین مهربانان.

زیارت امین اللّه

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمِینَ اللَّهِ فِی اَرْضِهِ ، وَ حُجَّتَهُ درود بر تو ای امانت دار خدا در زمین او ، و حجّتش عَلی عِبادِهِ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمِیرَالمُؤْمِنِینَ ، بر بندگان او ، درود بر تو ای امیر مؤمنان ، اَشْهَدُ اَنَّکَ جاهَدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ ، وَ عَمِلْتَ گواهی می دهم که تو در راه خدا جهاد کردی آن طور که باید ، و رفتار کردی بِکِتابِهِ ، وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ، به کتاب خدا (قرآن) ، و پیروی کردی از سنت های پیامبرش - که درود خدا بر او و آلش باد - ، حَتّی دَعاکَ اللَّهُ اِلی جِوارِهِ ، فَقَبَضَکَ اِلَیْهِ بِاخْتِیارِهِ ، تا اینکه خداوند تو را به جوار خویش دعوت فرمود ، و به اختیار خودش جانت را قبض نمود ، وَ اَلْزَمَ اَعْداۤءَکَ الحُجَّةَ مَعَ ما لَکَ مِنَ الحُجَجِ و ملزم کرد دشمنانت را با دلیل و برهان از حجّت های البالِغَهِ عَلی جَمِیعِ خَلْقِهِ . اَللّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِی رسای دیگری که با تو بود بر تمامی خلق خود . خدایا قرار ده نفس مرا مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِکَ ، راضِیَةً بِقَضاۤئِکَ ، مُولَعَةً بِذِکْرِکَ آرام به تقدیرت ، و خوشنود به قضایت ، و حریص به ذکر وَ دُعاۤئِکَ ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِیاۤئِکَ ، مَحْبُوبَةً فِی و دعایت ، و دوستدار برگزیدگان دوستانت ، و محبوب در اَرْضِکَ وَ سَماۤئِکَ ، صابِرَةً عَلی نُزُولِ بَلاۤئِکَ ، زمین و آسمانت ، و شکیبا در مورد نزول بلایت ، شاکِرَةً

لِفَواضِلِ نَعْمآئِکَ ، ذاکِرَةً لِسَوابِغِ آلآئِکَ ، و سپاس گزار در برابر نعمت های فزونت ، و یاد کننده عطایای فراوانت ، مُشْتاقَةً اِلی فَرْحَهِ لِقآئِکَ ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوی لِیَوْمِ و مشتاق به شاد گشتن دیدارت ، و توشه گیر پرهیزکاری برای روز جَزآئِکَ ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِیآئِکَ ، مُفارِقَةً لِاَخْلاقِ پاداشت ، و پیروی کننده روش های دوستانت ، و دوری گزیننده اخلاق اَعْدآئِکَ ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْیا بِحَمْدِکَ وَ ثَنآئِکَ.

دشمنانت ، و سرگرم از دنیا به ستایش و ثنایت. پس پهلوی خود را بر قبر گذاشت و گفت: اَللّهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ خدایا به راستی دل های المُخْبِتِینَ اِلَیْکَ والِهَةٌ ، وَ سُبُلَ الرّاغِبِینَ اِلَیْکَ فروتنان درگاهت به سوی تو حیران است ، و راه های مشتاقان به جانب تو شارِعَةٌ ، وَ اَعْلامَ القاصِدِینَ اِلَیْکَ واضِحَةٌ ، وَ اَفْئِدَةَ باز است ، و نشانه های قاصدان کویت آشکار و نمایان است ، و قلب های العارِفِینَ مِنْکَ فازِعَةٌ ، وَ اَصْواتَ الدّاعِینَ اِلَیْکَ عارفان از تو ترسان است ، و صداهای خوانندگان به طرف تو صاعِدَةٌ ، وَ اَبْوابَ الاِجابَهِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ ، وَ دَعْوَةَ مَنْ بلند ، و درهای اجابت به رویشان باز است ، و دعای آن کس که ناجاکَ مُسْتَجابَةٌ ، وَ تَوْبَةَ مَنْ اَنابَ اِلَیْکَ مَقْبُولَةٌ ، با تو راز گوید مستجاب است ، و توبه آن کس که به درگاه تو بازگردد پذیرفته است ، وَ عَبْرَةَ مَنْ بَکی مِنْ خَوْفِکَ مَرْحُومَةٌ ، وَ الاِغاثَةَ و اشک دیده آن کس که از خوف تو گرید مورد رحم و مهر است ، و فریادرسی لِمَنِ اسْتَغاثَ بِکَ مَوْجُودَةٌ ، وَ الاِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ تو برای کسی که

به تو استغاثه کند آماده است ، و کمک کاری ات برای آن که از تو کمک بِکَ مَبْذُولَهٌ ، وَ عِداتِکَ لِعِبادِکَ مُنْجَزَهٌ ، وَ زَلَلَ مَنِ خواهد رایگان است ، و وعده هایی که به بندگانت دادی وفایش حتمی است ، و لغزش کسی که اسْتَقالَکَ مُقالَهٌ ، وَ اَعْمالَ العامِلِینَ لَدَیْکَ مَحْفُوظَهٌ ، از تو پوزش طلبد بخشوده است ، و کارهای آنان که برای تو کار کنند در نزد تو محفوظ است ، وَ اَرْزاقَکَ اِلَی الخَلاَئِقِ مِنْ لَدُنْکَ نازِلَهٌ ، وَ عَوآئِدَ و روزی هایی که به آفریدگانت دهی از نزدت ریزان است ، و بهره های المَزِیدِ اِلَیْهِمْ واصِلَهٌ، وَذُنُوبَ المُسْتَغْفِرِینَ مَغْفُورَهٌ، بیشتری هم به سویشان می رسد ، و گناه آمرزش خواهان (از تو) آمرزیده است ، وَ حَوآئِجَ خَلْقِکَ عِنْدَکَ مَقْضِیَّهٌ ، وَ جَوآئِزَ السّآئِلِینَ و حاجت های آفریدگانت نزد تو روا شده است ، و جایزه های سائلان عِنْدَکَ مُوَفَّرَهٌ ، وَ عَوآئِدَ المَزِیدِ مُتَواتِرَهٌ ، وَ مَوآئِدَ در پیش تو شایان و وافر است ، و بهره های فزون پیاپی است ، و خوان های احسان تو المُسْتَطْعِمِینَ مُعَدَّهٌ، وَمَناهِلَ الظِّمآءِ مُتْرَعَهٌ. اَللّٰهُمَّ برای طعام خواهان آماده است ، و حوض های آب برای تشنگان لبریز است . خدایا ! فَاسْتَجِبْ دُعآئِی، وَ اقْبَلْ ثَنآئِی، وَاجْمَعْ بَیْنِی وَبَیْنَ پس دعایم را مستجاب کن ، و بپذیر مدح و ثنایم را ، و گرد آور میان من اَوْلِیآئِی ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فاطِمَهَ وَ الحَسَنِ و دوستانم ، به حق محمد و علی و فاطمه و حسن وَالحُسَیْنِ ، اِنَّکَ وَلِیُّ نَعْمآئِی ، وَ مُنْتَهی مُنایَ ، و حسین ، که همانا تویی صاحب نعمت هایم ، و منتهای

آرزویم ، وَ غایَهُ رَجآئِی فِی مُنْقَلَبِی وَ مَثْوایَ.

و سرحدّ نهایی تکیه گاه و بازگشت گاه و اقامت گاهم . در کامل الزیاره آمده است که بگویید: اَنْتَ اِلهِی وَ سَیِّدِی تویی معبود و آقا وَ مَوْلایَ ! اِغْفِرْ لِاَوْلِیآئِنا ، وَ کُفَّ عَنّا اَعْدآءَنا ، و مولای من ! بیامرز دوستان ما را ، و باز دار از ما دشمنانمان را ، وَ اشْغَلْهُمْ عَنْ اَذانا ، وَ اَظْهِرْ کَلِمَهَ الحَقِّ وَ اجْعَلْهَا و سرگرمشان کن از آزار ما ، و آشکار کن گفتار حق را و آن را قرار ده العُلْیا ، وَ اَدْحِضْ کَلِمَهَ الباطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلی ، برتر ، و از میان ببر گفتار باطل را و آن را پست گردان ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.

که به راستی تو بر هر چیز توانایی.

زیارت عاشورا

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَباعَبْدِ اللَّهِ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ درود بر تو ای اباعبداللَّه ، درود بر تو ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ اَمِیرِالمُؤْمِنِینَ رسول خدا ، درود بر تو ای فرزند امیر مؤمنان وَ ابْنَ سَیِّدِ الوَصِیِّینَ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ فاطِمَهَ و فرزند سرور برگزیدگان ، درود بر تو ای فرزند فاطمه سَیِّدَهِ نِسآءِ العالَمِینَ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللَّهِ بانوی زنان جهانیان ، درود بر تو ای آن که خدا خونخواهی اش کند وَ ابْنَ ثارِهِ وَ الوِتْرَ المَوْتُورَ ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی و فرزند چنین کسی ، و ای کشته ای که انتقام خونت گرفته نشده ، درود بر تو و بر الاَرْواحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنآئِکَ ، عَلَیْکُمْ مِنِّی جَمِیعاً روان هایی که سر سپردند به آستانت ، بر همه شما از جانب من

سَلامُ اللَّهِ اَبَداً ما بَقِيتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ ، سـلام خدا باد همیشه ، تا من زنده ام و شب و روز برقرار است . یا اَباعَبْدِ اللَّهِ ! لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّهُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ ای اباعبداللَّه ! چه بسیار بزرگ است سوگواری تو ، و گران و سنگین است المُصِيبَهُ بِكَ عَلَيْنا وَ عَلى جَمِيعِ اَهْلِ الاِسْلامِ ، مصـیبت تو بر ما و بر همه پیروان اسـلام ، وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِی السَّماواتِ عَلی و گران و سنگین است مصـیبت تو در آسـمان ها بر جَمِيعِ اَهْلِ السَّماواتِ ، فَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّهً اَسَّسَتْ همه اهل آسـمان ها ، پس خدا لعنت کند مردمی را که برپـا داشـتند اَساسَ الظُّلْمِ وَ الجَوْرِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ البَيْتِ ، وَ لَعَنَ شالوده و بنای سـتم و بیـدادگری را بر شـما خانـدان پیامبر ، و لعنت کنـد اللَّهُ اُمَّهً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقامِكُمْ ، وَ اَزالَتْكُمْ عَنْ خـدا مردمی را که کنار زدند شـما را از مقام مخصوصـتان ، و دور کردند شـما را از مَراتِبِكُمُ الَّتِی رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيها ، وَ لَعَنَ اللَّهُ اُمَّهً آن مرتبه هایی که خداوند آن رتبه ها را به شما داده بود ، و خـدا لعنت کنـد مردمی که قَتَلَتْكُمْ ، وَ لَعَنَ اللَّهُ المُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ شـما را کشـتند ، و خـدا لعنت کنـد آنان که وسایل جنگ بر شـما را فراهم کردنـد برای قِتالِكُمْ ، بَرِئْتُ اِلَی اللَّهِ وَ اِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ کشـندگان شـما . من بیزاری می جویم به سوی خدا و به سوی شما از آنان و از اَشْياعِهِمْ وَ اَتْباعِهِمْ وَ اَوْلِيآئِهِمْ . یا اَباعَبْدِ اللَّهِ ! اِنِّی پیروان

و دنبال رونـدگانشان و دوسـتانشان . ای اباعبـداللّه ! من سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ اِلی یَوْمِ در صـلحم با هرکه با شمـا در صـلح است و در جنگم بـا هرکه بـا شـما در جنـگ است تـا روز القِیـامَهِ ، وَ لَعَنَ اللّهُ آلَ زِیـادٍ وَ آلَ مَرْوانَ ، وَ لَعَنَ اللّهُ قیامت ، و خـدا لعنت کند خاندان زیاد و خاندان مروان را ، و خدا لعنت کند بَنِی اُمَیَّهَ قاطِبَهً ، وَ لَعَنَ اللّهُ ابْنَ مَرْجانَهَ ، وَ لَعَنَ اللّهُ بنی امیه را همگی ، و خدا لعنت کند فرزند مرجانه (ابن زیاد) را ، و خدا لعنت کند عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ ، وَ لَعَنَ اللّهُ شِمْراً ، وَ لَعَنَ اللّهُ اُمَّهً عمر بن سـعد را ، و خدا لعنت کند شـمر را ، و خدا لعنت کند مردمی را که اَسْرَجَتْ وَ اَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتالِکَ . بِاَبِی اَنْتَ اسب ها را زین کردنـد و دهنه زدنـد و به راه افتادند برای پیکار با تو ، پدر و مادرم وَ اُمّی ، لَقَدْ عَظُمَ مُصابِی بِکَ ، فَاَسْئَلُ اللّهَ الَّذِی به فدایت ! به راستی بزرگ است مصیبت من به خاطر تو ، پس می خواهم از آن خدایی که اَکْرَمَ مَقامَکَ وَ اَکْرَمَنِی بِکَ اَنْ یَرْزُقَنِی طَلَبَ ثارِکَ گرامی داشت مقام تو را و گرامی داشت مرا به خاطر تو ، که روزی ام گرداند خونخواهی تو را مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ در رکـاب آن امـام یاری شـده از خانـدان محمـد - که درود خداونـد عَلَیْهِ وَ آلِهِ . اَللّهُمَّ اجْعَلْنِی عِنْدَکَ وَجِیهاً بِالْحُسَیْنِ بر او و آلش

باد - . خـدایا قرار ده مرا نزد خودت آبرومند به وسـیله حسـین عَلَیْهِ السَّلامُ فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ . یا اَباعَبْدِاللَّهِ ! اِنِّی - درود خدا بر او بـاد - در دنیا و آخرت . ای اباعبـداللّه ! من اَتَقَرَّبُ اِلَی اللَّهِ وَ اِلی رَسُولِهِ وَ اِلی اَمِیرِالمُؤْمِنِینَ تقرّب می جویم به درگاه خـدا و پیشـگاه رسولش و امیر المؤمنین وَ اِلی فاطِمَهَ وَ اِلَی الحَسَنِ وَ اِلَیْکَ بِمُوالاتِکَ . و فاطمه و حسن و شما به وسیله دوستی ات ، وَ بِالبَرآءَهِ مِمَّنْ اَسَّسَ اَسـاسَ ذلِکَ ، وَ بَنی عَلَیْهِ و به وسـیله بیزاری جسـتن از کسـی که پی ریزی کرد شالوده این کار را ، و پایه گـذاری کرد بر آن بُنْیـانَهُ ، وَ جَری فِی ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَیْکُمْ وَ عَلی بنیـانش را ، و دنبـال کرد ظلـم و سـتمش را بر شـما و بر اَشْیاعِکُمْ . بَرِئْتُ اِلَی اللَّهِ وَ اِلَیْکُمْ مِنْهُمْ ، وَ اَتَقَرَّبُ پیروان شما . بیزاری می جویم به درگاه خدا و پیشگاه شما از ایشان ، و تقرّب می جـویم اِلَی اللَّهِ ثُمَّ اِلَیْکُمْ بِمُوالاتِکُمْ وَ مُوالاهِ وَلِیِّکُمْ ، به سـوی خـدا سـپس به سـوی شـما به وسـیله دوسـتی تـان و دوسـتی دوستانتان ، وَ بِالبَرآءَهِ مِنْ اَعْدآئِکُمْ وَ النّاصِبِینَ لَکُمُ الحَرْبَ ، و به بیزاری جستن از دشمنانتان و برپا کنندگان (و آتش افروزان) جنگ با شـما ، وَ بِالبَرآءَهِ مِنْ اَشْیاعِهِمْ وَ اَتْباعِهِمْ . اِنِّی سِلْمٌ لِمَنْ و به بیزاری جستن از یاران و پیروانشان ، من در صلحم با هرکه با شما در صلح است سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ ، وَ وَلِیٌّ لِمَنْ والاکُمْ و در جنگم با هرکه با شما

در جنگ است ، و دوستم با هرکه شما را دوست دارد ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عاداکُمْ ، فَاَسْئَلُ اللَّهَ الَّذِی اَکْرَمَنِی و دشمنم با هرکه شما را دشمن دارد ، پس درخواست می کنم از خدایی که مرا گرامی داشت بِمَعْرِفَتِکُمْ وَ مَعْرِفَهِ اَوْلِیآئِکُمْ ، وَرَزَقَنِی الْبَرآءَهَ مِنْ به وسیله معرفت شما و معرفت دوستانتان ، و روزی ام کرد بیزاری جستن از اَعْدآئِکُمْ ، اَنْ یَجْعَلَنِی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ ، دشمنانتان را ، به اینکه قرار دهد مرا همراه شما در دنیا و آخرت ، وَ اَنْ یُثَبِّتَ لِی عِنْدَکُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِی الدُّنْیا و مقرّر فرماید برای من در پیش شما درستی و ثابت قدمی را در دنیا وَ الْآخِرَهِ ، وَ اَسْئَلُهُ اَنْ یُبَلِّغَنِی الْمَقامَ الْمَحْمُودَ و آخرت ، و از او می خواهم که برساند مرا به مقام پسندیده لَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ ، وَ اَنْ یَرْزُقَنِی طَلَبَ ثارِکُمْ مَعَ اِمامٍ شما در پیش خدا ، و روزی ام کند خونخواهی شما را با پیشوای هُدیً ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْکُمْ ، وَ اَسْئَلُ اللَّهَ بِحَقِّکُمْ راهنمای آشکار و گویای به حق که از شما (خاندان) است ، و از خدا می خواهم به حق شما وَ بِالشَّأْنِ الَّذِی لَکُمْ عِنْدَهُ ، اَنْ یُعْطِیَنِی بِمُصابِی و بدان منزلتی که شما نزد او دارید ، که عطا کند به من به جهت مصیبتی که از ناحیه بِکُمْ اَفْضَلَ ما یُعْطِی مُصاباً بِمُصیبَتِهِ ، مُصیبَهً ما شما به من رسیده بهترین پاداشی را که می دهد به یک مصیبت زده در برابر مصیبتی که دیده ، اَعْظَمَها وَ اَعْظَمَ رَزِیَّتَها فِی الْاِسْلامِ وَ فِی جَمِیعِ به راستی چه مصیبت بزرگ و

چه داغ گرانی است در اسلام و در تمام السَّماواتِ وَ الاَرْضِ . اَللّهُمَّ اجْعَلْنِی فِی مَقامِی آسمان ها و زمین . خدایا قرار ده مرا در جایگاهم هـذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْکَ صَلَواتٌ وَ رَحْمَهٌ وَ مَغْفِرَهٌ . از کسانی باشم که از جانب تو درود و رحمت و آمرزش شامل حال آنها شـده است . اَللّهُمَّ اجْعَلْ مَحْیایَ مَحْیا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خـدایا قرار ده زندگی ام را زندگی محمد و آل محمد ، وَ مَماتِی مَماتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ . اَللّهُمَّ اِنَّ هـذا و مرگم را مرگ محمد و آل محمد . خدایا این روز یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُواُمَیَّهَ وَ ابْنُ آکِلَهِ الاَکْبـادِ ، اللَّعِینُ روزی است که مبـارک دانسـتند آن را بنی امیه و پسـر آن زن جگرخوار (معـاویه) ، آن ملعون ابْنُ اللَّعِینِ عَلی لِسانِکَ وَ لِسانِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللَّهُ پسر ملعون که لعن شده بر زبان تو و زبان پیامبرت - که درود خدا عَلَیْهِ وَ آلِهِ ، فِی کُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ وَقَفَ فِیهِ بر او و آلش بـاد - ، در هر جـا و هر مکـانی که توقف کرد در آن مکـان نَبِیُّکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ . اَللّهُمَّ الْعَنْ اَباسُفْیانَ پیامبرت - که درود خدا بر او و آلش باد - . خدایا لعنت کن ابوسـفیان وَ مُعاوِیَهَ وَ یَزِیدَ بْنَ مُعاوِیَهَ ، عَلَیْهِمْ مِنْکَ اللَّعْنَهُ و معاویه و یزید پسـر معاویه را ، که لعنت بر ایشان باد از جانب تو اَبَدَ الآبِدِینَ ، وَ هذا یَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِیادٍ برای همیشه ، و این روز روزی است که شادمان شدند به این روز دودمان

زیاد وَ آلُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ الحُسَیْنَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیْهِ . و دودمان مروان به خاطر کشتن حضرت حسین - که درود خدا بر او باد - . اَللّهُمَّ فَضاعِفْ عَلَیْهِمُ اللَّعْنَ مِنْکَ وَالعَذابَ الاَلیمَ. خدایا ! پس چندین برابر کن بر آنها لعنت خود و عذاب دردناک را . اَللّهُمَّ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ فِی هذَا الیَوْمِ وَفِی مَوْقِفِی خدایا ! من تقرّب می جویم به سوی تو در این روز و در این جایی که هذا وَ اَیّامِ حَیاتِی ، بِالبَرآءَهِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَهِ عَلَیْهِمْ ، هستم و در تمام دوران زندگی ام ، به بیزاری جستن از اینها و لعنت فرستادن بر ایشان ، وَبِالمُوالاهِ لِنَبِیِّکَ وَآلِ نَبِیِّکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ . و به وسیله دوست داشتن پیامبرت و خاندان پیامبرت که درود خدا بر او و بر ایشان باد پس صد مرتبه می گویی: اَللّهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ خدایا ! لعنت کن نخستین ستمگری را که به زور گرفت حقّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلی ذلِکَ. اَللّهُمَّ محمد و خاندان محمد را ، تا آخرین کسی که او را در این زور و ستم پیروی کرد . خدایا ! الْعَنِ العِصابَهَ الَّتِی جاهَدَتِ الحُسَیْنَ . وَ شایَعَتْ لعنت کن بر گروهی که پیکار کردند با حسین ، و همراهی کردند وَ بایَعَتْ وَ تابَعَتْ عَلی قَتْلِهِ . اَللّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِیعاً.

و پیمان بستند و از هم پیروی کردند برای کشتن آن حضرت . خدایا لعنت کن همه آنها را. پس صد مرتبه می گویی: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَباعَبْدِ اللّهِ درود بر تو ای اباعبداللّه! وَ عَلَی الاَرْواحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنآئِکَ ، عَلَیْکَ مِنِّی و

بر روان هایی که سر سپردند به آستانت ، بر تو از جانب من سَلامُ اللَّهِ اَبَداً ما بَقِيتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ ، درود خدا باد همیشه ، تا من زنـده ام و تا شب و روز برقرار است ، وَ لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ العَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکُمْ . اَلسَّلامُ و قرار ندهد خداوند این زیارت را آخرین زیارت من از شـما . درود عَلَی الحُسَـیْنِ وَ عَلی عَلِیِّ بْنِ الحُسَـیْنِ ، وَ عَلی بر حسـین و بر علی فرزنـد حسـین ، و بر اَوْلادِ الحُسَیْنِ ، وَ عَلی اَصْحابِ الحُسَیْنِ .

دیگر فرزنـدان حسـین . و بر اصـحاب و یاران حسـین. پس می گویی: اَللَّهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظالِم بِاللَّعْنِ مِنِّی خـدایا ! مخصوص گردان نخسـتین سـتمگر را به نفرین من وَ ابْـدَأْ بِهِ اَوَّلاً ، ثُمَّ الثّانِیَ وَ الثّالِثَ وَ الرّابعَ . اَللّهُمَّ و آغـاز کن بـدان نفرین ، اولی را ، سپس دومی و سومی و چهارمی را . خـدایا الْعَنْ یَزیـدَ خامِساً ، وَ الْعَنْ عُبَیْدَاللَّهِ بْنَ زِیادٍ وَ ابْنَ لعنت کن یزید را در مرتبه پنجم ، و لعنت کن عبیداللَّه پسـر زیاد و پسـر مَرْجانَهَ ، وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ شِمْراً ، وَ آلَ اَبی سُفْیانَ مرجانه را ، و عمر پسر سعد و شمر را ، و دودمان ابوسفیان را ، وَ آلَ زِیادٍ وَ آلَ مَرْوانَ اِلی یَوْمِ القِیامَهِ.

و دودمـان زیـاد و دودمـان مروان را تا روز قیامت. پس به سـجده می روی و می گویی: اَللّهُمَّ لَکَ الحَمْـدُ حَمْـدَ خـدایا ! تو را سپاس می گویم همانند سپاس الشّاکِرینَ لَکَ عَلی مُصابِهِمْ . الحَمْدُ للّهِ ِعَلی شکرگزارانت که در برابر مصیبت

، خدا را ستایش می کنند . ستایش خدا را بر عَظِیمِ رَزِیَّتِی . اَللّهُمَّ ارْزُقْنِی شَفاعَهَ الحُسَیْنِ بزرگی مصیبتم . خدایا روزی ام گردان شفاعت حسین را یَوْمَ الوُرُودِ ، وَ ثَبِّتْ لِی قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَکَ مَعَ در روز ورود (به صحرای قیامت) ، و ثابت بدار گام راستینم را در نزد خودت بـا الحُسَیْنِ وَ اَصْحابِ الحُسَیْنِ ، الَّذِینَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ حسین و یاران حسین ، آنان که بی دریغ فدا کردند جان خود را دُونَ الحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ. سپس دعای علقمه را بخواند:

در راه حسین - که درود خدا بر او باد - .

دعای علقمه

یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ ! یا مُجِیبَ دَعْوَهِ المُضْطَرِّینَ ای خدا ای خدا ای خدا ! ای اجابت کننده دعای درماندگان یا کاشِفَ کُرَبِ المَکْرُوبِینَ ! یا غِیاثَ المُسْتَغِیثِینَ ! ای برطرف کننده گرفتاری گرفتاران ! ای فریادرس فریادخواهان ! یا صَرِیخَ المُسْتَصْرِخِینَ ! وَ یـا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَیَّ ای دادرس دادخواهان ! و ای کسی که نزدیک تر است به من مِنْ حَبْلِ الوَرِیدِ ، یا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ المَرْءِ وَ قَلْبِهِ ، از رگ گردن ، ای کسی که فاصله می شود میان انسان و دلش ، یا مَنْ هُوَ بِالمَنْظَرِ الاَعْلی وَ بِالاُفُقِ المُبِینِ ، ای کسی که (از حیث ظهور) در دیدگاه اعلی و افق آشکاری هستی ، یا مَنْ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ عَلَی العَرْشِ اسْتَوی ، ای کسی که بخشاینده و مهربـان هستی و بر عرش (عظمت و کشور وجود) استیلا داری ، یا مَنْ یَعْلَمُ خآئِنَهَ الاَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ ، ای کسی که می دانی خیانت چشمان و آنچه را سینه ها پنهان کنند ، یا

مَنْ لا يَخْفی عَلَيْهِ خافِيَةٌ ، يا مَنْ لا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ ای کسی که مخفی نيست بر او امر پنهان و پوشيده ای ، ای کسی که بر او مشتبه نشود الاَصْواتُ ، يا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ الحاجاتُ ، وَ يا مَنْ صداها ، ای کسی که حاجت ها او را به غلط و اشتباه نيندازد ، و ای کسی که لا يُبْرِمُهُ اِلْحاحُ المُلِحّينَ ، يا مُدْرِکَ کُلِّ فَوْتٍ ، وَ يا او را به ستوه نياورد پافشاری اصراروروزان ، ای درک کننده هرچه از دست رود ، و ای جامِعَ کُلِّ شَمْلٍ ، وَ يا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ المَوْتِ ، گردآورنده هر پراکنده ، و ای پديد آورنده جان ها پس از مرگ ، يا مَنْ هُوَ کُلَّ يَوْمٍ فِی شَأْنٍ ، يا قاضِیَ الحاجاتِ ، ای کسی که او هر روز در کاری است يا در هر چيز تجلّی و ظهوری دارد ، ای برآرنده حاجات ، يا مُنَفِّسَ الکُرُباتِ ، يا مُعْطِیَ السُّؤُلاتِ ، يا وَلِیَّ ای برطرف کننده گرفتاری ها ، ای عطا کننده خواسته ها ، ای دارنده الرَّغَباتِ ، يا کافِیَ المُهِمّاتِ ، يا مَنْ يَکْفِی مِنْ کُلِّ هرچه مورد رغبت و اشتياق است ، ای کفايت کننده هر مهم ، ای کسی که کفايت کند هر شَیْءٍ وَ لا يَکْفِی مِنْهُ شَیْءٌ فِی السَّماواتِ چيزی را و کفايت نکند از او چيزی در آسمان ها وَ الاَرْضِ ، اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ و زمين ، از تو می خواهم به حقّ محمد آخرين فرستادگان وَ عَلِیٍّ اَميرِالمُؤْمِنِينَ ، وَ بِحَقِّ فاطِمَهَ بِنْتِ نَبِيِّکَ ، و به حقّ علی امير مؤمنان ، و به

حقّ فاطمه دختر پیامبرت ، وَ بِحَقِّ الحَسَنِ وَ الحُسَیْنِ ، فَاِنِّی بِهِمْ اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ و به حق حسن و حسین ، همانا من به وسیله آنها رو می کنم به درگاهت فِی مَقامِی هذا ، وَ بِهِمْ اَتَوَسَّلُ وَ بِهِمْ اَتَشَفَّعُ اِلَیْکَ ، در این جایگاهی که هستم ، و به آنها توسل می جویم و آنها را شفیع می گیرم به درگاهت ، وَ بِحَقِّهِمْ اَسْئَلُکَ وَ اُقْسِمُ وَ اَعْزِمُ عَلَیْکَ ، وَ بِالشَّأْنِ و به حقّ ایشان از تو می خواهم و سوگند می خورم و تو را سوگند می دهم بدان منزلتی الَّذِی لَهُمْ عِنْدَکَ ، وَ بِالقَدْرِ الَّذِی لَهُمْ عِنْدَکَ ، که ایشان در پیش تو دارند ، و بدان قدر و مرتبه ای که نزد تو دارند ، وَ بِالَّذِی فَضَّلْتَهُمْ عَلَی العالَمِینَ ، وَ بِاسْمِکَ الَّذِی و بدانچه آنها را برتری دادی بر جهانیان ، و بدان نامی که جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ ، وَ بِهِ خَصَصْتَهُمْ دُونَ العالَمِینَ ، در نزد ایشان گذاردی ، و تنها آنان را از میان جهانیان بدان نام مخصوص داشتی ، وَ بِهِ اَبَنْتَهُمْ وَ اَبَنْتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ العالَمِینَ ، و به وسیله آن آشکار کردی برتری ایشان را بر سایر جهانیان ، حَتّی فاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ العالَمِینَ جَمِیعاً ، اَسْئَلُکَ اَنْ تا آنجا که فائق آمد فضیلت ایشان بر فضیلت تمام جهانیان ، از تو می خواهم که تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَکْشِفَ عَنِّی درود فرستی بر محمد و خاندان محمد ، و این که بگشایی از من غَمِّی وَ هَمِّی وَ کَرْبِی، وَتَکْفِیَنِی المُهِمَّ مِنْ اُمُورِی،

غصّه و اندوه و گرفتاری ام را ، و کفایت کنی امور

مهمّه ام را ، وَتَقْضِیَ عَنِّی دَیْنِی ، وَتُجیرَنِی مِنَ الفَقْرِ ، وَتُجِیرَنِی و بپردازی از من بـدهی ام را ، و پناهم دهی از نداری ، و پناهم دهی

مِنَ الفـاقَهِ ، وَ تُغْنِیَنِی عَنِ المَسْئَلَهِ اِلَی المَخْلُوقِینَ ، از نیازمنـدی و گـدایی ، و بی نیـازم کنی از درخواست کردن از دیگران ، وَ تَکْفِیَنِی هَمَّ مَنْ اَخـافُ هَمَّهُ ، وَ عُسْرَ مَنْ اَخـافُ و کفـایت کنی مرا انـدوه کسـی را که می ترسم از انـدوهش ، و دشواری کار کسـی را که می ترسم عُسْرَهُ ، وَ حُزُونَهَ مَنْ اَخافُ حُزُونَتَهُ ، وَ شَرَّ مَنْ از دشواری کارش ، و ناهمواری کار کسی را که نگرانم از ناهمواری کارش ، و گزنـد کسـی را که اَخافُ شَرَّهُ ، وَ مَکْرَ مَنْ اَخافُ مَکْرَهُ ، وَ بَغْیَ مَنْ ترسانم از گزندش ، و مکر و حیله کسـی را که ترس دارم از مکرش ، و سـتم کسـی را که اَخافُ بَغْیَهُ ، وَ جَوْرَ مَنْ اَخافُ جَوْرَهُ ، وَ سُلْطانَ بیمناکم از ستمش ، و بیـدادگری کسـی را که واهمه دارم از بیـدادگری اش ، و تسلّط مَنْ اَخافُ سُلْطانَهُ ، وَ کَیْدَ مَنْ اَخافُ کَیْدَهُ ، کسـی را که می ترسم از سـلطه اش ، و نقشه کشیـدن کسـی را که بیم دارم از نقشه های شومش ، وَ مَقْدُرَهَ مَنْ اَخافُ مَقْدُرَتَهُ عَلَیَّ ، وَ تَرُدَّ عَنِّی کَیْدَ و قدرت یافتن کسی را که از قدرتش بر خود ترسانم ، و بازگردان از من نقشه های شوم

الکَیَدَهِ وَ مَکْرَ المَکَرَهِ . اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرادَنِی فَاَرِدْهُ ، بداندیشان و نیرنگ نیرنگ بازان را . خـدایا هرکس قصـد مرا دارد تو قصد او کن ،

وَ مَنْ كادَنِی فَكِدْهُ ، وَ اصْرِفْ عَنِّی كَیْدَهُ وَ مَكْرَهُ ، و هر كه دامی سر راهم گذارده تو نیز با او چنان كن ، و بگردان از من دام و نیرنگش را ، وَ یَأْسَهُ وَ اَمانِیَّهُ ، وَ امْنَعْهُ عَنِّی كَیْفَ شِئْتَ وَ اَنّی و نیرو و آرزوهایش را ، و بازدار او را از من به هرگونه كه خواهی و هرجا شِئْتَ . اَللّهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّی بِفَقْرٍ لا تَجْبُرُهُ ، وَ بِبَلاۤءٍ كه خواهی . خدایا سرگرمش كن از من به چنان فقر و بیچارگی كه جبرانش نكنی ، و به بلایی لا تَسْتُرُهُ، وَ بِفاقَهٍ لاتَسُدُّها، وَ بِسُقْمٍ لاتُعافِیهِ، وَ ذُلٍ كه نپوشانی اش ، و به نیازی كه سامانش ندهی ، و به دردی كه درمانش نكنی ، و به خواری لا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكَنَهٍ لا تَجْبُرُها. اَللّهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ و ذلّتی كه عزّتش ندهی ، و به چنان بیچارگی ای كه جبرانش نكنی . خدایا قرار ده خواری را نَصْبَ عَیْنَیْهِ ، وَ اَدْخِلْ عَلَیْهِ الفَقْرَ فِی مَنْزِلِهِ ، وَ العِلَّهَ در برابر چشمانش ، و داخل كن فقر و نداری را در خانه اش ، و بیماری

وَ السُّقْمَ فِی بَدَنِهِ ، حَتّی تَشْغَلَهُ عَنِّی بِشُغْلٍ شاغِلٍ و درد را در تنش ، تا سرگرمش كنی از من به سرگرمی مشغول كننده ای لا فَراغَ لَهُ ، وَ اَنْسِهِ ذِكْرِی كَما اَنْسَیْتَهُ ذِكْرَكَ ، وَ خُذْ كه فراغتی نداشته باشد ، و مرا از یادش ببر چنان كه (ذكر) خودت را از یاد او بردی ، و برگیر عَنِّی بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ لِسانِهِ وَ یَدِهِ وَ رِجْلِهِ وَقَلْبِهِ از من گوش و چشم

و زبـان و دست و پـا و دل وَ جَمیعِ جَوارِحِهِ ، وَ اَدْخِلْ عَلَیْهِ فِی جَمیعِ ذلِکَ و تمام اعضا و جوارحش را ، و گرفتار کن او را در تمـام اعضـا و جوارح السُّقْمَ ، وَ لا تَشْفِهِ حَتّی تَجْعَلَ ذلِکَ لَهُ شاغِلاً بِهِ به درد ، و آسوده اش نکن تا آن را برایش سـر گرمی مشغول کننده ای بگردانی که عَنِّی وَ عَنْ ذِکْری ، وَ اکْفِنِی یا کافِیَ ما لا یَکْفِی از من و از یاد من بیرون رود ، و کفایتم کن ای کفـایت کننـده چیزی که کفـایت نشود سِواکَ ، فَاِنَّکَ الکـافِی لا کافِیَ سِواکَ ، وَ مُفَرِّجٌ جز تو ، چون تویی کفایت کننـده و کفایت کننده ای جز تو نیست ، و گشایش دهنده ای هستی

لا مُفَرِّجَ سِواکَ ، وَ مُغِیثٌ لا مُغِیثَ سِواکَ ، وَ جارٌ کـه جز تـو گشـایش دهنـده ای نیست ، و فریادرسـی هسـتی که جز تو فریادرسـی نیست ، و پنـاهی لا جارَ سِواکَ ، خابَ مَنْ کانَ جارُهُ سِواکَ ، وَ مُغِیثُهُ هستی که جز تو پناهی نیست ، نومیـد گردد کسـی که پناهش جز تو باشد ، و فریادرسـش سِواکَ ، وَ مَفْزَعُهُ اِلی سِواکَ ، وَ مَهْرَبُهُ اِلی سِواکَ ، غیر تو باشد ، و پناه گاهش جز درگاه تو باشـد ، و گریزگاهش به آسـتان غیر تو باشـد ، وَ مَلْجَؤُهُ اِلی غَیْرِکَ ، وَ مَنْجاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَیْرِکَ ، و چشم امید به غیر از تو داشـته باشد ، و نجات خود را از مخلوقی غیر از تو خواهد . فَاَنْتَ ثِقَتِی وَ رَجآئِی وَمَفْزَعِی وَ مَهْرَبِی وَمَلْجَأِی پس تویی مورد اعتماد و

تکیه گاه و پناه گاه و گریزگاه و امید دهنده وَ مَنْجایَ ، فَبِکَ اَسْتَفْتِحُ وَ بِکَ اَسْتَنْجِحُ ، وَ بِمُحَمَّدٍ و نجات بخش من ، پس به تو گشایش می طلبم و به تو رستگاری می جویم ، و به وسیله محمد وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ وَ اَتَوَسَّلُ وَ اَتَشَفَّعُ ، و خاندان محمد به درگاهت رو می کنم و توسل می جویم و شفیع می گیرم ،

فَاَسْئَلُکَ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ ! فَلَکَ الحَمْدُ وَ لَکَ پس از تو می خواهم ای خدا ای خدا ای خدا ! از آن توست ستایش و خاصّ توست الشُّکْرُ ، وَ اِلَیْکَ المُشْتَکی وَ اَنْتَ المُسْتَعانُ ، سپاس گزاری ، و به درگاه توست گلایه ، و تویی که از تو یاری می جویند ، فَاَسْئَلُکَ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، از تو می خواهم ای خدا ای خدا ای خدا به حقّ محمد و خاندان محمد ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ تَکْشِفَ که درود فرستی بر محمد و خاندان محمد ، و برطرف کنی عَنِّی غَمِّی وَ هَمِّی وَ کَرْبِی فِی مَقامِی هذا ، کَما از من غصّه و اندوه و گرفتاری ام را در این جایگاهم ، چنان که کَشَفْتَ عَنْ نَبِیِّکَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ کَرْبَهُ ، وَ کَفَیْتَهُ هَوْلَ برطرف کردی از پیامبرت اندوه و غصّه و گرفتاری اش را ، و کفایت کردی از او هراس عَدُوِّهِ ، فَاکْشِفْ عَنِّی کَما کَشَفْتَ عَنْهُ ، وَ فَرِّجْ عَنِّی دشمنش را ، پس برطرف کن از من چنان که برطرف کردی از او ، و بگشا از من

کَما فَرَّجْتَ عَنْهُ ، وَ اکْفِنِی کَما کَفَیْتَهُ،

وَ اصْرِفْ عَنِّی چنـان که گشودی از او ، و کفـایتم کن چنـان که او را کفایت کردی ، و بگردان از من هَوْلَ ما اَخافُ هَوْلَهُ ، وَ مَؤُونَهَ مـا اَخـافُ مَؤُونَتَهُ ، هراس آنچه را می ترسم از هراسـش ، و هزینه آنچه را می ترسم از هزینه اش ، وَ هَمَّ مـا اَخافُ هَمَّهُ ، بِلاـ مَؤُونَهٍ عَلی نَفْسِی و انـدوه آنچه را که می ترسم از انـدوهش ، بی آنکه زحمتی به من برسـد مِنْ ذلِکَ ، وَ اصْرِفْنِی بِقَضآءِ حَوآئِجی وَ کِفـایَهِ از این نـاحیه ، و بـازگردان مرا بـا حاجـات برآورده و کفـایت مـا اَهَمَّنِی هَمُّهُ مِنْ اَمْرِ آخِرَتِی وَ دُنْیایَ . آنچه انـدوهش مرا فراگرفته از کار آخرت و دنیایم . یا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ یا اَباعَبْدِاللَّهِ عَلَیْکُما مِنِّی سَـلامُ ای امیر مؤمنان و ای اباعبداللّه! بر شـما باد از جانب من درود اللَّهِ اَبَداً ما بَقِیتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ ، وَ لا جَعَلَهُ خـدا همیشه ، تا من زنده ام و شب و روز برقرار است ، و قرار ندهد

اللَّهُ آخِرَ العَهْدِ مِنْ زِیارَتِکُمـا ، وَ لا فَرَّقَ اللَّهُ بَیْنِی خداونـد این زیارت مرا آخرین بار از زیارت شـما دو بزرگوار ، و جـدا نکند خـدا میان من وَ بَیْنَکُما . اَللّهُمَّ اَحْیِنِی حَیاهَ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّیَّتِهِ ، و شـما را . خـدایا ! زنـده دار مرا به زنـدگی محمـد و فرزندانش ، وَ اَمِتْنِی مَمـاتَهُمْ ، وَ تَوَفَّنِی عَلی مِلَّتِهِمْ ، وَ احْشُرْنِی و بمیران مرا به مرگ ایشان ، و جانم را بر کیش آنها بگیر ، و محشور کن مرا فِی زُمْرَتِهِمْ ، وَ لا تُفَرِّقْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ طَرْفَهَ

عَیْنٍ در گروه و جرگه آنان ، و جـدایی مینـداز میان من و ایشان به یک چشم برهم زدنی اَبَداً فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ . یا اَمِیرَالمُؤْمِنِینَ وَ یا هرگز در دنیا و آخرت . ای امیر مؤمنان و ای اَباعَبْدِ اللّهِ اَتَیْتُکُما زآئِراً ، وَ مُتَوَسِّلاً اِلَی اللّهِ رَبِّی اباعبدالله آمده ام به درگاهتان برای زیارتتان ، و این که توسل جویم به درگاه خدا پروردگارم وَ رَبِّکُما ، وَ مُتَوَجِّهاً اِلَیْهِ بِکُما ، وَ مُسْتَشْفِعاً بِکُما و پروردگار شما دو بزرگوار ، و رو کنم به درگاهش به وسیله شما ، و شفیع گیرم شما را

اِلَی اللّهِ فِی حاجَتِی هذِهِ ، فَاشْفَعا لِی فَاِنَّ لَکُما نزد خداوند در این حاجتی که دارم ، پس شما دو بزرگوار شفاعت کنید برای من زیرا شما را عِنْدَ اللّهِ المَقامَ المَحْمُودَ وَ الجاهَ الوَجِیهَ ، وَ المَنْزِلَ در نزد خداوند مقامی است پسندیده و منزلتی است آبرومند ، و جایگاهی است الرَّفِیعَ وَ الوَسِیلَهَ . اِنِّی اَنْقَلِبُ عَنْکُما مُنْتَظِراً بلندمرتبه و (مقام) وسیله از شما است ، و من هم اکنون که از نزد شما بازمی گردم چشم به راه لِتَنَجُّزِ الحاجَهِ وَ قَضآئِها وَ نَجاحِها مِنَ اللّهِ ، قطعی شدن حاجتم و برآمدنش و به انجام رسیدنش از جانب خدا هستم ، بِشَفاعَتِکُما لِی اِلَی اللّهِ فِی ذلِکَ ، فَلا اَخِیبُ به شفاعتی که شما برایم در این باره به درگاه خدا می کنید ، پس چنان نباشد که نومید شوم وَ لا یَکُونُ مُنْقَلَبِی مُنْقَلَباً خآئِباً خاسِراً ، بَلْ یَکُونُ و بازگشتم بازگشت شخص نومید زیان کاری باشد ، بلکه بازگشت مُنْقَلَبِی مُنْقَلَباً راجِحاً مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً کسی باشد که

با موفقیت و امیدواری و رستگاری و کامیابی با حاجت هایی که تمامی اش

بِقَضآءِ جَمِيعِ حَوآئِجِی ، وَ تَشَفَّعا لِی اِلَی اللَّهِ ، روا شده باز می گردد ، و شفاعت کنید برایم به درگاه خدا . اِنْقَلَبْتُ عَلی ما شآءَ اللَّهُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللَّهِ، بازمی گردم بر آنچه خدا خواهد ، و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا ، مُفَوِّضاً اَمْرِی اِلَی اللَّهِ ، مُلْجِئاً ظَهْرِی اِلَی اللَّهِ ، واگذار می کنم کارم را به خدا ، و خدا را پشت و پناه خود قرار می دهم ، مُتَوَكِّلًا عَلَی اللَّهِ ، وَ اَقُولُ حَسْبِیَ اللَّهُ وَ كَفی ، سَمِعَ و توکّل می کنم بر خدا ، و می گویم بس است مرا خدا و کافی است برای من ، بشنود اللَّهُ لِمَنْ دَعا ، لَيْسَ لِی وَرآءَ اللَّهِ وَ وَرآءَكُمْ یا خدا (آواز) هر که او را بخواند ، برای من جز خدا و جز شما ای سادَتِی مُنْتَهی ، ما شآءَ رَبِّی كانَ ، وَما لَمْ يَشَأْ آقایان بزرگوار پایگاهی نیست ، آنچه پروردگارم خواهد شدنی گردد ، و آنچه نخواهد لَمْ يَكُنْ ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللَّهِ . اَسْتَودِعُكُمَا شدنی نگردد ، و نیست جنبش و نیرویی جز به خدا ، شما دو بزرگوار را می سپارم

اللَّهَ وَ لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ العَهْدِ مِنِّی اِلَيْكُما ، به خدا و قرار ندهد خداوند این بار را آخرین بار زیارتم از شما ، اِنْصَرَفْتُ یا سَيِّدِی یا اَمِيرَالمُؤْمِنِينَ وَ مَوْلایَ ! باز می گردم ای آقای من ای امیر مؤمنان و ای سرور من وَ اَنْتَ یا اَباعَبْدِ اللَّهِ یا سَيِّدِی ! وَ سَلامِی

عَلَیْکَما و تو نیز ای اباعبداللّه ای آقای من ! و درود من بر شما دو آقا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّیْلُ وَ النَّهارُ ، واصِلٌ ذلِکَ پیوسته باد تا پیوسته است شب و روز ، برسد این درود اِلَیْکُما غَیْرَ مَحْجُوبٍ عَنْکُما سَلامِی اِنْ شآءَ اللّهُ ، به شما در حالی که از شما پوشیده نیست درود من اگر خدا بخواهد ، وَ اَسْئَلُهُ بِحَقِّکُما اَنْ یَشآءَ ذلِکَ وَ یَفْعَلَ ، فَاِنَّهُ و از خدا می خواهم به حق شما دو بزرگوار که چنین بخواهد و آن را انجام دهد ، که همانا او حَمِیدٌ مَجِیدٌ ، اِنْقَلَبْتُ یا سَیِّدَیَّ عَنْکُما تآئِباً حامِداً بسی ستوده و بزرگوار است ، بازگردم ای آقایان من از خدمت شما توبه کننده و ستایش کننده

لِلّهِ ، شاکِراً راجِیاً لِلاِجابَةِ ، غَیْرَ آیِسٍ وَ لا قانِطٍ ، خدا ، و سپاس گزار و امیدوار به اجابت ، بدون یأس و ناامیدی ، آیِباً عآئِداً راجِعاً اِلی زِیارَتِکُما ، غَیْرَ راغِبٍ و به امید رجوع و بازگشت دوباره برای زیارت شما ، بی آنکه اشتیاق و رغبتم عَنْکُما وَ لا مِنْ زِیارَتِکُما ، بَلْ راجِعٌ عآئِدٌ اِنْ شآءَ از شما کاسته شود و یا از زیارت شما (سیر شوم) ، بلکه بازآیم و مراجعت کنم ان شاء اللّهُ ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللّهِ . یا سادَتِی ! رَغِبْتُ اللّه ، و جنبش و نیرویی نیست جز به خدا . ای آقایان من ! مشتاقم اِلَیْکُما وَ اِلی زِیارَتِکُما بَعْدَ اَنْ زَهِدَ فِیکُما وَ فِی به شما و زیارتتان پس از آنکه بی میل بودند به شما و به زِیارَتِکُما اَهْلُ الدُّنْیا

، فَلا خَیَّبَنِیَ اللَّهُ ما رَجَوْتُ ، زیارتتان مردم دنیا ، پس خدا نومیدم نکند در آنچه بدان امیدوارم ، وَ ما اَمَّلْتُ فِی زِیارَتِکَما ، اِنَّهُ قَرِیبٌ مُجِیبٌ.

و بدانچه آرزومندم در مورد زیارت شما ، که همانا او خدایی است نزدیک و اجابت کننده.

دعای توسل

اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ وَ اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ خدایا ! از تو می خواهم و به سویت رو می کنم به وسیله پیامبرت ، پیامبر الرَّحْمَهِ ، مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ . یا اَبَاالقاسِمِ رحمت ، محمد – که درود خداوند بر او و آلش باد – . ای اباالقاسم یا رَسُولَ اللَّهِ ، یا اِمامَ الرَّحْمَهِ ، یا سَیِّدَنا وَ مَوْلانا ، ای رسول خدا ، ای پیشوای رحمت ، ای آقای ما و سرور ما ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا ،

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

یا اَبَاالحَسَنِ یا اَمِیرَالمُؤْمِنِینَ یا عَلیَّ بْنَ اَبِی طالِبٍ ای اباالحسن ، ای امیر مؤمنان ، ای علی فرزند ابی طالب ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنا وَ مَوْلانا ، ای حجّت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، وَ قَدَّمْناکَ

بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا ،

و قرار داديم تو را مقابل حاجت هايمان . يا وَجِيهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . يا فاطِمَةُ الزَّهْراءُ يا بِنْتَ مُحَمَّدٍ ياقُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ ای فاطمه زهرا ، ای دختر محمد ، ای نور چشم پيغمبر ، يا سَيِّدَتَنا وَ مَوْلاتَنا ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا ای بانوی ما و سرور ما ، ما رو آورديم و شفيع گرفتيم

وَ تَوَسَّلْنا بِكِ اِلَی اللَّهِ، وَ قَدَّمْناكِ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا.

و توسل جستيم به وسيله تو به درگاه خدا ، و قرار داديم تو را مقابل حاجت هايمان . يا وَجِيهةً عِنْدَ اللَّهِ ، اشْفَعِی لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . يا اَبامُحَمَّدٍ يا حَسَنَ بْن عَلِیٍ ، اَيُّهَا الُمجْتَبی يَابْنَ ای ابامحمد ، ای حسن فرزند علی ، ای برگزيده ، ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ، يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، ياسَيِّدَنا وَمَوْلانا رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللَّهِ ، ما رو آورديم و شفيع گرفتيم و توسل جستيم به وسيله تو به درگاه خدا ، وَ قَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا .

و قرار داديم تو را مقابل حاجت هايمان . يا وَجِيهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

يا اَباعَبْدِ اللَّهِ يا حُسَيْنَ بْنَ عَلِیٍ ، اَيُّهَا الشَّهِيدُ يَابْنَ ای اباعبداللّه ، ای حسين فرزند علی ، ای شهيد (راه حق)

، ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یاسَیِّدَنا وَمَوْلانا رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا .

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَبَاالحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ الحُسَیْنِ ، یا زَیْنَ العابِدِینَ ای اباالحسن ، ای علی فرزند حسین ، ای زیور پرستش کنندگان ، یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنا ای فرزند رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما

وَ مَوْلانا ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ و سرور ما ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو اِلَی اللَّهِ ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا .

به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَباجَعْفَرٍ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍ ، اَیُّهَا الباقِرُ یَابْنَ ای اباجعفر ، ای محمد فرزند علی ، ای شکافنده علوم ، ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یاسَیِّدَنا وَمَوْلانا رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، اِنّا

تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا .

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان .

یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَباعَبْدِ اللَّهِ یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، اَیُّهَا الصّادِقُ یَابْنَ ای اباعبداللّه ، ای جعفر فرزند محمد ، ای (امام) صادق ، ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یاسَیِّدَنا وَمَوْلانا رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا .

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَبَاالحَسَنِ یا مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ ، اَیُّهَا الکاظِمُ یَابْنَ ای اباالحسن ، ای موسی فرزند جعفر ، ای کاظم ، ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یاسَیِّدَنا وَمَوْلانا رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا .

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان

. یا وَجیهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَبَاالحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ مُوسی ، اَیُّهَا الرِّضا یَابْنَ ای اباالحسن ، ای علی فرزند موسی ، ای (حضرت) رضا ، ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، یاسَیِّدَنا وَمَوْلانا رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ،

وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا .

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَباجَعْفَرٍ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍ ، اَیُّهَا التَّقِیُّ الجَوادُ ای اباجعفر ، ای محمد فرزند علی ، ای حضرت تقی جواد ، یَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنا ای فرزند رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما وَ مَوْلانا ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ و سرور ما ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو اِلَی اللَّهِ ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا .

به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

یا اَبَاالحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ ،

اَیُّهَا الهادِی النَّقِیُّ ای ابالحسن ، ای علی فرزند محمد ، ای حضرت هادی نقی ، یَابْنَ رَسُولِ اللّهِ ، یا حُجَّهَ اللّهِ عَلی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنا ای فرزند رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما وَ مَوْلانا ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ و سرور ما ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو اِلَی اللّهِ ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا .

به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِیهاً عِنْدَ اللّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَبامُحَمَّدٍ یاحَسَنَ بْنَ عَلِیٍ اَیُّهَا الزَّکِیُّ العَسْکَرِیُّ ای ابامحمد ، ای حسن فرزند علی ، ای زکی عسکری ، یَابْنَ رَسُولِ اللّهِ ، یا حُجَّهَ اللّهِ عَلی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنا ای فرزند رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما

وَ مَوْلانا ، اِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ و سرور ما ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو اِلَی اللّهِ ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا .

به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِیهاً عِنْدَ اللّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا وَصِیَّ الحَسَنِ وَ الخَلَفَ الحُجَّهَ ، اَیُّهَا القآئِمُ ای وصی امام حسن عسکری و یادگار شایسته و حجّت ، ای امام قائم المُنْتَظَرُ المَهْدِیُّ یَابْنَ رَسُولِ اللّهِ ، یا حُجَّهَ اللّهِ

منتظر مهدی ، ای فرزند رسول خدا ، ای حجت خدا عَلی خَلْقِهِ ، یا سَیِّدَنا وَ مَوْلَانا ، اِنّا تَوَجَّهْنا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، ما رو آوردیم وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّهِ ، وَ قَدَّمْناکَ بَیْنَ و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، و قرار دهیم تو را پیش

یَدَیْ حاجاتِنا .

روی حاجت های خویش . یا وَجِیهاً عِنْدَ اللّهِ ، اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . پس حاجات خود را بطلبد که برآورده می شود إن شاء اللّه. و در روایت دیگر وارد شده: که بعد از این بگوید:

یا سادَتِی وَ مَوالِیَّ ! اِنِّی تَوَجَّهْتُ بِکُمْ اَئِمَّتِی ای آقایان من و سرورانم ! من رو آوردم به وسیله شما پیشوایانم وَ عُدَّتِی لِیَوْم فَقْرِی وَ حاجَتِی اِلَی اللّهِ ، وَ تَوَسَّلْتُ و ذخیرگانم در روز نداری و نیازمندی به درگاه خدا ، و توسل جستم بِکُمْ اِلَی اللّهِ ، وَ اسْتَشْفَعْتُ بِکُمْ اِلَی اللّهِ ، فَاشْفَعُوا بوسیله شما به درگاه خدا ، و شفاعت جویی کردم بوسیله شما به درگاه خدا ، پس شفاعت کنید لِی عِنْدَ اللّهِ ، وَ اسْتَنْقِذُونِی مِنْ ذُنُوبِی عِنْدَ اللّهِ ، برای من در پیشگاه خدا ، و از او بخواهید مرا از گناهانم نجات دهد ،

فَاِنَّکُمْ وَسِیلَتِی اِلَی اللّهِ ، وَ بِحُبِّکُمْ وَ بِقُرْبِکُمْ اَرْجُو زیرا شمایید وسیله من به درگاه خدا ، و به وسیله دوستی و قرب به شما امید نجات نَجاةً مِنَ اللّهِ ، فَکُونُوا عِنْدَ اللّهِ رَجآئِی . یا سادَتِی دارم از

سوی خدا ، پس شما هم تکیه گاه و مایه امید من به درگاه خدا باشید . ای آقایان من یا اَوْلِیآءَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ ، وَ لَعَنَ اللَّهُ ای اولیای خدا – که درود خدا بر همگی ایشان باد – ، و خدا از رحمت خویش دور کند اَعْدآءَ اللَّهِ ظالِمِیهِمْ مِنَ الاَوَّلِینَ وَ الآخِرِینَ ، دشمنان خدا ستم کنندگان به اولیای خدا را ، چه آنهاکه گذشته اند و چه آنهاکه پس از این آیند ، آمِینَ رَبَّ العالَمِینَ.

اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

دعای کمیل

قسمت اول

اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ ،

خدایا من از تو درخواست می کنم به حقّ آن مهربانی ات که فرا گرفته همه چیز را ، وَ بِقُوَّتِکَ الَّتِی قَهَرْتَ بِها کُلَّ شَیْ ءٍ ، وَخَضَعَ لَها کُلُّ و به آن نیرویت که همه چیز را به وسیله آن مغلوب خویش کرده ای ، و همه چیز در برابر آن شَیْ ءٍ وَ ذَلَّ لَها کُلُّ شَیْ ءٍ ، وَ بِجَبَرُوتِکَ الَّتِی غَلَبْتَ فروتن و همه چیز در برابر آن پست و ذلیل است ، و به عظمتت که چیره گشته ای بِها کُلَّ شَیْ ءٍ ، وَ بِعِزَّتِکَ الَّتِی لا یَقُومُ لَها شَیْ ءٌ ، به وسیله آن بر هر چیز ، و به نیرومندی ات که چیزی در برابرش ایستادگی ندارد ، وَ بِعَظَمَتِکَ الَّتِی مَلَأَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ ، وَ بِسُلْطانِکَ و به آن عظمت و بزرگی ات که پر کرده هر چیزی را ، و به آن سلطنت و پادشاهی ات

الَّذِی عَلا کُلَّ شَیْ ءٍ ، وَ بِوَجْهِکَ الباقِی بَعْدَ فَنآءِ که برتری گرفته بر هر چیز ، و به آن ذات پاکت که پایدار است پس از نابودی کُلِّ شَیْ ءٍ

، وَ بِاَسْمآئِکَ الَّتِی مَلَأَتْ اَرْکانَ کُلِّ شَیْ ءٍ ، هر چیز ، و به آن نام های مقدّست که پر کرده اساس هر موجودی را ، وَ بِعِلْمِکَ الَّذِی اَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ ، وَ بِنُورِ وَجْهِکَ و به آن علم و دانشت که احاطه یافته بر هر چیز ، و به روشنی ذاتت الَّذِی اَضآءَ لَهُ کُلُّ شَیْ ءٍ . یا نُورُ یا قُدُّوسُ ، یا اَوَّلَ که روشن شده از فروغ آن همه چیز . ای نور حقیقی و ای پاکیزه از هر عیب ، ای آغاز الاَوَّلِینَ وَیا آخِرَ الآخِرِینَ. اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ موجودات اولین ، و ای پایان آخرین . خدایا بیامرز برایم آن گناهانی را الَّتِی تَهْتِکُ العِصَمَ . اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی که پرده ها را می درد . خدایا بیامرز برایم آن گناهانی را که تُنْزِلُ النِّقَمَ. اَللَّهُمَّ اغْفِرْلِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُغَیِّرُ النِّعَمَ. کیفرها را فرو می ریزاند . خدایا بیامرز برایم آن گناهانی را که نعمت ها را دگرگون می سازد .

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَحْبِسُ الدُّعآءَ . خدایا بیامرز برایم آن گناهانی را که از (اجابت) دعا جلوگیری می کند . اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُنْزِلُ البَلآءَ . خدایا بیامرز برایم آن گناهانی را که بلا را نازل می کند . اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ ، وَ کُلَّ خَطِیئَةٍ خدایا بیامرز برایم هر گناهی را که کرده ام و هر خطا و لغزشی که اَخْطَأْتُها . اَللّهُمَّ اِنِّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِذِکْرِکَ از من سر زده است . خدایا من به سوی تو تقرّب می جویم به وسیله یاد تو وَ اَسْتَشْفِعُ بِکَ اِلی نَفْسِکَ ، وَ اَسْئَلُکَ بِجُودِکَ و شفیع می آورم به

درگاهت ، خودت را ، و به حقّ بخشش و کرمت از تو می خواهم اَنْ تُـدْنِيَنِی مِنْ قُرْبِـكَ ، وَ اَنْ تُوزِعَنِی شُـكْرَكَ ، که مرا به مقام قُرب خویش نزدیک سازی ، و شکر و سپاس گزاری ات را بر من روزی کنی ، وَ اَنْ تُلْهِمَنِی ذِكْرَكَ . اَللّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ سُؤالَ و یاد خود را به من الهام کنی . خدایا از تو درخواست می کنم همچون درخواست

خاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خاشِعٍ اَنْ تُسامِحَنِی وَ تَرْحَمَنِی ، شخص فروتن خوار ترسان ، که بر من آسان گیری و به من رحم کنی ، وَ تَجْعَلَنِی بِقِسْمِكَ راضِیاً قانِعاً ، وَ فِی جَمِیعِ و مرا به آنچه برایم قسمت کرده ای راضی و قانع سازی ، و در تمام الاَحْوالِ مُتَواضِعاً . اَللّهُمَّ وَ اَسْئَلُكَ سُؤالَ مَنِ حالات فروتنم کنی . خدایا از تو درخواست می کنم همچون درخواست کسی که اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ ، وَ اَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدآئِدِ حاجَتَهُ ، سخت فقیر و بی چیز شده ، و خواسته اش را هنگام سختی ها پیش تو آورده ، وَ عَظُمَ فِيما عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ. اَللّهُمَّ عَظُمَ سُلْطانُكَ و امیدش به آنچه نزد توست بسیار بزرگ است . خدایا سلطنت و پادشاهی ات بس بزرگ وَعَلا مَكانُكَ ، وَ خَفِیَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ اَمْرُكَ ، وَ غَلَبَ و مقامت بسی بلند است ، چاره سازی ات در کارها پنهان ، و فرمانت آشکار است ، و چیره است قَهْرُكَ ، وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ ، وَ لا يُمْكِنُ الفِرارُ مِنْ قهر و غلبه ات ، و تأثیرگذار است نیرویت ، و ممکن نیست گریز از

حُكُومَتِكَ . اَللّهُمَّ لا اَجِدُ لِذُنُوبِی غافِراً وَ لا سیطره فرمانروایی ات . خدایا نمی یابم برای گناهانم

آمرزنده ای ، و نه لِقَبآئِحِی ساتِراً ، وَ لا لِشَیْ ءٍ مِنْ عَمَلِیَ القَبیحِ برای کارهای زشتم پرده پوشی ، و نه کسی را که عمل زشت مرا بِالحَسَنِ مُبَدِّلاً غَیْرَکَ . لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ به کار نیک تبدیل کند جز تو . نیست معبودی جز تو ، پاکیزه ای تو وَ بِحَمْدِکَ ، ظَلَمْتُ نَفْسی وَ تَجَرَّأْتُ بِجَهْلِی ، و به ستایش تو مشغولم ، من به خویشتن ستم کردم ، و در اثر نادانی ام گستاخی کردم ، وَ سَکَنْتُ اِلی قَدیمِ ذِکْرِکَ لِی وَ مَنِّکَ عَلَیَّ . اَللّهُمَّ و به اینکه همیشه پیش از این به یاد من بوده ای ، و بر من لطف داشتی . ای خدا مَوْلایَ کَمْ مِنْ قَبیحٍ سَتَرْتَهُ ، وَ کَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ ای سرور من ! چه بسیار زشتی ها که از من پوشاندی ، و چه بسیار البَلآءِ اَقَلْتَهُ ، وَ کَمْ مِنْ عِثارٍ وَقَیْتَهُ ، وَ کَمْ مِنْ بلاهای بزرگ که از من بازگرداندی ، و چه بسیار لغزش هایی که از آن نگاهم داشتی ، و چه

مَکْرُوهٍ دَفَعْتَهُ ، وَ کَمْ مِنْ ثَنآءٍ جَمیلٍ لَسْتُ اَهْلاً لَهُ بسیار ناراحتی ها که از من دور کردی ، و چه بسیار ستایش زیبایی که من سزاوار آن نبودم نَشَرْتَهُ. اَللّهُمَّ عَظُمَ بَلآئِی ، وَاَفْرَطَ بِی سُوءُ حالِی ، ولی تو آن را پراکنده کردی . خدایا گرفتاری من بسی بزرگ است ، و زیاد گشته بدی حالم ، وَ قَصُرَتْ بِی اَعْمالِی ، وَ قَعَدَتْ بِی اَغْلالِی ، و کارهایم نارساست ، و مرا زمین گیر کرده زنجیرهای وابستگی (به امور بی ارزش) ، وَ حَبَسَنِی عَنْ نَفْعِی بُعْدُ اَمَلِی ،

وَ خَدَعَتْنِی الدّ...........و آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به منافعم بازداشته ، و دنیا مرا گول زد بِغُرُورِها وَ نَفْسِی بِجِنایَتِها . وَ مِطالِی یا سَیِّدِی با آراستگی های فریبنده اش ، و نفس من با جنایتش ، ولی من سهل انگاری کردم ای آقای من فَاَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ اَنْ لا یَحْجُبَ عَنْکَ دُعآئِی سُوءُ پس از تو می خواهم به عزّتت که جلوگیری نکند اجابت دعایم را بدی عَمَلِی وَ فِعالی ، وَ لا تَفْضَحْنِی بِخَفِیِّ مَا اطَّلَعْتَ رفتار و کردار من ، و رسوا نکنی مرا به آنچه آگاهی داری

عَلَیْهِ مِنْ سِرِّی ، وَ لا تُعاجِلْنِی بِالعُقُوبَهِ عَلی ما بر آن از رازهای من ، و شتاب نکنی در عذاب کردنم برای آنچه عَمِلْتُهُ فِی خَلَواتِی مِنْ سُوءِ فِعْلِی وَ اِسآءَتِی ، انجام داده ام در خلوت خود از رفتار زشت و کارهای بد ، وَدَوامِ تَفْرِیطِی وَجَهالَتِی، وَکَثْرَهِ شَهَواتِی وَغَفْلَتِی، و استمرار بر کوتاهی و نادانی ام ، و زیادی شهوت رانی و بی خبری ام ، وَ کُنِ اللّهُمَّ بِعِزَّتِکَ لِی فِی کُلِّ الاَحْوالِ رَؤُوفاً ، و خدایا به عزّتت سوگند که در تمام احوال نسبت به من دلسوز و مهربان باشی ، وَ عَلَیَّ فِی جَمِیعِ الاُمُورِ عَطُوفاً . اِلهِی وَ رَبِّی مَنْ و در تمام کارها بر من محبّت فرمایی ، ای معبود من و ای پروردگار من ! چه کسی لِی غَیْرُکَ؟! اَسْئَلُهُ کَشْفَ ضُرِّی وَ النَّظَرَ فِی اَمْرِی . برای من است غیر از تو؟! تا درخواست کنم از او رفع گرفتاری و توجّه در کارم را ، اِلهِی وَ مَوْلایَ اَجْرَیْتَ عَلَیَّ حُکْماً اِتَّبَعْتُ فِیهِ ای معبود من و ای سرور من! تو بر من

فرمانی را مقرّر داشتی که در اجرای آن پیروی

هَوی نَفْسِی ، وَ لَمْ اَحْتَرِسْ فِیهِ مِنْ تَزْیِینِ عَدُوِّی ، هوای نفسم را کردم ، و در این باره نهراسیدم از فریب کاری دشمنم ، فَغَرَّنِی بِما اَهْوی ، وَ اَسْعَدَهُ عَلی ذلِکَ القَضآءُ ، پس او هم به دلخواه خویش مرا فریب داد ، و قضا (و قدر) هم با او کمک کرد ، پس در اثر فَتَجاوَزْتُ بِما جَری عَلَیَّ مِنْ ذلِکَ بَعْضَ حُدُودِکَ ، همین ماجرای شومی که بر سرم آمد سرپیچی کردم نسبت به پاره ای از حدود و احکامت ، وَ خالَفْتُ بَعْضَ اَوامِرِکَ . فَلَکَ الحَمْدُ عَلَیَّ فِی و مخالفت کردم با برخی از دستوراتت . پس تو را ستایش می کنم در تمام آنچه جَمِیعِ ذلِکَ ، وَ لا حُجَّةَ لِی فِیما جَری عَلَیَّ فِیهِ پیش آمده ، و اکنون دلیل و برهانی ندارم درباره کیفری که بر من جاری گشته قَضآؤُکَ ، وَ اَلْزَمَنِی حُکْمُکَ وَ بَلآؤُکَ ، وَ قَدْ اَتَیْتُکَ حکم تو ، و قضا و آزمایش تو مرا بدان ملزم ساخته ، و اینک در حالی به درگاهت آمده ام یا اِلهِی بَعْدَ تَقْصِیرِی وَ اِسْرافِی عَلی نَفْسِی ، ای معبود من! که درباره ات کوتاهی کرده و بر خود زیاده روی نموده ام ،

مُعْتَذِراً نادِماً ، مُنْکَسِراً مُسْتَقِیلاً ، مُسْتَغْفِراً مُنِیباً ، عذرخواه و پشیمان ، دل شکسته و پوزش جو ، آمرزش خواه و بازگشت کنان ، مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً ، لا اَجِدُ مَفَرّاً مِمّا کانَ مِنِّی ، و به گناه خویش اقرار و اذعان و اعتراف دارم ، و نمی یابم راه گریزی از آنچه از من سر زده ، وَ لا مَفْزَعاً اَتَوَجَّهُ اِلَیْهِ

فِي اَمْرِي ، غَيْرَ قَبُولِكَ و پناه گاهی نـدارم که بـدان رو آورم در کار خویش ، جز این که تو بپـذیری عُـذْرِی ، وَ اِدْخالِكَ اِيّایَ فِي سَعَهِ رَحْمَتِكَ . اَللّهُمَّ پوزشم را ، و مرا در گستره رحمتت درآوری . پس ای خدای من! فَاقْبَلْ عُذْرِي ، وَ ارْحَمْ شِدَّهَ ضُرِّي ، وَ فُكَّنِي مِنْ پوزشم را بپذیر ، و رحم کن بر سـختی پریشانی ام ، و رهایی ام ده از شَدِّ وَثاقِي . يا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي ، وَ رِقَّهَ بنـد سـخت گناهـانم . ای پروردگـار من رحم کن بر ناتوانی بـدنم ، و نازکی جِلْدِي وَ دِقَّهَ عَظْمِي ، يا مَنْ بَدَءَ خَلْقِي وَ ذِكْرِي پوست تنم و باریکی استخوانم ، ای کسی که آغاز کردی آفرینش مرا و یاد مرا

وَ تَرْبِيَتِي وَ بِرِّي وَ تَغْذِيَتِي ، هَبْنِي لِابْتِداءِ كَرَمِكَ و پرورش مرا و نیکوکـاری و خوراک دادنم را ، اکنون مرا ببخش به همـان بزرگواری نخستینت وَ سالِفِ بِرِّكَ بِي . يا اِلهِي وَ سَيِّدِي وَ رَبِّي ، اَتُراكَ و به سابقه احسانی که به من داشتی ، ای معبود من و ای آقای من و ای پروردگارم ، آیا تو مُعَذِّبِي بِنارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ ، وَ بَعْدَ مَا انْطَوى عَلَيْهِ چنانی که عذاب کنی مرا به آتش دوزخت پس از اینکه به یگانگی ات اقرار دارم ، و آباد گشـته قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ ، وَ لَهِجَ بِهِ لِسانِي مِنْ ذِكْرِكَ ، دلم با شناخت تو ، و گویا شده زبانم به ذکر تو ، وَ اعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَ بَعْدَ صِدْقِ اعْتِرافِي و پیوند خورده اندرون دلم با دوستی تو ،

و پس از اقرار راستین وَ دُعآئِی خاضِعاً لِرُبُوبِیَّتِکَ . هَیْهاتَ ! اَنْتَ اَکْرَمُ و دعای فروتنانه ام به مقام بنده پروری ات ؟ بسیار دور است ! تو بزرگوارتر از مِنْ اَنْ تُضَیِّعَ مَنْ رَبَّیْتَهُ ، اَوْ تُبْعِدَ مَنْ اَدْنَیْتَهُ ، آنی که تباه کنی کسی را که خود پرورده ای ، یا دور گردانی کسی را که خود نزدیکش کرده ای ،

اَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَیْتَهُ ، اَوْ تُسَلِّمَ اِلَی البَلآءِ مَنْ کَفَیْتَهُ یا آواره کنی کسی را که خود پناهش داده ای ، یا به بلا بسپاری کسی را که خود سرپرستی وَ رَحِمْتَهُ ، وَلَیْتَ شِعْرِی یا سَیِّدِی وَاِلهِی وَمَوْلایَ ! و مهربانی اش کرده ای ، و کاش می دانستم ای آقا و معبود و سرور من ! اَتُسَلِّطُ النّارَ عَلی وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِکَ ساجِدَةً ، آیا چیره می کنی آتش دوزخ را بر چهره هایی که در برابر عظمتت به سجده افتاده ، وَ عَلی اَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِیدِکَ صادِقَةً ، وَ بِشُکْرِکَ و بر زبان هایی که صادقانه به یگانگی ات گویا شده ، و به سپاس گزاری ات مادِحَةً ، وَ عَلی قُلُوبٍ اِعْتَرَفَتْ بِالِهِیَّتِکَ مُحَقِّقَةً ، ستایش گرند ، و بر دل هایی که اقرار کرده اند به معبود بودنت از روی یقین ، وَ عَلی ضَمآئِرَ حَوَتْ مِنَ العِلْمِ بِکَ حَتّی صارَتْ و بر نهادهایی که پر شده از علم و معرفت تو تا به جایی که در برابرت خاشِعَةً ، وَ عَلی جَوارِحَ سَعَتْ اِلی اَوْطانِ تَعَبُّدِکَ فروتن گشته ، و بر اندام و جوارحی که مشتاقانه به پرستش گاه هایت

طآئِعَةً ، وَ اَشارَتْ بِاسْتِغْفارِکَ مُذْعِنَةً ، ما هکَذا شتافته ، و اقرارکنان به گناه ، جویای آمرزش تو هستند ، نیست چنین الظَنُّ بِکَ، وَلا

اُخْبِرْنا بِفَضْلِكَ عَنْكَ یا کَریمُ یا رَبِّ ! گمانی درباره تو ، و از فضل تو چنین خبری به ما نرسیده ای خدای بزرگوار ای پروردگار من ! وَ اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِی عَنْ قَلِیلٍ مِنْ بَلآءِ الدُّنْیا و تو می دانی ناتوانی مرا در مقابل اندکی از گرفتاری های دنیا وَ عُقُوباتِها ، وَ ما یَجْرِی فِیها مِنَ المَکارِهِ عَلی و کیفرهای ناچیز آن ، و ناملایماتی که می رسد معمولاً بر اَهْلِها ، عَلی اَنَّ ذلِکَ بَلآءٌ وَ مَکْرُوهٌ قَلِیلٌ مَکْثُهُ ، اهل آن ، در صورتی که این گرفتاری و ناراحتی دوامش کم است ، یَسِیرٌ بَقآؤُهُ ، قَصِیُر مُدَّتُهُ ، فَکَیْفَ احْتِمالِی لِبَلآءِ و دورانش اندک ، و مدتش کوتاه است ، پس چگونه است تاب و تحمّل من در برابر عذاب الآخِرَهِ وَ جَلِیلِ وُقُوعِ المَکارِهِ فِیها ، وَ هُوَ بَلآءٌ آخرت و ناملایمات بزرگی که در آن رخ می دهد ، در صورتی که آن گرفتاری

تَطُولُ مُدَّتُهُ ، وَ یَدُومُ مَقامُهُ ، وَ لا یُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ ، مدّتش طولانی ، و دوامش همیشگی است ، و تخفیفی برای مبتلایان به آن نیست ، لِاَنَّهُ لا یَکُونُ اِلّا عَنْ غَضَبِکَ وَانْتِقامِکَ وَسَخَطِکَ؟! زیرا آن بلا از خشم و انتقام و غضب تو سرچشمه گرفته ، وَهذا ما لا تَقُومُ لَهُ السَّماواتُ وَالاَرْضُ ، یا سَیِّدِی و آن هم چیزی است که آسمان ها و زمین ، تاب و تحمل آن را ندارند . ای آقای من ! فَکَیْفَ لِی وَ أَنَا عَبْدُکَ الضَّعِیفُ الذَّلِیلُ الحَقِیرُ تا چه رسد به من در حالی که من بنده ناتوان رسوای ناچیز المِسْکِینُ المُسْتَکِینُ ! یا اِلهِی وَ رَبِّی

وَ سَیِّدِی درمانده و بیچاره تو هستم ! ای معبود و پروردگار و آقا وَ مَوْلایَ ! لِاَیِّ الْاُمُورِ اِلَیْکَ اَشْکو؟! وَ لِما مِنْها و سرور من ! برای کدام یک از گرفتاری هایم به تو شکایت کنم؟! و برای کدام یک از آنها اَضِجُّ وَ اَبْکِی؟! لِاَلِیمِ العَذابِ وَ شِدَّتِهِ؟! اَمْ لِطُولِ شیون و گریه کنم؟! آیا برای عذاب دردناک و سختی آن؟! یا برای بلای

قسمت دوم

البَلآءِ وَ مُدَّتِهِ؟! فَلَئِنْ صَیَّرْتَنِی لِلْعُقُوباتِ مَعَ طولانی و درازمدّت آن؟! پس اگر مرا به خاطر کیفرهایم در زمره اَعْدآئِکَ ، وَ جَمَعْتَ بَیْنِی وَ بَیْنَ اَهْلِ بَلآئِکَ ، دشمنانت قرار دهی ، و مرا با گرفتاران در بلا و عذابت در یک جا گرد آوری ، وَ فَرَّقْتَ بَیْنِی وَ بَیْنَ اَحِبّآئِکَ وَ اَوْلِیآئِکَ . فَهَبْنِی و میان من و دوستان و برگزیدگانت جدایی اندازی ، گیرم که یا اِلهِی وَ سَیِّدِی وَ مَوْلایَ وَ رَبِّی ! صَبَرْتُ عَلی ای معبود و آقا و سرور و پروردگارم ! من صبر کنم بر عَذابِکَ ، فَکَیْفَ اَصْبِرُ عَلی فِراقِکَ؟! وَ هَبْنِی عذاب تو ، اما چگونه جدایی تو را تحمّل کنم؟! و گیرم که صَبَرْتُ عَلی حَرِّ نارِکَ ، فَکَیْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ ای معبود من حرارت آتشت را تحمل کنم ، اما چگونه برخود هموار سازم چشم پوشیدن اِلی کَرامَتِکَ؟! اَمْ کَیْفَ اَسْکُنُ فِی النّارِ وَ رَجآئِی از بزرگواری ات را؟! یا چگونه در میان آتش بمانم در حالی که امید

عَفْوُکَ؟! فَبِعِزَّتِکَ یا سَیِّدِی وَ مَوْلایَ! اُقْسِمُ صادِقاً ، بخشش تو را دارم؟! پس به عزّتت ای آقا و سرور من! به راستی سوگند می خورم ، لَئِنْ تَرَکْتَنِی ناطِقاً

لَاَضِجَّنَّ اِلَیْکَ بَیْنَ اَهْلِها که اگر زبانم را در آنجا باز بگذاری حتماً در میان دوزخیان شیون را به سویت سر دهم ضَجِیجَ الآمِلِینَ ، وَ لَاَصْرُخَنَّ اِلَیْکَ صُراخَ همچون شیون آرزومندان ، و مسلّماً به درگاهت فریاد برآورم چون فریاد المُسْتَصْرِخِینَ ، وَ لَاَبْکِیَنَّ عَلَیْکَ بُکآءَ الفاقِدِینَ ، فریادرس خواهان ، و قطعاً مانند عزیز گم کردگان بر دوری تو گریه و زاری می کنم ، وَ لَاُنادِیَنَّکَ اَیْنَ کُنْتَ یا وَلِیَّ المُؤْمِنِینَ ، یا غایَهَ و با صدای بلند تو را می خوانم و می گویم کجایی ای یار و یاور مؤمنان ، ای منتهای آمالِ العارِفِینَ ، یا غِیاثَ المُسْتَغِیثِینَ ، یا حَبِیبَ آرمان خداشناسان ، ای فریادرس درماندگان ، ای دوستدار قُلُوبِ الصّادِقِینَ ، وَ یا اِلهَ العالَمِینَ ، اَفَتُراکَ دل راست گویان ، و ای معبود جهانیان ، آیا به راستی چنان می بینی

سُبْحانَکَ یا اِلهِی وَ بِحَمْدِکَ ، تَسْمَعُ فِیها صَوْتَ ای پاکیزه و ای معبودم که به ستایشت مشغولم ، که بشنوی از میان آتش صدای عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِیها بِمُخالَفَتِهِ ، وَ ذاقَ طَعْمَ بنده مسلمانی را که در اثر مخالفتش در آنجا زندانی شده ، و چشیده مزه عَذابِها بِمَعْصِیَتِهِ ، وَ حُبِسَ بَیْنَ اَطْباقِها بِجُرْمِهِ عذاب آتش را به خاطر نافرمانی اش ، و گرفتار شده در میان طبقات دوزخ به واسطه گناه وَ جَرِیرَتِهِ ، وَ هُوَ یَضِجُّ اِلَیْکَ ضَجِیجَ مُؤَمِّلٍ و جنایتش ، و در آن حال به درگاهت شیون کند همچون شیون آرزومند لِرَحْمَتِکَ ، وَ یُنادِیکَ بِلِسانِ اَهْلِ تَوْحِیدِکَ ، وَیَتَوَسَّلُ به رحمت تو ، و تو را فریاد می زند با زبان یگانه پرستان ، و متوسل می گردد اِلَیْکَ

بِرُبُوبِيَّتِکَ . یا مَوْلایَ ! فَکَیْفَ یَبْقی فِی به تو به خاطر بنـده پروری ات ، ای سـرور من ! پس چگونه بماند العَذابِ وَ هُوَ یَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ حِلْمِکَ؟! اَمْ کَیْفَ در عذاب در حالی که چشم امید دارد به بردباری سابقه دارت؟! یا چگونه

تُؤْلِمُهُ النّارُ وَ هُوَ یَأْمُلُ فَضْلَکَ وَ رَحْمَتَکَ؟! اَمْ کَیْفَ آتش او را بیازارد در حالی که آرزوی احسان و مهربانی تو را دارد؟! یا چگونه یُحْرِقُهُ لَهِیبُها وَ اَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَری مَکانَهُ؟! بسوزاند شعله آتش او را با اینکه تو صدایش را می شنوی و جایش را می بینی؟! اَمْ کَیْفَ یَشْتَمِلُ عَلَیْهِ زَفِیرُها وَ اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟! یا چگونه شعله های آتش او را دربر گیرد در حالی که تو می دانی ناتوانی اش را؟! اَمْ کَیْفَ یَتَقَلْقَلُ بَیْنَ اَطْباقِها وَ اَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟! یا چگونه در میان طبقات آتش دست و پا زند در حالی که تو می دانی راستگویی اش را؟! اَمْ کَیْفَ تَزْجُرُهُ زَبانِیَتُها وَ هُوَ یُنادِیکَ یا رَبَّهُ؟! یا چگونه موکلان دوزخ او را با تندی برانند در حالی که تو را به پروردگاری می خواند؟! اَمْ کَیْفَ یَرْجُو فَضْلَکَ فِی عِتْقِهِ مِنْها فَتَتْرُکُهُ فِیها؟! یا چگونه ممکن است که امید احسان تو را داشته باشد در آزادی خویش ولی او را واگذاری؟! هَیْهاتَ ! ما ذلِکَ الظَّنُّ بِکَ ، وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ چه بسیار دور است از تو و چنین گمانی به تو نیست ، و این سان شناخته شده نیست

فَضْلِکَ ، وَ لا مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِینَ مِنْ احسان تو ، و نه شباهت با رفتار تو نسبت به یگانه پرستان دارد با آن بِرِّکَ وَ اِحْسانِکَ! فَبِالْیَقِینِ اَقْطَعُ لَوْلا

ما حَكَمْتَ بِهِ نیکی و احسانت که نسبت به آنها داری! و من به یقین می دانم که اگر فرمان نداده بودی مِنْ تَعْذِیبِ جاحِدِیکَ ، وَ قَضَیْتَ بِهِ مِنْ اِخْلادِ در عـذاب کردن منکرانت ، و حکم نکرده بودی بر همیشه مانـدن در عـذاب مُعانِدِیکَ ، لَجَعَلْتَ النّارَ کُلَّها بَرْداً وَ سَلاماً ، وَ ما برای دشمنانت ، حتماً آتش دوزخ را هر چه بود به تمامی سرد و سالم می کردی ، کانَ لِاَحَدٍ فِیها مَقَرّاً وَ لا مُقاماً ، لکِنَّکَ تَقَدَّسَتْ و هیـچ کس در آن قرارگاه و جایگاهی نـداشت ، ولی تو ای خدایی که مقدّس است اَسْمآؤُکَ ، اَقْسَمْتَ اَنْ تَمْلَأَها مِنَ الکافِرِینَ تمام نامهایت ، سوگنـد یاد کرده ای که دوزخ را پر کنی از کافران مِنَ الجِنَّهِ وَ النّاسِ اَجْمَعِینَ ، وَ اَنْ تُخَلِّدَ فِیهَا از تمام جنّیان و آدمیان ، و برای همیشه جای دهی در آن

المُعانِدِینَ ، وَ اَنْتَ جَلَّ ثَنآؤُکَ قُلْتَ مُبْتَدِئاً ، دشـمنانت را ، و تو که سـتایشت برجسـته است در ابتـدا بـدون سابقه فرمودی ، وَ تَطَوَّلْتَ بِالاِنْعـامِ مُتَکَرِّمـاً ، اَفَمَنْ کـانَ مُؤْمِنـاً و به این بخشـش از روی بزرگواری تفضّـل کردی ، (که فرمودی) «آیـا کسـی که باایمان است کَمَنْ کانَ فاسِقاً لا یَسْتَوُونَ . اِلهِی وَ سَیِّدِی ! مانند کسی است که تبهکار است؟ نه یکسان نیستند» . ای معبود من و ای آقای من ! فَاَسْئَلُکَ بِالقُدْرَهِ الَّتِی قَدَّرْتَها ، وَ بِالقَضِیَّهِ الَّتِی به حقّ آن نیرویی که مقدّرش کردی ، و به فرمانی که حَتَمْتَها وَ حَکَمْتَها ، وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَیْهِ اَجْرَیْتَها ، لازم کرده ای آن را و صادر فرموده ای

، و چیره گشتی بر هر کس که آن را بر او اجرا کردی ، اَنْ تَهَبَ لِی فِی هـذِهِ اللَّیْلَهِ وَ فِی هـذِهِ السّاعَهِ ، از تو می خواهم که ببخشی بر من در این شب و در این لحظه ، کُلَّ جُرْمٍ اَجْرَمْتُهُ ، وَ کُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ ، وَ کُلَّ قَبِیحٍ هر جرمی را که مرتکب شده ام ، و هر گناهی را که از من سر زده ، و هر کار ناپسندی را که

اَسْرَرْتُهُ ، وَ کُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ ، کَتَمْتُهُ اَوْ اَعَلَنْتُهُ ، پنهان کرده ام ، و هر نادانی ای که کرده ام ، چه آن را پوشانده و چه آشکار نموده باشم ، اَخْفَیْتُهُ اَوْ اَظْهَرْتُهُ ، وَ کُلَّ سَیِّئَهٍ اَمَرْتَ بِاِثْباتِهَا چه پنهان نموده و چه عیان انجام داده ام ، و هر کار بدی را که دستور یادداشت آن را الکِرامَ الکاتِبِینَ ، اَلَّذِینَ وَکَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ ما یَکُونُ به نویسندگان گرامی ات داده ای ، همان نویسندگانی که آنها را موکّل بر ثبت اعمال مِنّی ، وَ جَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَیَّ مَعَ جَوارِحِی ، وَ کُنْتَ من کرده ای ، و آنها را همراه اندام و جوارحم گواه بر من کرده ای ، و اضافه بر آنها اَنْتَ الرَّقِیبَ عَلَیَّ مِنْ وَرآئِهِمْ ، وَ الشّاهِدَ لِما خودت هم مراقب من بوده ای ، و نیز گواه اعمالی بودی که از ایشان خَفِیَ عَنْهُمْ ، وَ بِرَحْمَتِکَ اَخْفَیْتَهُ ، وَ بِفَضْلِکَ سَتَرْتَهُ ، پنهان مانده ، ولی به مهربانی خود آنها را پنهان داشتی ، و از فضل خود آنها را پوشاندی ، وَ اَنْ تُوَفِّرَ حَظِّی مِنْ کُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ ، اَوْ اِحْسانٍ و نیز می خواهم که بهره ام

را فراوان گردانی از هر خیری که فرو فرستاده ای ، یا احسانی که

فَضَّلْتَهُ ، اَوْ بِرٍّ نَشَرْتَهُ ، اَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ ، اَوْ ذَنْبٍ بفرمایی ، یا نیکی هایی که پخش کنی ، یا روزی ای که بگسترانی ، یا گناهی که تَغْفِرُهُ ، اَوْ خَطَأٍ تَسْتُرُهُ ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ ! بیامرزی ، یا خطایی که بپوشانی ، پروردگارا پروردگارا پروردگارا ! یا اِلهِی وَ سَیِّدِی وَ مَوْلایَ وَ مالِکَ رِقِّی ! یا مَنْ ای معبود من و ای آقا و سرور من و ای زمامدار من ! ای کسی که بِیَدِهِ ناصِیَتِی ، یا عَلِیماً بِضُرِّی وَ مَسْکَنَتِی ، زمام اختیارم به دست اوست ، ای دانای بر پریشانی و بی نوایی ام ، یا خَبِیراً بِفَقْرِی وَ فاقَتِی ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ ! ای آگاه از بی چیزی و تنگدستی ام ، پروردگارا پروردگارا پروردگارا ! اَسْئَلُکَ بِحَقِّکَ وَ قُدْسِکَ ، وَ اَعْظَمِ صِفاتِکَ از تو می خواهم به حق خودت و به ذات مقدّست ، و به بزرگ ترین صفات وَ اَسْمآئِکَ ، اَنْ تَجْعَلَ اَوْقاتِی مِنَ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ و نام هایت ، که بگردانی اوقاتم را در شب و روز

بِذِکْرِکَ مَعْمُورَةً ، وَ بِخِدْمَتِکَ مَوْصُولَةً ، وَ اَعْمالِی به یاد خودت معمور و آباد ، و به بندگی ات پیوسته داری ، و کارهای نیکم را عِنْدَکَ مَقْبُولَةً ، حَتّی تَکُونَ اَعْمالِی وَ اَوْرادِی نزد خودت پذیرفته شده ، تا اینکه باشد کارها و گفتارم کُلُّها وِرْداً واحِداً ، وَ حالِی فِی خِدْمَتِکَ سَرْمَداً . همگی یک جهت برای تو ، و حالم همیشه در بندگی ات صرف شود . یا سَیِّدِی ! یا

مَنْ عَلَيْهِ مُعَوَّلِي ، يا مَنْ اِلَيْهِ ای آقای من! ای کسی که تکیه گاهم اوست ، ای کسی که به درگاه او شَکَوْتُ اَحْوالِي ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ . قَوِّ عَلى شكايت احوال خويش ببرم ، پروردگارا پروردگارا پروردگارا . نيرو ده بر خِدْمَتِكَ جَوارِحِي ، وَ اشْدُدْ عَلَى العَزِيمَةِ جَوانِحِي ، انجام خدمتت اعضای مرا ، و محکم گردان برای تصمیم خود اندام مرا ، وَ هَبْ لِيَ الجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ ، وَالدَّوامَ فِي الاِتِّصالِ و عطا فرما به من پافشاری در بیم از خودت ، و پایداری در پیوستن

بِخِدْمَتِكَ ، حَتَّى اَسْرَحَ اِلَيْكَ فِي مَيادِينِ السّابِقِينَ ، به بندگی ات ، تا به سویت برانم در میدان های پیشتازان ، وَ اُسْرِعَ اِلَيْكَ فِي البارِزِينَ ، وَ اَشْتاقَ اِلى قُرْبِكَ و در زمره شتابندگان به سویت بشتابم ، و اشتیاق بجویم به قرب تو را فِي الْمُشْتاقِينَ ، وَ اَدْنُوَ مِنْكَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِينَ ، در صف آرزومندان ، و نزدیک گردم همچون نزدیک شدن مخلصان به تو ، وَ اَخافَكَ مَخافَةَ المُوقِنِينَ ، وَ اَجْتَمِعَ فِي جِوارِكَ و از تو بترسم همچون ترس یقین کنندگان ، و در یک جا گرد آیم در جوار رحمتت مَعَ الْمُؤْمِنِينَ . اَللّهُمَّ وَ مَنْ اَرادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ ، با افراد باایمان . خدایا هرکه بدی مرا می خواهد بدی او را بخواه ، وَ مَنْ كادَنِي فَكِدْهُ ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ اَحْسَنِ عَبِيدِكَ و هرکه مرا بفریبد تو نیز به مکر خویش دچارش کن ، و بهتر از دیگر بندگانت قرار ده نَصِيباً عِنْدَكَ ، وَ اَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ ، وَ اَخَصِّهِمْ نصیبم را پیش خود ،

و جایگاهم را نزد خود نزدیک تر از ایشان کن ، و مخصوص تر از دیگران

زُلْفَةً لَدَيْکَ ، فَاِنَّهُ لا يُنالُ ذٰلِکَ اِلّا بِفَضْلِکَ ، وَ جُدْ گردان رتبه ام را در پیشگاهت ، که همانا جز با بخشش تو کسی به این مقام نرسد ، و ببخشای لِی بِجُودِکَ ، وَ اعْطِفْ عَلَیَّ بِمَجْدِکَ ، وَ احْفَظْنِی بر من از جود و بخششت ، و محبّت فرما بر من به مجد و بزرگواری خود ، و مرا نگاه دار بِرَحْمَتِکَ ، وَ اجْعَلْ لِسانِی بِذِکْرِکَ لَهِجاً ، وَ قَلْبِی به رحمت خود ، و قرار ده زبانم را به ذکرت گویا ، و دلم را بِحُبِّکَ مُتَيَّماً ، وَ مُنَّ عَلَیَّ بِحُسْنِ اِجابَتِکَ ، وَ اَقِلْنِی به دوستی ات بی قرار و شیدا ، و منّت گذار بر من با پاسخ نیک دادنت ، و نادیده بگیر عَثْرَتِی ، وَ اغْفِرْ زَلَّتِی ، فَاِنَّکَ قَضَيْتَ عَلی عِبادِکَ لغزشم را ، و بیامرز گناهم را ، زیرا تو خود بندگانت را فرمان داده ای بِعِبادَتِکَ ، وَاَمَرْتَهُمْ بِدُعآئِکَ وَ ضَمِنْتَ لَهُمُ الاِجابَةَ، به پرستش خویش ، و دستور داده ای به درخواست از درگاهت و پذیرفته ای برآوردن آن را ، فَاِلَيْکَ يارَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِی ، وَ اِلَيْکَ يارَبِّ مَدَدْتُ پس ای پروردگار من به سوی تو رو کردم ، و به درگاه تو ای پروردگارم دراز کردم

يَدِی ، فَبِعِزَّتِکَ اسْتَجِبْ لِی دُعآئِی وَ بَلِّغْنِی مُنایَ ، دست حاجتم را ، پس به عزّتت سوگند که دعایم را مستجاب فرما و مرا به آرزویم برسان ، وَ لا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِکَ رَجآئِی ، وَ اکْفِنِی شَرَّ الجِنِّ و قطع مگردان امیدم را از

فضل و احسان خویش ، و حفظ فرما شرّ جنّ وَ الاِنْسِ مِنْ اَعْدآئِی . یا سَرِیعَ الرِّضا ، اِغْفِرْ لِمَنْ و انس از دشمنانم را ، ای خدای زودگذر ، بیامرز کسی را که لا یَمْلِکُ اِلَّا الدُّعآءَ ، فَاِنَّکَ فَعّالٌ لِما تَشآءُ . یا مَنِ جز درخواست از تو چیزی ندارد ، که به راستی تو هر چه را بخواهی انجام دهی ، ای کسی که اسْمُهُ دَوآءٌ وَ ذِکْرُهُ شِفآءٌ وَ طاعَتُهُ غِنیً ، اِرْحَمْ مَنْ نامش دوای دردها و یادش بهبودی بیماری ها و طاعتش توانگری است ، رحم کن برکسی که رَأْسُ مالِهِ الرَّجآءُ وَ سِلاحُهُ الْبُکآءُ . یا سابِغَ النِّعَمِ ، سرمایه اش امید و ساز و برگش گریه و زاری است . ای تمام دهنده نعمتها ، یا دافِعَ النِّقَمِ ، یا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِینَ فِی الظُّلَمِ ، و ای برطرف کننده گرفتاری ها ، ای روشنی وحشت زدگان در تاریکی ها ،

یا عالِماً لا یُعَلَّمُ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، ای دانایی که کسی او را دانا نکرده ، درود فرست بر محمد و خاندان محمد ، وَ افْعَلْ بِی ما اَنْتَ اَهْلُهُ ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ و انجام ده درباره من آنچه را که تو سزاوار آن هستی ، و درود خدا بر پیامبر وَ الاَئِمَّهِ المَیامِینَ مِنْ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً.

و پیشوایان بابرکت از خاندانش و سلام فراوان خدا بر آنان باد.

دعای ندبه

قسمت اول

اَلحَمْدُ للَّهِ رَبِّ العالَمِینَ ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِّدِنا ستایش مخصوص خدا پروردگار جهانیان است ، و درود خدا بر آقای ما مُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً . اَللّهُمَّ لَکَ الحَمْدُ

محمد پیامبرش و بر خاندان او و سلام فراوان بر ایشان باد . خدایا از آن توست ستایش عَلی ما جَری بِهِ قَضآؤُکَ ، فِی اَوْلیآئِکَ الَّذِینَ بر آنچه جاری شد بدان قضا و قدر تو ، درباره بندگان مقربت آنان که اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ وَ دِینِکَ ، اِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ خالص گردانیدی آنان را برای خود و دین خود ، چون انتخاب کردی برای آنها جَزِیلَ ما عِنْدَکَ مِنَ النَّعِیمِ المُقِیمِ ، الَّذِی لا زَوالَ آن نعمت فراوان و پایداری که نزد توست ، آن نعمتی که کاستی لَهُ وَ لَا اضْمِحْلالَ ، بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَیْهِمُ الزُّهْدَ ، و نابودی برایش نیست، (و این) پس از آنی (بود که) با آنها شرط کردی تا کناره گیرند فِی دَرَجاتِ هذِهِ الدُّنْیا الدَّنِیَّهِ ، وَ زُخْرُفِها از درجات (و ریاست های) این دنیای پست و از زیب

وَ زِبْرِجِها، فَشَرَطُوا لَکَ ذلِکَ وَ عَلِمْتَ مِنْهُمُ الوَفآءَ و زیورش ، و آنها نیز این شرط تو را پذیرفتند ، و تو نیز وفای آنان را به این شرط دانستی بِهِ ، فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ وَ قَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّکْرَ العَلِیَّ و پذیرفتیشان و مقرب درگاهشان کردی ، و مقرر داشتی از پیش برای ایشان نامی بلند وَ الثَّنآءَ الجَلِیَّ ، وَ اَهْبَطْتَ عَلَیْهِمْ مَلآئِکَتَکَ ، و ثنایی آشکار و فرو فرستادی برایشان فرشتگانت را وَ کَرَّمْتَهُمْ بِوَحْیِکَ ، وَ رَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِکَ ، وَ جَعَلْتَهُمُ و گرامی داشتی آنان را به وحی خود و یاریشان کردی به علم خود و قرارشان دادی الذَّرِیعَهَ اِلَیْکَ وَ الوَسِیلَهَ اِلی رِضْوانِکَ ، فَبَعْضٌ واسطه درگاهت و وسیله ای به سوی خوشنودی ات ، پس برخی را اَسْکَنْتَهُ

جَنَّتِکَ اِلی اَنْ اَخْرَجْتَهُ مِنْها ، وَ بَعْضٌ در بهشت جا دادی تا آن گاه که از آنجا بیرونش آوردی و برخی را حَمَلْتَهُ فِی فُلْکِکَ وَ نَجَّیْتَهُ وَ مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ در کشتی خود سوار کردی و نجات دادی او و همراهانش را که ایمان آورده بودند از

الهَلَکَهِ بِرَحْمَتِکَ ، وَ بَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِکَ خَلیلاً ، هلاکت به مهر خود ، و برخی را برای خود دوست صمیمی گرفتی ، وَ سَئَلَکَ لِسانَ صِدْقٍ فِی الآخِرینَ فَاَجَبْتَهُ و او از تو درخواست کرد نام نیک را در امّت های آینده و تو اجابت کردی آن را وَ جَعَلْتَ ذلِکَ عَلِیّاً ، وَ بَعْضٌ کَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَهٍ و نام او را بلند گرداندی ، و با برخی از میان درخت سخن گفتی تَکْلیماً وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ اَخیهِ رِدْءاً وَوَزیراً ، وَبَعْضٌ به طور مخصوصی و برای او برادرش را یاور و وزیر گردانیدی ، و برخی را اَوْلَدْتَهُ مِنْ غَیْرِ اَب وَ آتَیْتَهُ البَیِّناتِ وَ اَیَّدْتَهُ بدون پدر به وجود آوردی و نشانه های آشکاری به او دادی و یاری فرمودی او را بِرُوحِ الْقُدُسِ ، وَ کُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَریعَهً ، وَ نَهَجْتَ به روح القدس (جبرئیل) ، و برای همه آنها دین و قانونی مقرر داشتی ، و معین کردی لَهُ مِنْهاجاً ، وَ تَخَیَّرْتَ لَهُ اَوصِیآءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ برایش طریقه و برنامه ای ، و جانشینانی برای او انتخاب کردی تا یکی پس از دیگری

مُسْتَحْفِظٍ ، مِنْ مُدَّهٍ اِلی مُدَّهٍ ، اِقامَهً لِدینِکَ وَ حُجَّهً نگهبان (دین) باشد ، از زمانی تا زمان معیّنی برای برپا داشتن دین تو و حجتی باشند عَلی عِبادِکَ

، وَ لِئَلّا یَزُولَ الحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ ، وَ یَغْلِبَ بر بندگانت ، و تا نلرزد (دین) حق از جای خود ، و تا پیروز نگردد الباطِلُ عَلی اَهْلِهِ ، وَ لا یَقُولَ اَحَدٌ لَوْلا اَرْسَلْتَ باطل بر اهل حق ، و کسی نگوید چرا نفرستادی اِلَیْنا رَسُولاً مُنْذِراً ، وَ اَقَمْتَ لَنا عَلَماً هادِیاً فَنَتَّبِعَ به سوی ما پیامبری که ما را بترساند ، و چرا به پا نداشتی پرچمی راهنما را تا پیروی کنیم آیاتِکَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزی ، اِلی اَنِ انْتَهَیْتَ از آیات تو پیش از آن که خوار و رسوا گردیم ، تا این که رساندی بِالاَمْرِ اِلی حَبیبِکَ وَ نَجیبِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ کار را به دست دوست خود و برگزیده ات (حضرت) محمد - که درود خداوند بر او وَ آلِهِ ، فَکانَ کَما انْتَجَبْتَهُ سَیِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ ، وَ صَفْوَةَ و خاندانش باد - ، پس او چنان بود که او را برگزیدی سرور آفریدگانت ، و برگزیده

مَنِ اصْطَفَیْتَهُ ، وَ اَفْضَلَ مَنِ اجْتَبَیْتَهُ ، وَ اَکْرَمَ مَنِ برگزیدگانت ، و برترین انتخاب شدگانت ، و گرامی ترین اعْتَمَدْتَهُ ، قَدَّمْتَهُ عَلی اَنْبِیآئِکَ ، وَ بَعَثْتَهُ اِلَی الثَّقَلَیْنِ معتمدین تو بود ، و او را بر پیامبرانت مقدم داشتی ، و مبعوث فرمودی به سوی جنّ و انس مِنْ عِبادِکَ، وَاَوْطَأْتَهُ مَشارِقَکَ وَمَغارِبَکَ، وَسَخَّرْتَ از بندگانت ، و مشرق ها و مغرب های عالم را زیر فرمان رسالتش گذاردی ، لَهُ البُراقَ ، وَ عَرَجْتَ بِرُوحِهِ (بِهِ) اِلی سَمآئِکَ ، و اسب تیزرو را مسخّر او گرداندی ، و بالا بردی به آسمان خود او را ، وَاَوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما

كانَ وَما يَكونُ اِلَى انْقِضآءِ خَلْقِكَ، و علم گذشته و آينده را به او سپردى تا هنگام پايان آفرينش ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَ حَفَفْتَهُ بِجَبْرآئِيلَ وَ مِيكآئِيلَ آن گاه او را به وسيله ترس و رعب در دل دشمنش يارى كردى و گرداگردش جبرئيل و ميكائيل وَ الْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلآئِكَتِكَ ، وَ وَعَدْتَهُ اَنْ تُظْهِرَ و فرشتگان نشان دارت را واداشتى ، و به او وعده دادى كه پيروز گردانى

دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ، وَ ذلِكَ دينش را بر همه دين ها ، اگرچه مشركان خوش نداشته باشند ، و اين جريان بَعْدَ اَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّءَ صِدْقٍ مِنْ اَهْلِهِ ، وَ جَعَلْتَ لَهُ پس از آنى بود كه جايش دادى در جايگاه راستى از خاندانش ، و قرار دادى براى او وَ لَهُمْ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّهَ مُبارَكاً و خاندانش نخستين خانه اى را كه براى مردم بنا شد كه مكه است و مايه بركت وَ هُدىً لِلْعالَمِينَ ، فِيهِ آياتٌ بَيِّناتٌ مَقامُ اِبْراهِيمَ و موجب راهنمايى جهانيان است ، و در آن نشانه هاى آشكارى است چون مقام ابراهيم وَمَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً ، وَ قُلْتَ: اِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ و هركه به آن وارد شود ايمن است ، وفرمودى: «جز اين نيست كه خدا اراده فرموده تا دوركند عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ، ثُمَّ از شما خاندان ، پليدى را و به خوبى شما را پاک گرداند» ، آن گاه جَعَلْتَ اَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَوَدَّتَهُمْ قرار دادى مزد محمد را - كه درودهاى تو بر او و خاندانش باد - دوستى و مودّت ايشان

فِى كِتابِكَ ،

فَقُلْتَ: قُلْ لا اَسْئَلُكَمْ عَلَيْهِ اَجْراً اِلَّا در کتاب خود و فرمودی: «بگو من از شما برای رسالت مزدی نخواهم جز المَوَدَّةَ فِی القُرْبی ، وَ قُلْتَ: ما سَئَلْتُكُمْ مِنْ اَجْرٍ دوستی خویشانم» ، و فرمودی: «آنچه مزد از شما خواستم آن هم فَهُوَ لَكُمْ ، وَ قُلْتَ: ما اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِلّا به سود شماست» ، و فرمودی: «من از شما برای رسالت مزدی نخواهم مگر مَنْ شآءَ اَنْ يَتَّخِذَ اِلی رَبِّهِ سَبيلاً ، فَكانُوا هُمُ کسی که بخواهد به سوی پروردگار خویش راهی پیش گیرد» ، و این ها بودند السَّبيلَ اِلَيْكَ وَ المَسْلَكَ اِلی رِضْوانِكَ ، فَلَمَّا آن راه به سوی تو و طریقه سلوک به سوی خوشنودی ات ، و چون انْقَضَتْ اَيّامُهُ اَقامَ وَلِيَّهُ عَلِيَّ بْنَ اَبی طالِبٍ روزگار آن حضرت سپری شد برگماشت علی فرزند ابی طالب را صَلَواتُكَ عَلَيْهِما وَ آلِهِما هادِياً اِذْ كانَ هُوَ المُنْذِرَ – که درودهای تو بر آن دو و بر خاندانشان باد – برای راهنمایی ، زیرا آن جناب بیم دهنده بود

وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ ، فَقالَ وَ المَلَأُ اَمامَهُ: مَنْ كُنْتُ و برای هر ملّتی راهنمایی است ، و در برابر مردمی که نزدش حاضر بودند فرمود: هرکه من مَوْلاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ ، اَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَ عادِ مَنْ مولای اویم علی مولای اوست . خدایا دوست بدار هرکه دوستش دارد ، و دشمن بدار هرکه عاداهُ ، وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ ، وَقالَ: دشمنش باشد ، و یاری کن هرکه یاری اش کند ، و خوار کن هرکه خوارش کند ، و فرمود: مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ اَميرُهُ ، وَ

قـالَ: أَنَا وَ عَلِيٌّ هرکه من پیامبر او هسـتم علی امیر و فرمانروای اوست ، و فرمود: من و علی مِنْ شَـجَرَةٍ واحِـدَةٍ وَ سآئِرُ النّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتّی ، هر دو از یک درخت هستیم و سایر مردم از درخت های پراکنده هستند ، وَ اَحَلَّهُ مَحَلَّ هارُونَ مِنْ مُوسی ، فَقالَ لَهُ: اَنْتَ و رتبه او را نسـبت به خود چون رتبه هارون نسـبت به موسـی قرار داد ، و بدو فرمود: مقام تو مِنّی بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسی اِلّا اَنَّهُ لا نَبِیَّ نسبت به من مانند مقام هارون است نسبت به موسی جز اینکه پیامبری

بَعْـدِی ، وَ زَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَـیِّدَةَ نِسـآءِ العـالَمِینَ ، وَ اَحَـلَّ پس از من نیست ، و تزویـج کرد به او دخترش بـانوی زنان جهانیان را ، و حلال کرد لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ ما حَلَّ لَهُ ، وَ سَدَّ الاَبْوابَ اِلّا بابَهُ ، برایش ازمسجدش آنچه برای خود حلال بود ، وبست درِ خانه های مردم را جز درِ خانه علی را ثُمَّ اَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِکْمَتَهُ ، فَقالَ: أَنَا مَـدِینَةُ العِلْمِ سـپس علم و حکمت خود را به او سپرد ، و فرمود: من شـهر علم هسـتم وَ عَلِیٌّ بابُها ، فَمَنْ اَرادَ المَـدِینَةَ وَ الحِکْمَةَ فَلْیَأْتِها و علی دَرِ آن شـهر است ، پس هرکه خواهـد بـدین شـهر درآید و حکمت خواهد ، باید درآید مِنْ بابِها ، ثُمَ قالَ: اَنْتَ اَخِی وَ وَصِیِّی وَ وارِثِی ، از دَرِ آن . سـپس فرمود: تویی برادر من و جانشین من و وارث من ، لَحْمُکَ مِنْ لَحْمِی وَدَمُکَ مِنْ دَمِی ، وَسِلْمُکَ سِلْمِی گوشتت از گوشت من و خونت از

خون من است ، صلح تو صلح من وَ حَرْبُکَ حَرْبِی ، وَ الاِیمانُ مُخالِطٌ لَحْمَکَ وَ دَمَکَ ، و جنگ تو جنگ من است ، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته شده ،

کَما خالَطَ لَحْمِی وَدَمِی ، وَ اَنْتَ غَداً عَلَی الحَوْضِ چنان که با گوشت و خون من آمیخته ، و تو در فردای محشر بر سر حوض (کوثر) خَلِیفَتِی ، وَ اَنْتَ تَقْضِی دَیْنِی وَ تُنْجِزُ عِداتِی ، جانشین من هستی ، و تو می پردازی قرض مرا و وفا می کنی به وعده های من ، وَ شِیعَتُکَ عَلی مَنابِرَ مِنْ نُورٍ ، مُبْیَضَّةً وُجُوهُهُمْ و شیعیانت بر منبرهایی از نور ، با چهره های (نورانی و) سفید حَوْلِی فِی الجَنَّةِ وَهُمْ جِیرانِی ، وَ لَوْلا اَنْتَ یا عَلِیُّ در بهشت اطراف مننـد در حالی که همسایگان من هستند ، و اگر تو نبودی ای علی لَمْ یُعْرَفِ المُؤْمِنُونَ بَعْدِی ، وَ کانَ بَعْدَهُ هُدیً مِنَ مؤمنان پس از من شناخته نمی شدند ، و آن جناب بود پس از رسول خدا راهنمای (مردم) از الضَّلالِ وَ نُوراً مِنَ العَمی ، وَ حَبْلَ اللّهِ المَتِینَ گمراهی و مایه روشنایی از کوری جهالت ، و رشته محکم خدا وَ صِراطَهُ المُسْتَقِیمَ ، لا یُسْبَقُ بِقَرابَةٍ فِی رَحِمٍ و راه راست او ، کسی پیشی نگرفت بر او در نزدیکی و خویشاوندی به رسول خدا

وَ لا بِسابِقَةٍ فِی دِینٍ ، وَ لا یُلْحَقُ فِی مَنْقَبَةٍ مِنْ و نه از نظر سابقه در دین ، و نه کسی توانست به او برسد در وصفی از مَناقِبِهِ ، یَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِما اوصاف پسندیده ، قدم می گذاشت

به جای پای پیامبر - که درود خدا بر هر دوی ایشان وَ آلِهِما ، وَ یُقاتِلُ عَلَی التَّأْوِیلِ وَ لا تَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ و خاندان ایشان باد - ، و او بود که بر طبق تأویل و باطن قرآن می جنگید و درباره خدا باکی از لَوْمَهُ لائِم ، قَدْ وَتَرَ فِیهِ صَنادِیدَ العَرَبِ ، وَ قَتَلَ سرزنش ملامت کنندگان نداشت ، در راه خدا خون بزرگان عرب را به خاک ریخت ، و بکشت اَبْطالَهُمْ وَ ناوَشَ ذُؤْبانَهُمْ ، فَاَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ اَحْقاداً ، دلاورانشان را و با گرگانشان درافُتاد ، و همین سبب شد در دل های ایشان کینه ها بگذارد ، بَدْرِیَّهً وَ خَیْبَرِیَّهً وَ حُنَیْنِیَّهً وَ غَیْرَهُنَّ ، فَاَضَبَّتْ عَلی کینه های جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنها ، پس به دل گرفتند عَداوَتِهِ ، وَ اَکَبَّتْ عَلی مُنابَذَتِهِ ، حَتّی قَتَلَ دشمنی او را ، و به جنگ و مخالفت با او برخاستند ، تا کشت

النّاکِثِینَ وَ القاسِطِینَ وَ المارِقِینَ ، وَلَمّا قَضی نَحْبَهُ پیمان شکنان (طلحه و زبیر و عایشه) و زورگویان (معاویه) و خوارج (اصحاب نهروان) را، و چون درگذشت وَ قَتَلَهُ اَشْقَیَ الآخِرِینَ یَتْبَعُ اَشْقَی الاَوَّلِینَ ، و او را کشت بدبخت ترین مردم پسینیان که پیروی کرد از بدبخت ترین پیشینیان ، لَمْ یُمْتَثَلْ اَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ امتثال نشد دستور رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - ، فِی الهادِینَ بَعْدَ الهادِینَ ، وَ الاُمَّهُ مُصِرَّهٌ عَلی که درباره راهنمایان دین یکی پس از دیگری فرموده بود ، و امّت پافشاری کردند بر مَقْتِهِ ، مُجْتَمِعَهٌ عَلی قَطِیعَهِ رَحِمِهِ وَ اِقْصآءِ

وُلْدِهِ ، دشمنی او ، و گرد آمدند برای قطع خویشاوندی او و تبعید و آواره کردن فرزندانش ، اِلَّا القَلِيلَ مِمَّنْ وَفى لِرِعايَهِ الحَقِّ فِيهِمْ ، فَقُتِلَ جز اندکی از کسانی که وفا کردند برای رعایت کردن حق در میان ایشان ، و در نتیجه جمعی مَنْ قُتِلَ ، وَ سُبِیَ مَنْ سُبِیَ ، وَ اُقْصِیَ مَنْ اُقْصِیَ ، کشته ، و گروهی اسیر ، و دسته ای از وطن آواره گشتند ،

وَ جَرَى القَضآءُ لَهُمْ بِما يُرْجى لَهُ حُسْنُ المَثُوبَهِ ، و قلم سرنوشت طوری بر ایشان جاری شد که امید پاداش نیک در آن می رود ، اِذْ كانَتِ الاَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُها مَنْ يَشآءُ مِنْ عِبادِهِ ، زیرا (کره) زمین از خداست و به هرکه از بندگانش بخواهد آن را ارث دهد و بدو واگذارد ، وَ العاقِبَهُ لِلْمُتَّقِينَ ، وَ سُبْحانَ رَبِّنا اِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا و سرانجام از آنِ پرهیزکاران است ، و منزّه است پروردگار ما که حتماً وعده پروردگارمان لَمَفْعُولاً ، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ، انجام شدنی است ، و خدا هرگز خلف وعده نمی کند و اوست ارجمند فرزانه ، فَعَلَى الاَطآئِبِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍ صَلَّى پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی - که درود اللَّهُ عَلَيْهِما وَ آلِهِما ، فَلْيَبْكِ الباكُونَ ، وَ اِيّاهُمْ خدا بر هر دوی ایشان و خاندانشان باد - ، باید گریه کنندگان بگریند ، و بر آنها فَلْيَنْدُبِ النّادِبُونَ ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتَذْرَفِ الدُّمُوعُ ، باید زاری کنندگان زاری کنند ، و برای امثال آن ها باید اشک ها روان گردد ،

وَ لْيَصْرُخِ الصّارِخُونَ ، وَ يَضِجَّ الضّآجُّونَ ،

وَ یَعِجَّ و فریاد زنندگان فریاد زنند ، و شیون کنندگان شیون نمایند ، و ناله کنندگان العآجُونَ . اَیْنَ الحَسَنُ اَیْنَ الحُسَیْنُ ، اَیْنَ اَبْناءُ ناله جان سوز سر دهند که ، کجاست حسن ؟ کجاست حسین ؟ و کجایند فرزندان الحُسَیْنِ؟! صالِحٌ بَعْدَ صالِحٍ ، وَ صادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ! حسین؟! شایسته ای پس از شایسته دیگر ، و راست گویی پس از راست گوی دیگر ، اَیْنَ السَّبیلُ بَعْدَ السَّبیلِ؟! اَیْنَ الخِیَرَهُ بَعْدَ الخِیَرَهِ؟! کجاست آن راه حق پس از راه دیگر؟! کجایند برگزیدگان (خدایی) هر یک پس از دیگری؟! اَیْنَ الشُّمُوسُ الطّالِعَهُ؟! اَیْنَ الاَقْمارُ المُنیرَهُ؟! اَیْنَ کجایند خورشیدهای تابان؟! کجایند ماه های نورافشان؟! کجایند الاَنْجُمُ الزّاهِرَهُ؟! اَیْنَ اَعْلامُ الدِّینِ وَ قَواعِدُ العِلْمِ؟! اختران فروزان؟! کجایند بزرگان دین و پایه های دانش؟! اَیْنَ بَقِیَّهُ اللَّهِ الَّتی لا تَخْلُو مِنَ العِتْرَهِ الهادِیَهِ؟! اَیْنَ کجاست آن ذخیره خدا که بیرون نیست از خاندان راهنمای رسول خدا؟! کجاست

قسمت دوم

المُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَهِ؟! اَیْنَ المُنْتَظَرُ لِاِقامَهِ آن که آماده شده برای بریدن ریشه ستمگران؟! کجاست آن که منتظر اویند برای راست کردن الاَمْتِ وَ العِوَجِ؟! اَیْنَ المُرْتَجی لِاِزالَهِ الجَوْرِ نادرستی ها و کجی ها؟! کجاست آن مایه امید برای از بین بردن ستم وَالعُدْوانِ؟! اَیْنَ المُدَّخَرُ لِتَجْدِیدِ الفَرآئِضِ وَالسُّنَنِ؟! و تجاوز؟! کجاست آن که ذخیره شده برای نو کردن فریضه ها و سنّت های دین؟! اَیْنَ المُتَخَیَّرُ لِاِعادَهِ المِلَّهِ وَ الشَّریعَهِ؟! اَیْنَ کجاست آن که انتخاب گشته برای برگرداندن کیش و آیین؟! کجاست المُؤَمَّلُ لِاِحْیآءِ الکِتابِ وَ حُدُودِهِ؟! اَیْنَ مُحْیِی آن که آرزویش داریم برای زنده کردن قرآن و حدود آن؟! کجاست زنده کننده مَعالِمِ الدِّینِ وَ اَهْلِهِ؟! اَیْنَ قاصِمُ شَوْکَهِ المُعْتَدِینَ؟! آثار دین و پیروان آن؟! کجاست درهم شکننده شوکت زورگویان؟!

اَیْنَ هادِمُ اَبْنِیَهِ الشِّرْکِ وَ النِّفاقِ؟! اَیْنَ مُبیدُ اَهْلِ کجاست ویران کننده بنیان های شرک و دورویی؟! کجاست نابود کننده اهل

الفُسُوقِ وَ العِصْیانِ وَ الطُّغْیانِ؟! اَیْنَ حاصِدُ فُرُوعِ ناپارسایی و گردن کشی و گستاخی؟! کجاست آن که ببُرد شاخه های الغَیِّ وَالشِّقاقِ؟! اَیْنَ طامِسُ آثارِ الزَّیْغِ وَ الاَهْوآءِ؟! گمراهی و اختلاف را؟! کجاست نابود کننده آثار کج روی و هوی و هوس ها؟! اَیْنَ قاطِعُ حَبآئِلِ الکِذْبِ وَ الاِفْتِرآءِ؟! اَیْنَ مُبیدُ کجاست پاره کننده دام های دروغ و بهتان؟! کجاست نابود کننده العُتاهِ وَ المَرَدَهِ؟! اَیْنَ مُسْتَأْصِلُ اَهْلِ العِنادِ سرکشان و گردن کشان؟! کجاست ریشه کن کننده ستیزه جویان وَ التَّضْلیلِ وَ الاِلْحادِ؟! اَیْنَ مُعِزُّ الاَوْلِیآءِ وَ مُذِلُّ و گمراهان و بی دینان؟! کجاست عزّت بخش دوستان و خوار کننده الاَعْدآءِ؟! اَیْنَ جامِعُ الکَلِمَهِ عَلَی التَّقْوی ! اَیْنَ دشمنان؟! کجاست گردآورنده سخنان (پراکنده) بر پرهیزکاری؟! کجاست بابُ اللَّهِ الَّذی مِنْهُ یُؤْتی ! اَیْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذی آن درگاه خداوند که از آنجا به سوی خدا روند؟! کجاست آن آیینه خدایی که

اِلَیْهِ یَتَوَجَّهُ الاَوْلِیآءُ؟! اَیْنَ السَّبَبُ المُتَّصِلُ بَیْنَ به سویش رو کنند اولیا؟! کجاست آن پیوند دهنده میان الاَرْضِ وَ السَّمآءِ؟! اَیْنَ صاحِبُ یَوْمِ الفَتْحِ وَ ناشِرُ زمین و آسمان؟! کجاست آن فرمانروای روز فتح و پیروزی و برافرازنده رایَهِ الهُدی ! اَیْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلاحِ وَ الرِّضا؟! پرچم هدایت و راهنمایی؟! کجاست آن که پریشانی خلق را اصلاح و دل ها را خوشنود می سازد؟! اَیْنَ الطّالِبُ بِذُحُولِ الاَنْبِیآءِ وَ اَبْنآءِ الاَنْبِیآءِ؟! اَیْنَ کجاست آن خواهنده خون (پاک) پیامبران و فرزندان پیامبران؟! کجاست الطّالِبُ بِدَمِ المَقْتُولِ بِکَرْبَلآءَ؟! اَیْنَ المَنْصُورُ آن خواهنده خون کشته شده کربلا؟! کجاست آن یاری شده و پیروزمند عَلی مَنِ اعْتَدی عَلَیْهِ وَ افْتَری ! اَیْنَ المُضْطَرُّ

بر کسانی که بر او ستم کردند و دروغ بستند؟! کجاست آن درمانده ای الَّذی یُجابُ اِذا دَعی ! اَیْنَ صَدْرُ الخَلآئِقِ ذُوالبِرِّ که چون دعا کند به اجابت رسد؟! کجاست صدرنشین مخلوقات عالم، آن صاحب نیکوکاری

وَ التَّقْوی ! اَیْنَ ابْنُ النَّبیِّ المُصْطَفی وَ ابْنُ عَلِیٍّ و باتقوا؟! کجاست فرزند پیامبر برگزیده خدا و فرزند علی المُرْتَضی وَ ابْنُ خَدیجَهَ الغَرّآءِ وَ ابْنُ فَاطِمَهَ پسندیده خدا و فرزند خدیجه روشن سیما و فرزند فاطمه الکُبْری ! بِاَبی اَنْتَ وَ اُمّی وَ نَفْسی لَکَ الوِقآءُ بزرگ منش؟! پدر و مادرم به فدایت و خودم بلاگردان وَ الحِمی ، یَابْنَ السّادَهِ المُقَرَّبینَ ، یَابْنَ النُّجَبآءِ و سپر پیش روی تو باشم ، ای فرزند بزرگان مقرّب درگاه حق ، ای فرزند پاک نژادان الاَکْرَمینَ ، یَابْنَ الهُداهِ المَهْدِیّینَ ، یَابْنَ الخِیَرَهِ گرامی ، ای فرزند راهنمایان راه یافته ، ای فرزند برگزیدگان المُهَذَّبینَ ، یَابْنَ الغَطارِفَهِ الاَنْجَبینَ ، یَابْنَ الاَطآئِبِ پاکیزه ، ای فرزند سروران شرافتمند ، ای فرزند نیکوترین المُطَهَّرینَ ، یَابْنَ الخَضارِمَهِ المُنْتَجَبینَ ، یَابْنَ پاکان جهان ، ای فرزند جوانمردان برگزیده ، ای فرزند

القَماقِمَهِ الاَکْرَمینَ ، یَابْنَ البُدُورِ المُنیرَهِ ، یَابْنَ دریاهای بخشش و عطای گرامی ، ای فرزند ماه های نورافشان ، ای فرزند السُّرُجِ المُضیئَهِ ، یَابْنَ الشُّهُبِ الثّاقِبَهِ ، یَابْنَ الاَنْجُمِ چراغ های تابان ، ای فرزند ستارگان فروزان ، ای فرزند اختران الزّاهِرَهِ ، یَابْنَ السُّبُلِ الواضِحَهِ ، یَابْنَ الاَعْلامِ درخشان ، ای فرزند راه های روشن ، ای فرزند نشانه های اللّآئِحَهِ ، یَابْنَ العُلُومِ الکامِلَهِ ، یَابْنَ السُّنَنِ آشکار ، ای فرزند دانش های کامل ، ای فرزند آیین های المَشْهُورَهِ، یَابْنَ المَعالِمِ المَأْثُورَهِ، یَابْنَ المُعْجِزاتِ معروف و

مشهور ، ای فرزند آثار و معالم رسیده (از خدا و انبیا) ، ای فرزند معجزات المَوْجُودَهِ ، یَابْنَ الدَّلآئِلِ المَشْهُودَهِ ، یَابْنَ الصِّراطِ موجود ، ای فرزند دلیل های آشکار ، ای فرزند راه المُسْتَقِیمِ ، یَابْنَ النَّبَأِ العَظِیمِ ، یَابْنَ مَنْ هُوَ فِی راست ، ای فرزند آن خبر بسیار بزرگ ، ای فرزند کسی که در

اُمِّ الکِتابِ لَدَی اللَّهِ عَلِیٌّ حَکِیمٌ ، یَابْنَ الآیاتِ دفتر اصلی نزد خدا «علی» (والا) و فرزانه است ، ای فرزند نشانه ها وَ البَیِّناتِ ، یَابْنَ الدَّلآئِلِ الظّاهِراتِ ، یَابْنَ البَراهِینِ و برهان های آشکار ، ای فرزند دلیل های هویدا ، ای فرزند برهان های الواضِحاتِ الباهِراتِ ، یَابْنَ الحُجَجِ البالِغاتِ ، یَابْنَ نمایان و درخشان ، ای فرزند حجّت های رسا ، ای فرزند النِّعَمِ السّابِغاتِ ، یَابْنَ طه وَ المُحْکَماتِ ، یَابْنَ یس نعمت های شایان و فراوان ، ای فرزند طه و نشانه های استوار قرآن ، ای فرزند سوره یس وَ الذّارِیاتِ ، یَابْنَ الطُّورِ وَ العادِیاتِ ، یَابْنَ مَنْ و ذاریات ، ای فرزند سوره طور و عادیات ، ای فرزند کسی که (در شب معراج) دَنی فَتَدَلّی ، فَکانَ قابَ قَوْسَیْنِ اَوْ اَدْنی ، دُنُوّاً نزدیک شد پس آویخت ، و نزدیک تر شد به فاصله دو کمان یا نزدیک تر ، در نزدیکی وَ اقْتِراباً مِنَ العَلِیِّ الاَعْلی ! لَیْتَ شِعْرِی اَیْنَ و قرب نسبت به خدای والای بلندمرتبه ! ای کاش می دانستم کجا

اسْتَقَرَّتْ بِکَ النَّوی ، بَلْ اَیُّ اَرْضٍ تُقِلُّکَ اَوْ ثَری ! دل ها به وجود تو آرام می شوند ، و چه سرزمین و مکانی تو را نگه داشته؟! اَبِرَضْوی اَوْ غَیْرِها اَمْ ذِی طُوی ! عَزِیزٌ

عَلَيَّ اَنْ آیا در کوه رضوایی یا غیر آن یا در ذی طوایی؟! سخت است بر من که اَرَی الخَلْقَ وَ لا تُری ، وَ لا اَسْمَعُ لَکَ حَسِیساً وَ لا- مردم را ببینم ولی تو دیده نشوی ، و نشنوم از تو صدایی و نه نَجْوی . عَزِیزٌ عَلَيَّ اَنْ تُحِیطَ بِکَ دُونِیَ البَلْوی ، زمزمه ای . سخت است بر من که احاطه کند فقط بر تو بدون من بلا ، وَلا یَنالُکَ مِنِّی ضَجِیجٌ وَلا شَکْوی . بِنَفْسِی اَنْتَ و صدای زاری و شکایت من به تو نرسد . جانم به قربانت مِنْ مُغَیَّبٍ لَمْ یَخْلُ مِنّا . بِنَفْسِی اَنْتَ مِنْ نازِحٍ ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی . جانم به قربانت ای دور از نظری که ما نَزَحَ عَنّا . بِنَفْسِی اَنْتَ اُمْنِیَّهُ شآئِقٍ یَتَمَنّی از ما جدا نیستی . جانم به قربانت ای آرمان هر مشتاقی که آرزویت کنند

مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَهٍ ذَکَرا فَحَنّا . بِنَفْسِی اَنْتَ مِنْ از مردان و زنان باایمانی که به یاد تو ناله از دل کشند . جانم به قربانت ای عَقِیدِ عِزٍّ لا یُسامی . بِنَفْسِی اَنْتَ مِنْ اَثِیلِ مَجْدٍ بسته به عزّتی که کسی برتو برتری نگیرد . جانم به قربانت ای بزرگوار ریشه داری لا یُجاری . بِنَفْسِی اَنْتَ مِنْ تِلادِ نِعَمٍ لا تُضاهی . که هم طراز ندارد . جانم به قربانت ای نعمت دیرینه ای که شبیه ندارد . بِنَفْسِی اَنْتَ مِنْ نَصِیفِ شَرَفٍ لا یُساوی . اِلی مَتی جانم به قربانت ای هم نشین بزرگواری که برابر ندارد ، تا کی اَحارُ فِیکَ یا مَوْلایَ! وَ اِلی مَتی وَ اَیَّ خِطابٍ سرگردان

وجودت باشم ای مولای من؟! و تا کی و با چه زبانی اَصِفُ فِیکَ وَ اَیَّ نَجْوی ! عَزِیزٌ عَلَیَّ اَنْ اُجابَ وصف تو گویم و راز دل کنم؟! سخت و ناگوار است بر من که پاسخ بشنوم دُونَکَ وَ اُناغی . عَزِیزٌ عَلَیَّ اَنْ اَبْکِیَکَ وَ یَخْذُلَکَ از دیگری جز تو و با او گفتگو کنم . سخت است بر من که بر تو بگریم ولی مردم تو را

الوَری . عَزِیزٌ عَلَیَّ اَنْ یَجْرِیَ عَلَیْکَ دُونَهُمْ ما سخت واگذارند . سخت است بر من که بر تو بگذرد نه بر دیگران آنچه جَری ، هَلْ مِنْ مُعِینٍ فَأُطِیلَ مَعَهُ العَوِیلَ وَ البُکآءَ؟ می گذرد ، آیا کمک کاری هست که با او فریاد و گریه را طولانی کنم؟ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُساعِدَ جَزَعَهُ اِذا خَلا؟ هَلْ قَذِیَتْ آیا بی تابی (چون من) هست که چون به خلوت رود در زاری و جزع کمکش کنم؟ آیا چشمی عَیْنٌ فَساعَدَتْها عَیْنِی عَلَی القَذی هَلْ اِلَیْکَ هست که خار فراق در آن رفته وگریان باشد تا چشم پرخار من نیز یاری اش دهد؟ آیا بسویت یَابْنَ اَحْمَدَ سَبِیلٌ فَتُلْقی هَلْ یَتَّصِلُ یَوْمُنا مِنْکَ ای پسر احمد راهی هست تا دیدارت کنم؟ آیا روز جدایی ما پیوست می شود بِعِدَهٍ فَنَحْظی مَتی نَرِدُ مَناهِلَکَ الرَّوِیَّهَ فَنَرْوی به وعده تو تا بهره مند گردیم؟ کی می شود به سرچشمه های پرآبت درآییم و سیراب شویم؟ مَتی نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مآئِکَ فَقَدْ طالَ الصَّدی مَتی کی می شود که سیراب گردیم از آب وصل تو که تشنگی ما طولانی شد؟ کی می شود

نُغادِیکَ وَ نُراوِحُکَ فَنُقِرُّ عَیْناً ؟ مَتی تَرانا وَ نَراکَ ؟ صبح و

شام را با تو بسر بریم و دیده روشن کنیم ؟ کی می شود تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم ؟ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِوآءَ النَّصْرِ تُری ؟ اَتَرانا نَحُفُّ بِکَ و پرچم نصرتت را برافراشته باشی و مردم ببینند ؟ آیا می ببینیم روزی که گرداگردت را گرفته باشیم وَاَنْتَ تَؤُمُّ المَلَأَ ، وَقَدْ مَلَأْتَ الاَرْضَ عَدْلاً، وَاَذَقْتَ و تو رهبر مردم باشی ، و زمین را پر از عدل و داد کنی ، و بچشانی اَعْدآءَکَ هَواناً وَ عِقاباً ، وَ اَبَرْتَ العُتاةَ وَ جَحَدَةَ به دشمنانت خواری و کیفر را ، و نابود کنی سرکشان و منکران الحَقِّ ، وَ قَطَعْتَ دابِرَ المُتَكَبِّرينَ وَ اجْتَثَثْتَ اُصُولَ حق را ، و بزنی ریشه گردن کشان را ، و از بیخ بَر کَنی اساس الظّالِمينَ ، وَ نَحْنُ نَقُولُ: الحَمْدُ للَّهِ رَبِّ العالَمِينَ ، ستم کاران را ، و ما در آن حال می گوییم: ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است . اَللّهُمَّ اَنْتَ كَشّافُ الكُرَبِ وَ البَلْوی ، وَ اِلَيْکَ خدایا ! تویی برطرف کننده گرفتاری ها و بلاها ، و از تو

اَسْتَعْدِی فَعِنْدَكَ العَدْوی ، وَ اَنْتَ رَبُّ الآخِرَةِ دادرسی و یاری جویم که در نزد تو است دادخواهی ، و تویی پروردگار آخرت وَ الدُّنْیا ، فَاَغِثْ یا غِیاثَ المُسْتَغِيثِينَ عُبَيْدَكَ و دنیا ، پس فریادرسی کن ای فریادرس درماندگان! از بنده کوچک المُبْتَلی ، وَ اَرِهِ سَيِّدَهُ یا شَدِیدَ القُوی ، وَ اَزِلْ عَنْهُ و گرفتارت ، و بنمایان به او آقایش را ای پُرتوان ، و زایل کن از او بِهِ الاَسی وَ الجَوی ، وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ یا مَنْ عَلَی به

دیدار آن حضرت اندوه و سوز دلش را ، و فرو نشان سوز عطشش را ، ای که بر العَرْشِ اسْتَوی ، وَ مَنْ اِلَیْهِ الرُّجْعی وَ الْمُنْتَهی . عرش پابرجایی ، و ای که به سوی اوست بازگشت و سرمنزل هر چیز . اَللّهُمَّ وَ نَحْنُ عَبیدُکَ التّآئِقُونَ اِلی وَلِیِّکَ الْمُذَکِّرِ خدایا این ماییم بندگان تو که شیفته دیدار دوستت هستیم ، آن که مردم را به یاد بِکَ وَ بِنَبِیِّکَ ، خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَ مَلاذاً ، وَ اَقَمْتَهُ لَنا تو و به یاد پیامبرت اندازد ، و تو او را آفریدی که نگهدار و پناه گاه ما باشد ، و برپایش داشتی

قِواماً وَ مَعاذاً ، وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنینَ مِنّا اِماماً ، فَبَلِّغْهُ تا مایه پایداری و نگهدار ما باشد ، و او را پیشوای مؤمنین از ما گردانی ، پس برسان به آن مِنّا تَحِیَّةً وَ سَلاماً ، وَ زِدْنا بِذلِکَ یا رَبِّ اِکْراماً ، جناب از طرف ما درود و سلامی ، و بیفزا بدین وسیله ای پروردگار ما بر کرامت و مقام ما ، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنا مُسْتَقَرّاً وَ مُقاماً ، وَ اَتْمِمْ نِعْمَتَکَ و جایگاه او را جایگاه و اقامت گاه ما قرار ده ، و کامل کن نعمتت را بر ما بِتَقْدیمِکَ اِیّاهُ اَمامَنا ، حَتّی تُورِدَنا جِنانَکَ وَ مُرافَقَةَ به مقدّم داشتن آن بزرگوار در پیش روی ما ، تا ما را به بهشت های خود درآوری ، و به رفاقت الشُّهَدآءِ مِنْ خُلَصآئِکَ . اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و هم نشینی شهیدان از بندگان خالصت برساند . خدایا درود فرست بر محمد وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ جَدِّهِ

وَ رَسُولِکَ و خانـدان محمـد ، و درود فرست بر محمـد جـدّ بزرگوار او و رسول تو السَّیِّدِ الاَکْبَرِ ، وَ عَلی اَبِیهِ السَّیِّدِ الاَصْغَرِ ، وَ جَدَّتِهِ آن آقای بزرگ ، و بر علی پدر بزرگوارش آن آقای کوچک تر ، و بر جدّه اش

الصِّدِّیقَهِ الکُبْری فـاطِمَهَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ راست گوی بزرگ منش فاطمه دختر محمـد - که درود خداونـد عَلَیْهِ وَ آلِهِ ، وَ عَلی مَنِ اصْطَفَیْتَ مِن آبآئِهِ البَرَرَهِ ، بر او و خاندانش باد - ، و به برگزیدگان نیک رفتار از پدران آن حضرت ، وَ عَلَیْهِ اَفْضَلَ وَ اَکْمَلَ، وَ اَتَمَّ وَ اَدْوَمَ، وَ اَکْثَرَ وَ اَوْفَرَ و بر خود حضـرت فزون ترین و کامل ترین ، و تمام ترین و مـدام ترین ، و بیشترین و فراوان ترین ما صَلَّیْتَ عَلی اَحَدٍ مِنْ اَصْفِیآئِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ درودی که فرستاده ای بر یکی از برگزیدگان و نیکان از خَلْقِکَ، وَصَلِّ عَلَیْهِ صَلاهً لا غـایَهَ لِعَدَدِها، وَلا نِهـایَهَ خلق خود ، و درود فرست بر آن جنـاب درودی بی پایـان از حیث شـماره ، و بی پایان لِمَدَدِها ، وَ لا نَفادَ لِاَمَدِها . اَللّهُمَّ وَ اَقِمْ بِهِ الحَقَّ ، از حیث زمان ، و بی پایان از حیث مدّت . خدایا حق را به وسـیله آن حضـرت برپا دار ، وَ اَدْحِضْ بِهِ الباطِلَ ، وَ اَدِلْ بِهِ اَوْلِیآءَکَ ، وَ اَذْلِلْ بِهِ و باطل را بدو نابود گردان ، و راهنمایی کن دوستانت را به وسیله او ، و خوار گردان به دست او

اَعْدآءَکَ ، وَ صِلِ اللّهُمَّ بَیْنَنا وَ بَیْنَهُ وُصْلَهً تُؤَدِّی دشمنانت را ، و پیوند کن خدایا میان ما و او را به پیوندی که

برساند اِلی مُرافَقَهِ سَلَفِهِ ، وَ اجْعَلْنا مِمَّنْ یَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ ما را به هم نشینی پدران گذشته او ، و قرار بده ما را از کسانی که دامن آنهـا را بگیرنـد وَ یَمْکُثُ فِی ظِلِّهِمْ ، وَ اَعِنّا عَلی تَأْدِیَهِ حُقُوقِهِ اِلَیْهِ ، و در سـایه لطف آنهـا بایسـتند ، و کمک کن ما را بر ادای حقوق آن حضـرت ، وَ الاِجْتِهـادِ فِی طـاعَتِهِ ، وَ اجْتِنـابِ مَعْصِیَتِهِ ، وَ امْنُنْ و سـعی و کوشـش در فرمـانبرداری اش ، و دوری از نافرمـانی اش ، و منّت بگـذار عَلَیْنا بِرِضاهُ ، وَ هَبْ لَنا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعآءَهُ بر ما به خوشـنودی اش ، و ببخش بر ما دلسوزی و مهربانی و دعا وَخَیْرَهُ، ما نَنالُ بِهِ سَعَهً مِنْ رَحْمَتِکَ وَ فَوْزاً عِنْدَکَ، و خیر آن حضـرت را ، بـدان حدّ که برسـیم بدان وسـیله به رحمت وسـیع تو و کامیـابی از نزد تو ، وَ اجْعَلْ صَلاتَنا بِهِ مَقْبُولَهً ، وَ ذُنُوبَنـا بِهِ مَغْفُورَهً ، و قرار بـده نمازهـای ما را به وسـیله او پذیرفته ، و گناهانمان را آمرزیده ،

وَ دُعآءَنـا بِهِ مُسْتَجاباً، وَ اجْعَلْ اَرْزاقَنـا بِهِ مَبْسُوطَهً، و دعاهایمـان را مسـتجاب شـده ، و قرار ده روزی هـای ما را بـدان حضـرت گسترده ، وَ هُمُومَنا بِهِ مَکْفِیَّهً ، وَ حَوآئِجَنا بِهِ مَقْضِیَّهً ، وَ اَقْبِلْ و اندوه های ما را به وسـیله اش برطرف شده ، و حاجت هایمان را روا شـده ، و رو کن اِلَیْنا بِوَجْهِکَ الکَرِیم ، وَ اقْبَلْ تَقَرُّبَنا اِلَیْکَ ، وَ انْظُرْ به سوی ما (پروردگارا) بدان چهره بزرگوارت ، و بپذیر تقرّب جویی ما را به درگاهت ، و بنگر اِلَیْنا نَظْرَهً

رَحِيمَةً ، نَسْتَكْمِلُ بِهَا الكَرامَةَ عِنْدَكَ ، به سوی ما نگاهی مهربانانه ، تا بدان وسیله بتوانیم مقام خود را در پیش تو به کمال رسانیم ، ثُمَّ لا تَصْرِفْها عَنّا بِجُودِكَ ، وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ و هر گز آن مقام را از ما بازنگردان به بخشش خودت ، و سیرابمان کن از حوض جدّش صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ رَيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً – که درود خداوند بر او و خاندانش باد – از جام او و به دست آن جناب و سیر و سیراب و گوارا سآئِغاً لا ظَمَأَ بَعْدَهُ ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

و خوش که تشنگی پس از آن نباشد ، ای مهربان ترین مهربانان.

دعای سمات

قسمت اول

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ العَظِيمِ الاَعْظَمِ الاَعَزِّ خدایا از تو درخواست می کنم به حقّ نام بزرگ تو که از همه نام ها بزرگ تر و عزیزتر الاَجَلِّ الاَكْرَمِ ، الَّذِی اِذا دُعِيتَ بِهِ عَلى مَغالِقِ و برجسته تر و گرامی تر است ، همان نامی که هرگاه خوانده شوی بدان نام برای گشودن اَبْوابِ السَّمآءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ ، وَاِذا دُعِيتَ درهای بسته آسمان ، به رحمت گشوده شود ، و هرگاه خوانده شوی بِهِ عَلى مَضآئِقِ اَبْوابِ الاَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ ، بدان نام برای گشایش تنگناهای درهای زمین باز شود ، وَ اِذا دُعِيتَ بِهِ عَلَى العُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ ، وَ اِذا و هرگاه خوانده شوی بدان نام برای آسان شدن سختی آسان گردد ، و هرگاه دُعِيتَ بِهِ عَلَى الاَمْواتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ ، وَ اِذا خوانده شوی بدان نام برای زنده شدن مردگان زنده شوند ، و هرگاه

دُعِيتَ بِهِ عَلى كَشْفِ البَأْسآءِ وَ الضَّرّآءِ انْكَشَفَتْ ، خوانده شوی

بـدان نام برای برطرف شـدن دشواری ها برطرف گردد . وَ بِجَلالِ وَجْهِکَ الکَرِیم اَکْرَم الوُجُوهِ وَ اَعَزِّ و سوگند به عظمت ذات بزرگوارت که بزرگوارترین و عزیزترین الوُجُوهِ ، الَّذِی عَنَتْ لَهُ الوُجُوهُ ، وَ خَضَعَتْ لَهُ ذات هاست ، و تمام چهره ها در برابرش خوار گشـته ، و گردن ها در مقابلش خم شده ، الرِّقابُ ، وَ خَشَعَتْ لَهُ الاَصْواتُ ، وَ وَجِلَتْ لَهُ و صداها از هیبتش خاموش گشته ، و هراسان گشـته برای او القُلُوبُ مِنْ مَخافَتِکَ ، وَ بِقُوَّتِکَ الَّتِی بِها تُمْسِکُ همه دل ها از ترس تو ، و سوگند به نیرو و قدرتت که بدان نگه داشـته ای السَّمآءَ اَنْ تَقَعَ عَلَی الاَرْضِ اِلّا بِاِذْنِکَ ، وَ تُمْسِکُ آسـمان را از اینکه بر زمین افتد جز به اجازه خودت ، و نگه داشـته ای السَّماواتِ وَ الاَرْضَ اَنْ تَزُولا ، وَ بِمَشِیَّتِکَ الَّتِی آسـمان ها و زمین را از این که از جای خود بروند ، و سوگند به اراده ات که

دانَ لَهَا العالَمُونَ ، وَ بِکَلِمَتِکَ الَّتِی خَلَقْتَ بِهَا جهانیان در برابرش پست و خوار گشـته ، و به حقّ آن سـخنت که بـدان آفریـدی السَّمـاواتِ وَ الاَرْضَ ، وَبِحِکْمَتِکَ الَّتِی صَنَعْتَ بِهَا آسـمان ها و زمین را ، و به حقّ آن حکمتت که پدیـد آوردی به وسـیله آن (موجودات) العَجآئِبَ ، وَ خَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَهَ وَ جَعَلْتَها لَیْلاً ، شگفتی های جهان را ، و تاریکی را بدان خلق فرمودی و آن را شب قرار دادی ، وَ جَعَلْتَ اللَّیْلَ سَکَناً ، وَ خَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَ جَعَلْتَهُ و شب را نیز (وقت) آرامش قرار دادی ، و نور و روشـنی را بـدان آفریدی و

آن را قرار دادی نَهـاراً ، وَ جَعَلْتَ النَّهـارَ نُشُوراً مُبْصِراً ، وَ خَلَقْتَ بِهَا روز ، و روز را هم (هنگام کار و) جنبش و مایه بینش قرار دادی ، و بدان آفریدی الشَّمْسَ وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِیاًءً ، وَ خَلَقْتَ بِهَا خورشید را و خورشید را نیز فروزان کردی ، و بدان خلق کردی القَمَرَ وَ جَعَلْتَ القَمَرَ نُوراً ، وَ خَلَقْتَ بِهَا الکَواکِبَ ماه را و برای آن نور و روشنایی قرار دادی ، و بدان ستارگان را آفریدی

وَ جَعَلْتَها نُجُوماً وَ بُرُوجاً وَ مَصابِیحَ وَ زِینَةً و قرارشان دادی اختران تابناک و برج ها و چراغ هایی و زیوربخش آسمان وَ رُجُوماً ، وَ جَعَلْتَ لَهـا مَشارِقَ وَمَغارِبَ، وَ جَعَلْتَ و وسیله رانـدن (شیاطین) ، و قرار دادی برای آن ها شرق ها و غرب ها ، و نیز قرار دادی لَها مَطالِعَ وَ مَجارِیَ ، وَ جَعَلْتَ لَها فَلَکاً وَ مَسابِحَ ، برایش طلوع گاه ها و گردش گاه ها ، و قرار دادی برای هر یک از آن ها مدار حرکت و شناوری وَ قَدَّرْتَها فِی السَّمآءِ مَنازِلَ ، فَاَحْسَنْتَ تَقْدِیرَها ، و معین فرمودی برای آنها در آسمان منازل و خانه هـایی ، و بـه خـوبی انـدازه گرفـتی . وَ صَوَّرْتَهـا ، فَاَحْسَنْتَ تَصْوِیرَهـا ، وَ اَحْصَیْتَها و چهره پردازی شـان کردی ، و چـه نیکو صورتشان دادی ، و برشمردی آنها را بِاَسْمآئِکَ اِحْصاءً ، وَ دَبَّرْتَها بِحِکْمَتِکَ تَدْبِیراً ، به نام های خویش برشمردنی دقیق ، و با حکمت خویش با کمال تدبیر اداره نمودی ، وَ اَحْسَنْتَ تَدْبِیرَها ، وَ سَخَّرْتَها بِسُلْطانِ اللَّیْلِ و چه نیکو تدبیر کردی ، و تسخیرشان کردی به وسیله تسلّط شب

وَ سُلْطانِ النَّهارِ وَ

السّاعاتِ وَ عَدَدِ السِّنِینَ و تسلّط روز برای تنظیم ساعت ها و شماره سال ها وَ الحِسابِ ، وَ جَعَلْتَ رُؤْیَتَها لِجَمیعِ النّاسِ مَرْئً و برقراری حساب ، و قرار دادی دیدنشان را برای همه مردم به صورت واحِداً ، وَ اَسْئَلُکَ اللّهُمَّ بِمَجْدِکَ الَّذِی کَلَّمْتَ بِهِ یکنواخت ، و از تو می خواهم خدایا به حقّ آن بزرگواری ات که سخن گفتی بدان عَبْدَکَ وَ رَسُولَکَ مُوسَی بْنَ عِمْرانَ عَلَیْهِ السَّلامُ با بنده و فرستاده ات موسی پسر عمران - که درود خدا بر او باد - فِی المُقَدَّسِینَ ، فَوْقَ اِحْساسِ الکَرُوبِینَ ، فَوْقَ در میان قدسیان ، برتر از دریافت مهتران فرشتگان ، بالاتر غَمآئِمِ النُّورِ ، فَوْقَ تابُوتِ الشَّهادَهِ فِی عَمُودِ از ابرهای نور ، و بالاتر از صندوق شهادت که در میان ستونی النّارِ ، وَ فِی طُورِ سَیْنآءَ ، وَ فِی جَبَلِ حُورِیثَ فِی از آتش (بود) ، و هم در طور سینا ، و در کوه حوریث در

الوادِی المُقَدَّسِ ، فِی البُقْعَهِ المُبارَکَهِ مِنْ جانِبِ سرزمین پاکیزه ، در بقعه مبارک از جانب الطُّورِ الاَیْمَنِ مِنَ الشَّجَرَهِ ، وَفِی اَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ راست کوه طور از درخت ، و در سرزمین مصر با نُه آیاتٍ بَیِّناتٍ ، وَ یَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِی اِسْرآئِیلَ البَحْرَ ، معجزه آشکار ، (به حقّ بزرگواری ات در) روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی ، وَ فِی المُنْبَجِساتِ الَّتِی صَنَعْتَ بِهَا العَجآئِبَ فِی و نیز در (روزی که) چشمه های جوشیده و جاری (از سنگ) که از آن عجایبی ساختی در بَحْرِ سُوفٍ ، وَ عَقَدْتَ مآءَ البَحْرِ فِی قَلْبِ الغَمْرِ دریای سوف ، و در دل آن دریای عظیم

آب آن دریا را منجمد کرده و بستی کَالحِجارَهِ ، وَ جاوَزْتَ بِبَنِی اِسْـرآئِیلَ البَحْرَ ، وَ تَمَّتْ مانند سنگ ، و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادی و تمام کردی کَلِمَتُکَ الحُسْـنی عَلَیْهِمْ بِما صَبَرُوا ، وَ اَوْرَثْتَهُمْ وعـده نیکت را به خاطر صبری که کردند بر ایشان ، و وارث و مالک کردی آنان را

مَشـارِقَ الاَـرْضِ وَ مَغارِبَهَا الَّتِی بارَکْتَ فِیها بر شـرق و غرب سـرزمینی که مبارک گردانـده بودی لِلْعالَمِینَ ، وَ اَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ وَ مَراکِبَهُ فِی برای جهانیـان ، و غرق کردی فرعون و سپاهیانش را بـا مرکب هایشان در الیَمِّ . وَ بِاسْـمِکَ العَظِیمِ الاَعْظَمِ الاَـعَزِّ الاَجَلِّ دریا . و سوگنـد به حقّ نام بزرگ و اعظم و عزیزتر و برتر الاَکْرَمِ ، وَ بِمَجْـدِکَ الَّذِی تَجَلَّیْتَ بِهِ لِمُوسـی و گرامی ترت ، و به حقّ آن مجد و بزرگواری ات که تجلّی کردی بدان بر موسـی کَلِیمِکَ عَلَیْهِ السَّلامُ فِی طُورِ سَیْناَءَ ، وَ لِاِبْراهِیمَ کلیم خود - که درود خـدا بر او بـاد - در طور سـینا ، و (تجلی کردی) پیش از آن نیز برای ابراهیم عَلَیْهِ السَّلاـمُ خَلِیلِـکَ مِنْ قَبْلُ فِی مَسْـجِدِ الخَیْفِ ، - که درود خدا بر او باد - خلیل خود در مسـجد خیف ، وَ لِاِسْحاقَ صَفِیِّکَ عَلَیْهِ السَّلامُ فِی بِئْرِ شِیَعٍ ، و (تجلّی کردی) برای اسحاق بر گزیده ات - که درود خدا بر او باد - در چاه شیع ،

وَلِیَعْقُوبَ نَبِیِّکَ عَلَیْهِ السَّلاـمُ فِی بَیْتِ اِیْـلٍ، وَاَوْفَیْتَ و (تجلّی کردی) برای یعقوب پیـامبرت - که درود خـدا بر او بـاد - در خانه ایل (خانه خدا) ، و وفا لِاِبْراهِیمَ عَلَیْهِ السَّلامُ بِمِیثاقِکَ،

وَ لِاِسْحاقَ بِحَلْفِكَ، کردی برای ابراهیم - که درود خدا بر او باد - به پیمان خود ، و برای اسحاق وَلِيَعْقُوبَ بِشَهادَتِکَ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ، وَلِلدّاعِينَ به سوگندت ، و برای یعقوب به گواهی ات ، و برای مؤمنان به وعده ات ، و برای خوانندگان بِاَسْمائِکَ فَاَجَبْتَ ، وَ بِمَجْدِكَ الَّذِى ظَهَرَ لِمُوسَى به نام هایت که اجابتشان کردی ، و به حقّ بزرگواری ات که آشکار گردید برای موسی بْنِ عِمْرانَ عَلَيْهِ السَّلامُ عَلى قُبَّهِ الرُّمّانِ، وَ بِآياتِکَ پسر عمران - که درود خدا بر او باد - در قبّه الرمان (عبادت گاهش) ، و به آن معجزات و نشانه هایت الَّتِى وَقَعَتْ عَلى اَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ العِزَّهِ وَ الغَلَبَهِ ، که واقع شد که در سرزمین مصر با بزرگواری و ارجمندی و چیرگی ، بِآياتٍ عَزِيزَهٍ ، وَ بِسُلْطانِ القُوَّهِ ، وَ بِعِزَّهِ القُدْرَهِ ، به آن معجزات باشکوه ، و به آن تسلّط نیرومند ، و قدرت باعزّت ،

وَ بِشَأْنِ الكَلِمَهِ التّآمَّهِ ، وَ بِكَلِماتِکَ الَّتِى تَفَضَّلْتَ و به مقام آن سخن کاملت ، و به حق آن سخنانی که برتری دادی بِها عَلى اَهْلِ السَّماواتِ وَ الاَرْضِ ، وَ اَهْلِ الدُّنْيا به وسیله آن ها بر اهل آسمان ها و زمین ، و اهل دنیا وَ اَهْلِ الآخِرَهِ ، وَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِى مَنَنْتَ بِها عَلى و اهل آخرت ، و به آن مهربانی ات که مِنّت نهادی بدان بر جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَ بِاسْتِطاعَتِكَ الَّتِى اَقَمْتَ بِها عَلَى همه مخلوقاتت ، و به آن توانایی ات که برپا داشتی بدان العالَمِينَ ، وَ بِنُورِكَ الَّذِى قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ جهانیان را ، و بدان روشنی و نورت را که

درافتـاد از هراس آن طور سَـيْنآءَ ، وَبِعِلْمِـكَ وَجَلالِكَ وَ كِبْرِيآئِکَ وَعِزَّتِکَ سـينا ، و بـدان علم و جلال و بزرگواری و عزّت وَ جَبَرُوتِکَ الَّتِی لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الاَرْضُ ، وَ انْخَفَضَتْ و جبروتت که زمين توان كشيدن آن را نداشت ، و به زانو درآمد

قسمت دوم

لَهَا السَّمـاواتُ ، وَانْزَجَرَ لَهَا العُمْقُ الاَكْبَرُ ، وَرَكَدَتْ در برابرش آسـمان هـا ، و اعمـاق بزرگ زمين در برابرش خود را واپس كشـيد ، و از جنبش ايسـتاد لَهَا البِحارُ وَ الاَنْهارُ ، وَ خَضَعَتْ لَهَا الجِبالُ ، در برابرش درياها و رودخانه ها ، و كوه ها در برابرش فروتن گشت ، وَ سَكَنَتْ لَهَا الاَرْضُ بِمَناكِبِها ، وَ اسْتَسْلَمَتْ لَهَا و زمين با همه پست و بلنـدی هايش برای او ساكن شـد ، و در برابرش تسـليم گرديدنـد الخَلآئِقُ كُلُّهـا ، وَ خَفَقَتْ لَهَا الرِّياحُ فِی جَرَيانِها ، تمام مخلوقات ، و بادها به خاطر آن در جريان خود مضـطرب گرديـد ، وَ خَمَدَتْ لَهَا النِّيرانُ فِی اَوْطانِها ، وَ بِسُلْطانِکَ و آتش ها به واسـطه آن در جاهای خود خاموش شد ، و به فرمانروايی مطلق (يا حجّت الَّذِی عُرِفَتْ لَکَ بِهِ الغَلَبَهُ دَهْرَ الدُّهُورِ ، وَ حُمِدْتَ و برهانت) كه شـناخته شدی به واسطه آن هميشه به پيروزی و غلبه ، و سـتايش شدی بِهِ فِی السَّماواتِ وَ الاَرَضِينَ ، وَ بِكَلِمَتِکَ كَلِمَهِ به واسطه آن در آسمان ها و زمين ها ، و به حقّ آن سخن و كلمه

الصِّدْقِ الَّتِی سَبَقَتْ لِاَبِينا آدَمَ عَلَيْهِ السَّلامُ راستينت كه سـبقت جست پيش از اين برای پدر ما آدم - كه درود خدا بر او باد - وَ ذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَهِ . وَ اَسْئَلُکَ بِكَلِمَتِکَ الَّتِی

غَلَبَتْ و فرزنـدانش به لطف و رحمت . و می خوانم تو را به حقّ آن گفتـارت که غلبه کرده کُلَّ شَیْ ءٍ ، وَ بِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِی تَجَلَّیْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ بر هر چیز . و به نور ذاتت که به وسـیله آن جلوه فرمودی بر کوه فَجَعَلْتَهُ دَکّاً ، وَ خَرَّ مُوسی صَعِقاً . وَ بِمَجْدِکَ الَّذِی و آن را از هم متلاشـی ساختی ، و موسـی مدهوش درافتاد . و به مجد و بزرگواری ات که ظَهَرَ عَلی طُورِ سَیْنآءَ، فَکَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَکَ وَرَسُولَکَ آشـکار شد بر طور سـینا ، و به وسـیله آن سـخن گفتی با بنده و پیامبرت مُوسَی بْنَ عِمْرانَ ، وَبِطَلْعَتِکَ فِی ساعِیرَ ، وَظُهُورِکَ موسـی پسر عمران ، و به طلوع پرتوت در ساعیر (جای مناجات عیسی) ، و به آشکار شدنت فِی جَبَلِ فارانَ ، بِرَبَواتِ المُقَدَّسِینَ وَ جُنُودِ در کوه فاران (جای مناجات رسول خدا) ، در جایگاه مرتفع بهشتیان و صفوف

المَلآئِکَهِ الصّآفِّینَ، وَخُشُوعِ المَلآئِکَهِ المُسَبِّحِینَ ، لشـکر فرشـتگان ، و در میان فروتنی فرشتگان تسبیح کننده ، وَ بِبَرَکاتِکَ الَّتِی بـارَکْتَ فِیهـا عَلی اِبْراهِیمَ خَلِیلِکَ و به حقّ آن برکـاتت که برکت دادی در آنها بر ابراهیم دوست مهربانت عَلَیْهِ السَّلامُ فِی اُمَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ، - که درود خدا بر او باد - در میان امّت محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، وَ بارَکْتَ لِاِسْحاقَ صَفِیِّکَ فِی اُمَّهِ عِیسی عَلَیْهِمَا و برکت دادی بر اسـحاق برگزیـده ات در میان امّت عیسـی - که درود خـدا بر آن دو السَّلامُ ، وَ بارَکْتَ لِیَعْقُوبَ اِسْرآئِیلِکَ فِی اُمَّهِ باد -

، و برکت دادی بر یعقوب اسرائیلت در امت مُوسی عَلَیْهِمَا السَّلامُ ، وَ بارَکْتَ لِحَبِیبِکَ مُحَمَّدٍ موسی – که درود خدا بر آن دو باد – ، و برکت دادی بر حبیبت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فِی عِتْرَتِهِ وَ ذُرِّیَّتِهِ وَ اُمَّتِهِ . – که درود خداوند بر او و خاندانش باد – در عترت و فرزندان و امّتش .

اَللّهُمَّ وَ کَما غِبْنا عَنْ ذلِکَ وَ لَمْ نَشْهَدْهُ ، وَ آمَنّا بِهِ خدایا چنان که ما در آن جریانات نبودیم و آنها را مشاهده نکرده ، و بدان ایمان آوردیم وَ لَمْ نَرَهُ صِدْقاً وَ عَدْلاً ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ در حالی که ندیده ایم از روی راستی و درستی ، همان طور می خواهیم درود فرستی بر محمد وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ تُبارِکَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، و خاندان محمد ، و این که مبارک گردانی بر محمد و خاندان محمد ، وَ تَرَحَّمَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ کَاَفْضَلِ ما صَلَّیْتَ و رحمت فرستی بر محمد و خاندان محمد ، مانند بهترین درود وَ بارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلی اِبْراهِیمَ وَ آلِ اِبْراهِیمَ ، و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی ، اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ ، فَعّالٌ لِما تُرِیدُ ، وَ اَنْتَ عَلی کُلِّ که به راستی تو ستوده و بزرگواری ، و انجام دهی هر چه را اراده کنی ، و تو بر هر شَیْ ءٍ قَدِیرٌ .

چیز توانایی.

پس هر حاجت داری ذکر کن و بگو: یا اَللَّهُ یا حَنّانُ یا مَنّانُ ، ای خدا ، ای دوستدار بندگان ، و نعمت بخش به آنان ، یا بَدِیعَ السَّمواتِ

وَالاَرْضِ، یـا ذَاالجَلالِ وَالاِکْرامِ، ای آفریننـده آسـمان ها و زمین ، ای خـدای با جلال و عظمت و بخشـش و کرامت ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ. پس بگویـد: اَللّهُمَّ بِحَقِّ هـذَا ای مهربـان ترین مهربانان. خـدایا به حقّ این الـدُّعآءِ ، وَ بِحَقِّ هـذِهِ الاَسْـمآءِ الَّتِی لا یَعْلَمُ تَفْسـیرَها دعا ، و به حقّ این نام هایی که نمی دانـد تفسـیرش را وَ لا یَعْلَمُ باطِنَها غَیْرُکَ ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ و نداند حقیقت آنها را کسـی جز تو ، درود فرست بر محمـد و خانـدان مُحَمَّدٍ ، وَ افْعَلْ بِی ما اَنْتَ اَهْلُهُ ، وَلا تَفْعَلْ بِی ما اَنَا محمد ، و انجام بده درباره من آنچه را تو شایسـته آنی ، و انجام نده درباره من آنچه من اَهْلُهُ ، وَاغْفِرْ لِی مِنْ ذُنُوبِی ما تَقَدَّمَ مِنْها وَما تَاَخَّرَ ، سـزاوار آنم ، و بیامرز گناهانم را آنچه گذشته و آنچه پس از این سر می زند ،

وَ وَسِّعْ عَلَیَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِکَ ، وَ اکْفِنِی مَؤُونَهَ و گشایش ده بر من از روزی حلالت ، و کفایت فرما مرا از زحمت و شـرّ اِنْسانِ سَوْءٍ ، وَ جارِ سَوْءٍ ، وَ قَرِینِ سَوْءٍ ، وَ سُـلْطانِ انسان بد ، و همسایه بد ، و رفیق بد ، و فرمانروای سَوْءٍ ، اِنَّکَ عَلی ما تَشآءُ قَدِیرٌ ، وَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ ، بد ، که تو بر هر چه بخواهی توانایی . و به هر چیز دانایی ، آمِینَ رَبَّ العالَمِینَ.

اجابت فرما ای پروردگار جهانیان. و بعد از دعا، این دعا را بخواند: اَللّهُمَّ بِحَقِّ هذَا الدُّعآءِ ، خدایا به حقّ این دعا وَ بِحَقِّ هذِهِ

الاَسْماءِ الَّتی لا یَعْلَمُ تَفْسیرَها وَ لا و به حقّ این نام هایی که نمی داند تفسیرش را و نه تَأْویلَها وَ لا باطِنَها وَ لا ظاهِرَها غَیْرُکَ ، اَنْ تُصَلِّیَ تأویلش را و نه حقیقتش را و نه ظاهرش را کسی جز تو ، (از تو می خواهم) که درود فرستی بر

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ تَرْزُقَنِی خَیْرَ الدُّنْیا محمد و خاندان محمد ، و این که روزی من گردانی خیر دنیا وَ الآخِرَهِ.

و آخرت را. پس حاجات خود را بطلبد و بگوید: وَ افْعَلْ بِی ما اَنْتَ اَهْلُهُ و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی وَ لا تَفْعَلْ بی ما أَنَا اَهْلُهُ ، وَ انْتَقِمْ لِی مِنْ فُلانِ بْنِ و مکن با من آنچه را من سزاوار آنم ، و انتقام بگیر برای من از فلان پسر فُلانٍ نام دشمن را بگوید وَاغْفِرْ لِی مِنْ ذُنُوبِی ما تَقَدَّمَ فلانی و بیامرز گناهانم را آنچه گذشته مِنْها وَ ما تَاَخَّرَ ، وَ لِوالِدَیَّ وَ لِجَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ و آنچه از این پس سر می زند ، و بیامرز پدر و مادرم را و همه مردان با ایمان وَ الْمُؤْمِناتِ . وَ وَسِّعْ عَلَیَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِکَ . و زنان با ایمان را ، و گشایش ده بر من از روزی حلالت .

وَ اکْفِنِی مَؤُونَهَ إِنْسانِ سَوْءٍ ، وَ جارِ سَوْءٍ ، وَ سُلْطانِ و کفایت فرما مرا از زحمت و شرّ انسان بد ، و همسایه بد ، و فرمانروای سَوْءٍ ، وَ قَرِینِ سَوْءٍ ، وَ یَوْمِ سَوْءٍ ، وَ ساعَهِ سَوْءٍ . بد ، و رفیق بد ، و روز بد ،

و ساعت بـد . وَ انْتَقِمْ لِی مِمَّنْ یَکِیـدُنی ، وَ مِمّنْ یَبْغِی عَلَیَّ ، و انتقام بگیر از کسـی که به من نیرنگ زنـد ، و بر من سـتم کند ، وَیُرِیـدُ بِی وَ بِاَهْلِی وَ اَوْلادِی وَ اِخْوانِی وَ جِیرانِی و می خواهـد ظلم کنـد به من و به خانـدان و فرزندان و همسایگان وَ قَراباتِی ، مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنـاتِ ظُلْمـاً ، اِنَّکَ و نزدیکانم ، از مردان با ایمان و زنان با ایمان ، که تو عَلی ما تَشآءُ قَـدِیرٌ ، وَ بِکُلِّ شَـیْ ءٍ عَلِیمٌ ، آمِینَ رَبَّ بر هر چه بخواهی توانایی ، و به هر چیز دانایی ، اجابت فرما ای پروردگار العالَمِینَ. سپس بگو: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا الدُّعآءِ تَفَضَّلْ جهانیان. خدایا به حقّ این دعا (بر همه اهل ایمان) تفضّل کن

عَلی فُقَرآءِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالغِنی وَ الثَّرْوَهِ ، (امّا) بر فقرای مؤمنین و مؤمنات به ثروت و توانگری ، وَ عَلی مَرْضَـی الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ بِالشِّفآءِ و بر بیماران از مؤمنین و مؤمنات به شفا و بهبودی وَ الصِّحَّهِ ، وَ عَلی اَحْیآءِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ و تندرستی ، و بر زنـدگان مؤمنین و مؤمنـات بِـاللُّطْفِ وَ الکَرامَهِ ، وَ عَلی اَمْواتِ الْمُؤْمِنِینَ به مهربـانی و بزرگواری ، و بر مردگان مؤمنین وَ الْمُؤْمِنـاتِ بِـالْمَغْفِرَهِ وَ الرَّحْمَهِ ، وَ عَلی مُسافِرِی و مؤمنات به آمرزش و دل سوزی ، و بر مسافرین الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ بِالرَّدِّ إِلی اَوْطـانِهِمْ سالِمِینَ مؤمنین و مؤمنات به بازگشـتن به سوی وطن های خویش به سـلامتی غانِمِینَ ، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ . وَ صَلَّی اللّٰهُ و بهره مندی ، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان . و

درود فرستد خداوند

عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیِّینَ وَعِتْرَتِهِ الطّاهِرِینَ، بر آقای ما محمد آخرین پیامبران و عترت پاکیزه اش وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً.

و سلام فرستد سلام فرستادنی بسیار. و مستحبّ است که بعد از دعای سمات بگوید: اَللّهُمَّ إنِّی خدایا ! از تو اَسْئَلُکَ بِحُرْمَهِ هذَا الدُّعآءِ ، وَ بِما فاتَ مِنْهُ مِنَ می خواهم به حرمت این دعا ، و به آنچه در آن ذکر نشده از الاَسْمآءِ ، وَ بِما یَشْتَمِلُ عَلَیْهِ مِنَ التَّفْسِیرِ وَ التَّدْبِیرِ ، نام هایت ، و به آنچه دربر دارد از تفسیر و تدبیری ، اَلَّذِی لا یُحِیطُ بِهِ إلّا اَنْتَ ، اَنْ تَفْعَلَ بِی کَذا وَ کَذا . که کسی جز تو بر آن احاطه ندارد ، که درباره من چنین و چنان کنی. پس حاجات خود را بخواهد.

حدیث کساء

بِسَنَدٍ صَحِیحٍ عَنْ جابِرِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ الاَنْصارِی: به سند صحیح از جابر بن عبد اللّه انصاری عَنْ فاطِمَهَ الزَّهْرآءِ عَلَیْهَا السَّلامُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ از فاطمه زهرا – که درود خدا بر او باد – دختر رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ، قالَ: سَمِعْتُ فاطِمَهَ اَنَّها – که درود خداوند بر او و خاندانش باد – ، جابر گوید: شنیدم از فاطمه زهرا که قالَتْ: دَخَلَ عَلَیَّ اَبِی رَسُولُ اللَّهِ فِی بَعْضِ الاَیّامِ فرمود: وارد شد بر من پدرم رسول خدا در یکی از روزها فَقالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَهُ ! فَقُلْتُ: عَلَیْکَ و فرمود: درود بر تو ای فاطمه ! در پاسخش گفتم: بر تو باد السَّلامُ ! قالَ: اِنِّی اَجِدُ فِی بَدَنِی ضُعْفاً ، فَقُلْتُ لَهُ: درود. فرمود: من در بدنم سستی و ضعفی احساس می کنم .

عرض کردم: اُعِیذُکَ بِاللَّهِ یا اَبَتاهُ مِنَ الضَّعْفِ ! فَقالَ: یا فاطِمَهُ ! پناه می دهم تو را به خدا ای پدر جان از سستی و ضعف ! فرمود: ای فاطمه !

اِئتِینِی بِالکِسآءِ الیَمانِی فَغَطِّینِی بِهِ ، فَاَتَیْتُهُ بیاور برایم عبای یمانی را و مرا بدان بپوشان ، من برایش آوردم بِالکِسآءِ الیَمانِی فَغَطَّیْتُهُ بِهِ ، وَ صِرْتُ اَنْظُرُ اِلَیْهِ عبای یمانی را و او را بدان پوشاندم ، و همواره به او می نگریستم وَ اِذا وَجْهُهُ یَتَلَأْلَأُ ، کَاَنَّهُ البَدْرُ فِی لَیْلَةِ تَمامِهِ و در آن حال چهره اش می درخشید ، همانند ماه شب چهارده وَ کَمالِهِ ، فَما کانَتْ اِلّا ساعَةً وَ اِذا بِوَلَدِیَ الحَسَنِ به طور کامل ، پس ساعتی نگذشت که دیدم فرزندم حسن عَلَیْهِ السَّلامُ قَدْ اَقْبَلَ ، وَقالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمّاهُ ! - که درود خدا بر او باد - وارد شد ، و گفت: درود بر تو ای مادر ! فَقُلْتُ: وَعَلَیْکَ السَّلامُ یا قُرَّةَ عَیْنِی وَ ثَمَرَةَ فُؤادِی ! گفتم: بر تو باد درود ای نور دیده ام و میوه دلم ! فَقالَ: یا اُمّاهُ ! اِنِّی اَشَمُّ عِنْدَکِ رآئِحَةً طَیِّبَةً ، کَاَنَّها گفت: مادر جان ! من در نزد تو بوی خوشی استشمام می کنم ، گویا

رآئِحَةُ جَدِّی رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ، بوی جدّم رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - است ، فَقُلْتُ: نَعَمْ ، اِنَّ جَدَّکَ تَحْتَ الکِسآءِ ، فَاَقْبَلَ الحَسَنُ گفتم: آری ، همانا جدّ تو در زیر عباست ، پس حسن نَحْوَ الکِسآءِ ، وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا جَدّاهُ ، یا به طرف عبا رفت

، و گفت: درود بر تو ای جدّ بزرگوار ، ای رَسُولَ اللّهِ ! اَتَأْذَنُ لِی اَنْ اَدْخُلَ مَعَکَ تَحْتَ الکِسآءِ؟ رسول خدا ! آیا به من اجازه می دهی که وارد شوم با تو در زیر عبا ؟ فَقالَ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا وَلَدِی وَ یا صاحِبَ فرمود: بر تو باد سلام ای فرزندم و ای صاحب حَوْضِی ! قَدْ اَذِنْتُ لَکَ ، فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الکِسآءِ . حوض من ! اجازه دادم تو را ، پس حسن با آن جناب به زیر عبا رفت . فَما کانَتْ اِلّا ساعَةً وَ اِذا بِوَلَدِیَ الحُسَیْنِ عَلَیْهِ ساعتی نگذشت که فرزندم حسین - که درود خدا

السَّلامُ قَدْ اَقْبَلَ ، وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمّاهُ ! بر او باد - وارد شد ، و گفت: درود بر تو ای مادر ! فَقُلْتُ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا وَلَدِی وَ یا قُرَّةَ عَیْنِی گفتم: بر تو باد درود ای فرزندم و ای نور دیده ام وَ ثَمَرَةَ فُؤادِی ، فَقالَ لِی: یا اُمّاهُ ! اِنِّی اَشَمُّ عِنْدَکِ و میوه دلم ، گفت: مادر جان ! من استشمام می کنم در نزد تو رآئِحَةً طَیِّبَةً ، کَاَنَّها رآئِحَةُ جَدِّی رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ: بوی خوشی را ، گویا بوی جدّم رسول خدا است ، گفتم: نَعَمْ ، اِنَّ جَدَّکَ وَاَخاکَ تَحْتَ الکِسآءِ، فَدَنَی الحُسَیْنُ آری همانا جدّ تو و برادرت در زیر عبا هستند ، حسین نزدیک نَحْوَ الکِسآءِ وَقالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا جَدّاهُ! اَلسَّلامُ عبا رفته و گفت: درود بر تو ای جدّ بزرگوار ! درود عَلَیْکَ یا مَنِ اخْتارَهُ اللّهُ ! اَتَأْذَنُ لِی اَنْ اَکُونَ مَعَکُما بر تو ای کسی که

خدا او را بر گزید ! آیا به من اجازه می دهی که داخل شوم با شما

تَحْتَ الکِساَءِ ؟ فَقالَ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا وَلَدِی در زیر عبا ؟ فرمود: و بر تو باد درود ای فرزندم وَ یا شافِعَ اُمَّتِی ! قَدْ اَذِنْتُ لَکَ ، فَدَخَلَ مَعَهُما تَحْتَ و ای شفاعت کننده امّتم ! به تو اجازه دادم ، پس او نیز با آن دو وارد شد در زیر الکِساَءِ . فَاَقْبَلَ عِنْدَ ذلِکَ اَبُوالحَسَنِ عَلِیُّ بْنُ عبا . در این هنگام ابوالحسن علی فرزند اَبِی طالِبٍ وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ! ابی طالب وارد شد و فرمود: درود بر تو ای دختر رسول خدا ! فَقُلْتُ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا اَبَا الحَسَنِ وَ یا اَمِیرَ گفتم: و بر تو باد درود ای اباالحسن و ای پیشوای المُؤْمِنِینَ ! فَقالَ: یا فاطِمَهُ ! اِنِّی اَشَمُّ عِنْدَکِ رآئِحَهً مؤمنان ! فرمود: ای فاطمه ! من استشمام می کنم در نزد تو طَیِّبَهً ، کَاَنَّها رآئِحَهُ اَخِی وَ ابْنِ عَمِّی رَسُولِ اللَّهِ ، بوی خوشی ، گویا بوی برادرم و پسر عمویم رسول خداست .

فَقُلْتُ: نَعَمْ ، ها هُوَ مَعَ وَلَدَیْکَ تَحْتَ الکِساَءِ ، گفتم: آری ، این اوست که با دو فرزندت در زیر عبا هستند ، فَاَقْبَلَ عَلِیٌّ نَحْوَ الکِساَءِ وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا پس علی نیز به طرف عبا رفت و گفت: درود بر تو ای رَسُولَ اللَّهِ! اَتَأْذَنُ لِی اَنْ اَکُونَ مَعَکُمْ تَحْتَ الکِساَءِ؟ رسول خدا ! آیا اجازه می دهی که من نیز با شما در زیر عبا باشم ؟ قالَ: وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا اَخِی وَ وَصِیِّی وَ خَلِیفَتِی رسول خدا

به او فرمود: و بر تو بـاد درود ای برادر من و ای وصـی و جانشـین من وَ صـاحِبَ لِوآئِی ! قَـدْ اَذِنْتُ لَـکَ ، فَـدَخَلَ عَلِیٌّ تَحْتَ و پرچمـدار من ! به تو اجازه دادم ، پس علی نیز وارد در زیر عبا شد ، الکِسآءِ ، ثُمَّ اَتَیْتُ نَحْوَ الکِسآءِ وَقُلْتُ: اَلسَّلامُ در این هنگام من نیز به طرف عبا رفتم و عرض کردم: درود عَلَیْکَ یا اَبَتاه یا رَسُولَ اللّٰهِ ! اَ تَأْذَنُ لِی اَنْ اَکُونَ بر تو ای پدر جان ای رسول خدا ! آیا به من هم اجازه می دهی که با شما

مَعَکُمْ تَحْتَ الکِسآءِ ؟ قالَ: وَ عَلَیْکِ السَّلامُ یا بِنْتِی در زیر عبا باشم ؟ فرمود: و بر تو باد درود ای دخترم و ای وَ یا بِضْعَتِی ! قَدْ اَذِنْتُ لَکِ ، فَدَخَلْتُ تَحْتَ الکِسآءِ ، پـاره تنم ! به تو هم اجـازه دادم ، پس من نیز به زیر عبـا رفتم ، و چون فَلَمَّا اکْتَمَلْنا جَمِیعاً تَحْتَ الکِسآءِ ، اَخَذَ اَبِی رَسُولُ همگی در زیر عبـا جمع شـدیم ، پـدرم رسول خـدا اللّٰهِ بِطَرَفَیِ الکِسآءِ، وَاَوْمَأَ بِیَدِهِ الیُمْنی اِلَی السَّمآءِ، دو طرف عبـا را گرفت ، و بـا دست راست به سوی آسـمان اشـاره کرد ، وَ قـالَ: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هؤُلآءِ اَهْلُ بَیْتِی وَخآصَّتِی و فرمود: خـدایا ! اینـان خانـدان من و برگزیـدگان قوم من وَ حآمَّتِی ، لَحْمُهُمْ لَحْمِی وَ دَمُهُمْ دَمِی ، یُؤْلِمُنِی و نزدیکانم هسـتند ، گوشـتشان گوشت من و خونشان خون من است ، می آزارد مرا ما یُؤْلِمُهُمْ ، وَ یَحْزُنُنِی ما یَحْزُنُهُمْ ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ هرچه آنها را بیازارد ،

و غمگین کند مرا هرچه آنها را غمگین کند ، من در جنگم با هرکه با

حارَبَهُمْ ، وَ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَهُمْ ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُمْ ، آنها بجنگد ، و در صلحم با هرکه با آنها در صلح است ، و دشمنم با هرکه با آنها دشمنی کند ، وَ مُحِبٌّ لِمَنْ اَحَبَّهُمْ ، اِنَّهُمْ مِنِّی وَ أَنَا مِنْهُمْ ، فَاجْعَلْ و دوست دارم هرکه آنها را دوست دارد ، اینان از منند و من از ایشانم ، پس بفرست صَلَواتِکَ وَبَرَکاتِکَ وَرَحْمَتَکَ وَغُفْرانَکَ وَرِضْوانَکَ درودهای خود و برکت هایت و مهرت و آمرزشت و خوشنودی ات را عَلَیَّ وَ عَلَیْهِمْ ، وَ اَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ ، وَ طَهِّرْهُمْ بر من و بر ایشان ، و دور کن از ایشان پلیدی را ، و پاکیزه شان کن تَطْهیراً . فَقالَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ: یا مَلآئِکَتِی وَیا سُکّانَ به خوبی . پس خدای عزّوجلّ فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان سَماواتِی ! اِنِّی ما خَلَقْتُ سَمآءً مَبْنِیَّةً ، وَ لا اَرْضاً آسمان هایم ! به راستی که من نیافریدم آسمان بنا شده ، و نه زمین مَدْحِیَّةً ، وَ لا قَمَراً مُنِیراً ، وَ لا شَمْساً مُضِیئَةً ، وَ لا گسترده ، و نه ماه تابان ، و نه آفتاب درخشان ، و نه

فَلَکاً یَدُورُ ، وَ لا بَحْراً یَجْرِی ، وَ لا فُلْکاً یَسْرِی ، سپهر آسمان که بچرخاند ، و نه دریای روان ، و نه کشتی در جریان را ، اِلّا فِی مَحَبَّةِ هؤُلآءِ الخَمْسَةِ ، اَلَّذِینَ هُمْ تَحْتَ مگر به خاطر دوستی این پنج تن ، اینان که در زیر الکِسآءِ . فَقالَ الاَمِینُ

جَبْرآئِیلُ: یارَبِّ ! وَ مَنْ تَحْتَ عبایند . پس جبرئیل امین عرض کرد: پروردگارا ! کیانند در زیر الکِسآءِ ؟ فَقالَ عَزَّوَجَلَّ: هُمْ اَهْلُ بَیْتِ النُّبُوَّهِ وَمَعْدِنُ عبا ؟ خدای عزّوجلّ فرمود: آنان خاندان نبوت و بنیاد الرِّسالَهِ ، هُمْ فاطِمَهُ وَاَبُوها وَبَعْلُها وَبَنُوها . فَقالَ رسالتند ، آنان فاطمه و پدرش و شوهر و دو فرزندش هستند . عرض کرد جَبْرآئِیلُ: یا رَبِّ اَتَأْذَنُ لِی اَنْ اَهْبِطَ اِلَی الاَرْضِ جبرئیل: پروردگارا ! آیا به من هم اجازه می دهی که فرود آیم به زمین لِاَکُونَ مَعَهُمْ سادِساً ؟ فَقالَ اللَّهُ: نَعَمْ ، قَدْ اَذِنْتُ لَکَ ، تا ششمین آنها باشم ؟ خدا فرمود: آری ، همانا به تو اجازه دادم ،

فَهَبَطَ الاَمِینُ جَبْرآئِیلُ ، وَ قالَ: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا پس جبرئیل امانت دار به زمین آمد ، و گفت: درود بر تو ای رَسُولَ اللَّهِ! العَلِیُّ الاَعْلی یُقْرِؤُکَ السَّلامَ وَ یَخُصُّکَ رسول خدا ! (پروردگار) والای والاتر درودت می رساند و مخصوص داشته تو را بِالتَّحِیَّهِ وَ الاِکْرام ، وَ یَقُولُ لَکَ: وَ عِزَّتی وَ جَلالِی به تحیّت و اکرام ، و می فرماید: به عزّت و جلالم سوگند اِنِّی ما خَلَقْتُ سَمآءً مَبْنِیَّهً ، وَ لا اَرْضاً مَدْحِیَّهً ، که من نیافریدم آسمان بنا شده ، و نه زمین گسترده ، وَ لا قَمَراً مُنِیراً ، وَ لا شَمْساً مُضِیئَهً ، وَ لا فَلَکاً و نه ماه تابان ، و نه خورشید درخشان ، و نه سپهر آسمان یَدُورُ ، وَ لا بَحْراً یَجْرِی ، وَ لا فُلْکاً یَسْرِی ، اِلّا که بچرخاند ، و نه دریای روان ، و نه کشتی در جریان را ، مگر

لِاَجْلِكَمْ وَ مَحَبَّتِكَمْ . وَ قَدْ اَذِنَ لِی اَنْ اَدْخُلَ مَعَكَمْ ، برای خاطر شما و محبت و دوستی شما . و به من نیز اجازه داده که با شما در زیر عبا باشم ،

فَهَلْ تَأْذَنُ لِی یا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَعَلَیْکَ پس آیا تو هم ای رسول خدا به من اجازه می دهی ؟ رسول خدا فرمود: و بر تو باد السَّلامُ یا اَمِینَ وَحْیِ اللَّهِ ، اِنَّهُ نَعَمْ قَدْ اَذِنْتُ لَکَ ، درود ای امانت دار وحی خدا ، آری اجازه دادم به تو هم ، فَدَخَلَ جَبْرآئِیلُ مَعَنا تَحْتَ الکِسآءِ . فَقالَ لِاَبی: اِنَّ پس جبرئیل با ما وارد در زیر عبا شد . و به پدرم گفت: همانا اللَّهَ قَدْ اَوْحی اِلَیْکُمْ، یَقُولُ: اِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ خداوند به سوی شما وحی کرده ، و می فرماید: «همانا خدا می خواهد ببرد عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ البَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً ، پلیدی (و ناپاکی) را از شما خاندان و پاکیزه کند شما را پاکیزگی کامل» ، فَقالَ عَلِیٌّ لِاَبی: یا رَسُولَ اللَّهِ ! اَخْبِرْنِی ما لِجُلُوسِنا علی به پدرم گفت: ای رسول خدا ! به من بگو: این نشستن ما هذا تَحْتَ الکِسآءِ مِنَ الفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ ؟ فَقالَ النَّبِیُّ در زیر عبا چه فضیلتی (و چه شرافتی) نزد خدا دارد ؟ پیغمبر - که درود خداوند

صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ : وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ نَبِیّاً ، بر او و آلش باد - فرمود: سوگند بدان خدایی که مرا برانگیخت به راستی برای پیامبری ، وَ اصْطَفانِی بِالرِّسالَهِ نَجِیّاً ! ما ذُکِرَ خَبَرُنا هذا فِی و برگزید به رسالت و نجات دادن (خلق)

! که ذکر نشود این خبر (و سرگذشت) ما در مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اَهْلِ الاَرْضِ ، وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ انجمن و محفلی از محافل مردم زمین ، که در آن گروهی از شِيعَتِنا وَ مُحِبِّينا ، اِلّا وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ ، شیعیان و دوستان ما باشند ، جز آنکه نازل شود بر ایشان رحمت (حق) ، وَ حَفَّتْ بِهِمُ المَلآئِكَةُ ، وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ اِلى اَنْ و فرا گیرند ایشان را فرشتگان ، و برایشان آمرزش خواهند مادامی که از دور هم يَتَفَرَّقُوا! فَقالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلامُ: اِذاً وَاللَّهِ فُزْنا وَفازَ پراکنده شوند ! علی - که درود خدا بر او باد - فرمود: به خدا سوگند ما رستگار شدیم شِيعَتُنا وَرَبِّ الكَعْبَهِ ، فَقالَ النَّبِيُّ ثانِياً: يا عَلِيُّ ! و سوگند به پروردگار کعبه شیعیان ما رستگار شدند ، دوباره پیغمبر فرمود: ای علی !

وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ نَبِيّاً ، وَ اصْطَفانِی بِالرِّسالَهِ سوگند بدان که برانگیخت مرا به راستی برای پیامبری ، و برگزید مرا برای رسالت نَجِيّاً ! ما ذُكِرَ خَبَرُنا هذا فِی مَحْفِلٍ مِنْ مَحافِلِ اَهْلِ و نجات دادن خلق ، ذکر نشده این خبر (و سرگذشت) ما در انجمن و محفلی از محافل مردم الاَرْضِ ، وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنا وَ مُحِبِّينا ، وَ فِيهِمْ زمین ، که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند ، و در میان آنها مَهْمُومٌ اِلّا وَ فَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ، وَ لا مَغْمُومٌ اِلّا وَ كَشَفَ اندوه ناکی باشد جز آن که خدا اندوهش را برطرف کند ، و نه غمناکی جز آن که بگشاید اللَّهُ غَمَّهُ ، وَ لا طالِبُ حاجَةٍ اِلّا وَ

قَضَی اللَّهُ حاجَتَهُ . خدا غمش را ، و نه حاجت خواهی باشد جز آن که خدا حاجتش را برآورد . فَقالَ عَلِیٌّ: اِذاً وَاللَّهِ فُزْنا وَ سُعِدْنا ، وَ کَذلِکَ شِیعَتُنا پس علی گفت: بدین ترتیب به خدا سوگند ما کامیاب و سعادتمند شدیم ، و هم چنین شیعیان ما فازُوا وَ سُعِدُوا فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ وَ رَبِّ الکَعْبَهِ. کامیاب و سعادتمند شدند در دنیا و آخرت ، به پروردگار کعبه سوگند.

تاریخچه ی مسجد مقدس جمکران

بیش از هزارسال است که از تاریخ بنای این مسجد مقدّس می گذرد. در رابطه با احداث این مسجد، محدّث بزرگوار، آیت اللّه حاج میرزا حسین نوری طبرسی رحمه الله در کتاب نجم الثاقب حکایت مبسوطی دارد که خلاصه آن چنین است:

«شیخ عفیف صالح، حسن بن مثله جمکرانی چنین نقل می کند: ... من شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان در سرای خود خفته بودم، ناگاه جماعتی مردم به سرای من آمدند، نصفی از شب گذشته مرا بیدار کردند و گفتند: برخیز و طلب مولایت حضرت صاحب الزمان علیه السلام را اجابت کن که تو را می خواند، برخاستم آماده شدم... چون به در سرای آمدم جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم جواب دادند... مرا بیاوردند تا بدان جایگاه که اکنون مسجد است. چون نیک بنگریستم تختی دیدم نهاده و فرشی نیکو بر آن تخت گسترده و بالش های نیکو نهاده و جوانی سی ساله برآن تخت بر چهار بالش تکیه کرده و پیری پیش او نشسته... و فزون از شصت مرد بر آن زمین بر گرد او نماز می خوانند و آن پیر حضرت خضرعلیه السلام بود، پس آن پیر مرا نشاند و امام علیه السلام مرا با نام خواندند و

دستور ساخت مسجد را با تشریفات و مقدمات خاصّی صادر فرمودند».

بنابر نقل مرحوم محدّث نوری در کتاب شریف نجم الثاقب، حضرت امام عصر - ارواحنا له الفداء - خطاب به حسن بن مثله جمکرانی فرمودند: به مردم بگو تا بدین موضع رغبت نمایند و آن را عزیز دارند و در آن چهار رکعت نماز بجای آورند:

الف) دو رکعت نماز تحیّت مسجد: در هر رکعت بعد از سوره حمد، هفت مرتبه سوره توحید «قل هو اللّه أحد» را بخوانید و در رکوع هفت مرتبه «سبحان ربّی العظیم وبحمده» و در سجده هفت مرتبه «سبحان ربّی الأعلی وبحمده» بگویید.

ب) دو رکعت نماز صاحب الزمان علیه السلام: در هر رکعت، هنگام خواندن سوره حمد، چون به آیه «إیّاک نعبد وإیّاک نستعین» رسیدید، این آیه را صد مرتبه تکرار کنید، سپس سوره حمد را تمام کرده و سوره توحید «قل هو اللّه أحد» را یک مرتبه خوانده، و در رکوع هفت مرتبه «سبحان ربّی العظیم وبحمده» و در سجده هفت مرتبه «سبحان ربّی الأعلی وبحمده» بگویید. پس از پایان نماز، تسبیحات حضرت زهراعلیها السلام را گفته، سپس سر به سجده گذارده و صد مرتبه صلوات بفرستید.

امام علیه السلام فرمودند: «مَنْ صَلّیها فَکَأَنَّما صَلّی فِی البَیْتِ العَتِیقِ» هر کس این نماز را بخواند، گویا در کعبه نماز خوانده است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹